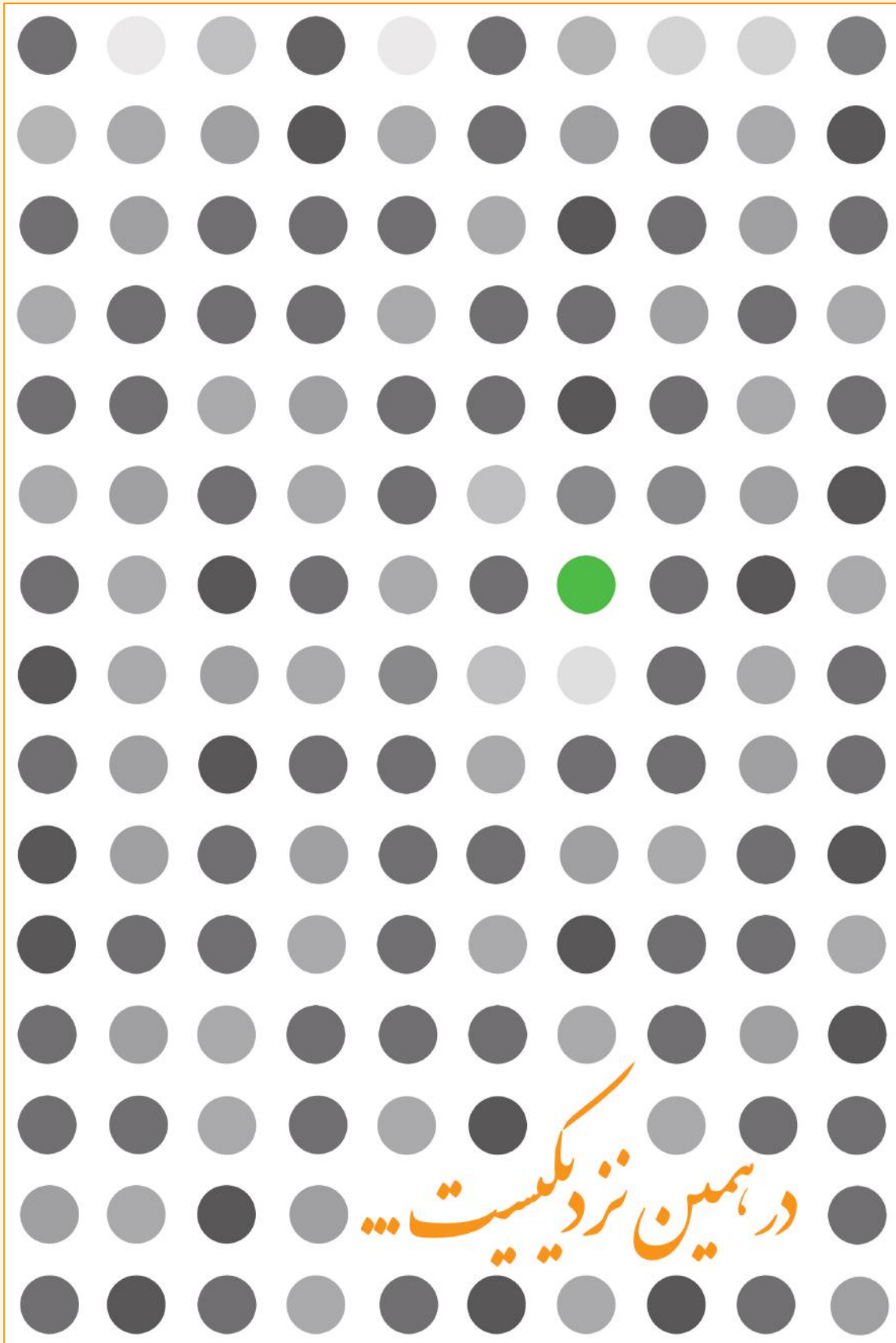




- بشارتی بزرگ در دل تلخی‌ها / ۳
دخترم / ۵
غدير در قرآن / ۶
تا خط پایان باید دوید / ۸
اشک‌های امام جواد(علیه السلام) / ۱۰
خواب‌نامه‌ها و نشر اکاذیب / ۱۲
مرحله دوم عملیات انتقام / ۱۴
آزمونی برای همه / ۱۶
هر که دوست دارد / ۱۷
عرفات، تجلی گاه شناخت امام عصر(علیه السلام) / ۱۸
قول می‌دهم آقا... / ۲۰
اولین حضور در مسجد... / ۲۱
ترک گناه، رمز ارتباط معنوی... / ۲۲
ازدواجی این گونه / ۲۴
شیرین و تلخ / ۲۶
هالیوود و امپریالیسم فرهنگی / ۲۸
اگر نبودند / ۳۱
مگر آن که خود خواهند / ۳۲
ما هم سربازیم؟ / ۳۴
بسبجی، این بار در اردوهای جهادی / ۳۶
پرسه در خیال / ۳۸
او دعوت را تمام خواهد کرد / ۴۲
امام مهدی(علیه السلام) روح حج / ۴۴
بهانه‌ای برای یاد / ۴۶
آخرین سفارش / ۴۷
اقامه نماز / ۴۸
کودکی بزرگ‌مرد / ۵۰
ویژگی منتظران در دعای امام سجاد / ۵۲
انتظاری از جنس خلایق / ۵۳
تعامل حوزه و دانشگاه؛ وحدت زمینه‌ساز / ۵۴
فوری‌ترین مسئله امروز جهان اسلام / ۵۶
دل‌نوشته / ۵۸
مهریه‌ات را به من بده / ۶۰
کتابخانه مهدوی / ۶۳
مسیحیت و دو چهره از مسیح موعود / ۶۴
ویروس ترک‌زدگی / ۶۶
رازاها و روزها / ۶۸
ویژگی‌های بنیانگذار فرقه شیخیه / ۷۰
پرسش‌ها و پاسخ‌های مهدوی / ۷۲
پیامک‌های مهدوی / ۷۴
با یاران امان / ۷۶
جدول و مسابقه تستی / ۷۸

۱۸ مقاله



عرفات،
تجلی گاه شناخت
امام عصر

علی مصلحی

سخن



تا خط پایان باید
دوید

حجت‌الاسلام والمسلمین تقویان

۳۸ گپ و گفت



پرسه در خیال

گفتگو با سید حمیدرضا برقی، شاعر

۲۸ غرب و مهدویت



هالیوود و
امپریالیسم فرهنگی

محمد شهبازیان

۵۰ تربیت مهدوی



کودکی بزرگ‌مرد

مدیریت تربیتی کودکان در حوادث

۴۴ حج و مهدویت



امام مهدی(علیه السلام)
روح حج

محمد رضا فؤادیان

۶۰ مدعیان دروغین



مهریه‌ات را
به من بده

محمد رضا موسوی

۵۴ زمینه‌سازی



تعامل حوزه و
دانشگاه، وحدت
زمینه‌ساز

سید محمد موسوی



با تشکر از شورای نویسندگان و تمام
مهدی‌باورانی که به نوعی یاری‌گر ما بوده‌اند.
www.aman.ir * info@aman.ir
ده‌هزار نسخه از این نشریه با حمایت سازمان اوقاف و امور
خیریه از محل موقوفات منطبق چاپ می‌شود.

■ امان در ویرایش و تلخیص مقالات آزاد است.
■ مقاله‌های درج شده، لزوماً بیانگر دیدگاه نشریه نیست.
■ می‌خواهیم نشریه‌ای ارائه دهیم نه برای عنوان و تیراژ و...؛ فقط
ویژه امام زمان، آن که سست و بی‌پایه نباشد. زیبا و شایسته برای
همه علاقه‌مندان به ساحت مقدس امام مهربانان؛ پس مشتاقانه
نیازمند دست و فکر یاریگرتان هستیم. با آراء، پیشنهادها، مطالبات
و... ما را در ادای این امر یاری کنید.

■ مدیرمسئول: مجتبی کلباسی
■ سردبیر: محمدصابر جعفری
■ مدیر علمی: حسن ملانی
■ مدیر اجرایی: حسین باقری
■ گرافیک و صفحه‌آرایی: سید مهدی هاشمی
■ طرح جلد: سعید ایل‌بینی
■ ویراستار: محمد بدیعی
■ امور مخاطبین: محمدجواد کمار
■ برنامه‌ریزی و امور مشترکین: محمدصادق احمدی
■ امور رایانه: سید علی حسینی

نشانی: قم، خیابان شهید (صفائیة)، کوی آمار، بن‌بست شهید علیان، مرکز تخصصی مهدویت ■ صندوق پستی: ۳۹۷۵-۳۷۱۸۵ نشریه امان ■ تلفکس: ۷۸۳۲۵۰۰-۰۲۵۱

مراکز پخش: قم، مرکز تخصصی مهدویت ۷۷۳۷۸۰۱-۷۷۳۷۱۶۰-۸۸۳۳۷۰۱ (۰۲۵۱) انتشارات مسجد مقدس جمکران ۷۲۵۳۳۴۰-۰۲۵۱ (۰۲۵۱) تهران، بنیاد فرهنگی حضرت مهدی موعود(عج) ۸۹۹۸۶۰۰-۰۲۱

ارومیه ۳۲۵۱۲۱۲ (۰۴۴۱) اصفهان ۲۲۵۵۱۱۵ (۰۳۱۱) مشهد ۲۲۳۶۸۱۷ (۰۵۱۱) شیراز ۳۳۴۹۳۰۰ (۰۷۱۱) تبریز ۲۶۷۳۹۸۷-۲۶۷۳۹۸۷ (۰۴۱۱) خرم‌آباد ۳۳۳۹۸۳ (۰۶۶۱) آبادان ۳۳۳۰۱۱۱ (۰۶۳۱)

رشت ۶۶۶۹۵۵ (۰۱۳۱) کرمانشاه ۳۲۱۷۶۱۶ (۰۸۳۱) ساری ۳۲۱۱۸۳۰ (۰۱۵۱) اهواز ۲۲۵۹۳۳۴ (۰۶۱۱) کرمان ۲۲۲۳۳۳۷ (۰۳۴۱)

بشارتی بزرگ در تلخی‌ها

● محمدصابر جعفری

و دین از دنیا، هر کجا پا می‌گذارند با اعتراضات خودجوش مردمی و گوجه و سیب زمینی و تخم‌مرغ گندیده استقبال می‌شوند و پلیس ضد شورش می‌کوشد آرامش را بر اوضاع تحمیل کند و باز از لابلای سانسورها خبری، لنگه کفش‌ها چهره‌شان را لجن مال می‌کند.

چه قرینه‌ای بالاتر از این که مدعیان دروغین دموکراسی، هر روزه در سراسر جهان کرسی‌های بیشتری از دست می‌دهند و مجبورند یا انتخابات را باطل کنند و یا به شیوه‌های ناجوانمردانه‌ای مخدوش.

چه شهادی بالاتر از این که جهان، منعطف به خاورمیانه است و جهان و خاورمیانه، چه همراه و چه مخالف، گوش بر دهان و چشم بر لبان مترصد بیان چند نفر است. در میان مستضعفان و محرومان چه مسلمان و غیر مسلمان، محبوب‌ترین اشخاص و در میان سران کفر و الحاد و شرک، چه مسلمان و غیر مسلمان مبعوض‌ترین افراد، شخصیت‌های ذیل‌اند: رهبری با جلال و با عظمت که هر روز، جلوه خمینی‌گونه‌اش برای دوست و بیگانه فزون‌تر می‌گردد^(۱). مرجعی بزرگوار که در کنار جد مظلوم و غریبش، نه تنها از غربت عراق که از غربت اسلام سخن می‌گوید. (۲) و مجاهدی فرزانه که در میدان بیگانه، هر روزه دشمن را به شکست‌های جدید و می‌دارد. و جنگ ۳۳ روزه دلیل ماجراست. (۳)

فرمانده‌ای که در ساحت رسانه‌ها و مصاحبه‌ها و نامه‌ها و سخنان پی در پی، مواضع انقلاب را با صلابت دوران انقلاب و جنگ بیان می‌دارد. (۴) و جالب است تمام این جوانمردان بر همراهی و یاری و اقتدا به جوانمرد و فرزانه نخست، هم سخن‌اند. (۵)

چه شهادی بالاتر از این که مدعیان آزادی اندیشه و بیان، عجز خود را با سوزاندن و توهین و کاریکاتور و رمان ناسزا، فریاد می‌کنند و بازار زر و زور تزویرشان رو به کساد است.

چه شهادی بالاتر، وقتی اعتراف می‌کنند که فلسطین پس از سال‌ها یأس و دوری از حماسه و تلاش، با اقتدا به آن سید مجاهد فرزانه لبنان، حماسه آموخت و تفکر جهاد و حماس بر غزه و مناطق او حاکم شد. (۶)

چه شهادی بالاتر وقتی فریاد می‌کنند که مبارزان و مجاهدان نظیر همین سید با فضیلت لبنان و رهبر حزب خدایی حزب الله، قیام و مبارزه و استقامت خود را از ایران آموخت و مقتدای سنگر نشینان لبنان و دیگر مبارزان، پیرو امامی عارف و مجاهدی سترگ از جماران بود و مقتدای زمان شناس و فرزانه که چه بخواهند و چه نخواهند در غیبت ولی خدا سنگربان توحید است و فرمانده سپاه حق در مقابل باطل و چپاول‌گران و تمامی کفر؛

در میان خستگی‌ها و نامعلومی وضعیت آینده و نگرانی از حادثه و جنگ روبرو، در میان خستگی و تلاش کردن خندق؛ پیامبر ﷺ از جرقه برخورد ابزار آلات با سنگی، تکبیر گفت. از میان آن دوران مبهم و شاید تلخ، پیامبر ﷺ خبر شیرینی از فتح عالم به‌دست اسلام داد.

وقتی پیامبر ﷺ مجبور شد تلخی قرارداد صلح حدیبیه را تحمل کند و جام تلخ توافق را سرکشید و باز گشت از مکه را بدون برگزاری اعمال، به جان خرید و به یارانش اعلام کرد، همه ناراحت بودند. حادثه تلخ بود و غیر قابل تحمل. اما تلخی این صلح، مژده شیرینی فتح قریبی را در سال بعد داد و پیامبر در میان تلخی صلح و معاهده، از شیرینی پیروزی و فتح مکه خبر داد.

روزگار گذشت تا هنگامی که روز سخت و دلخراش و تلخ دهم محرم سال ۶۱، قرآن ناطق را بی‌رحمانه دریدند، تکه تکه کرده، زیر سم اسبان قرارداد، سر مبارک او و یارانش را بر نیزه‌ها شهر به شهر گرداندند، خیمه و حریمش را سوزانده و خاندانش را دست بسته، این وادی و آن وادی کشانیدند، کسی درک نمی‌کرد که قرآن بر فرازها خواهد بود و تا ابد نام حسین (علیه السلام) عزت آفرین عالم و آدم خواهد شد. نام حسین (علیه السلام) ماند و از قرآن سوزان و درندگان نامی جز نکبت و رسوایی نماند.

چند سال پیش وقتی نماینده متعصب صهیونیستی هلند، (۱) با عصبانیت تمام تلخی فیلم «فتنه» (۲) را به ذائقه‌ها چشانند و با دروغ و تحریف به اسلام و مسلمانان و قرآن و پیامبر اکرم توهین کرد (۳) برای اهل تأمل، همان فیلم و توهین تلخ، حامل شیرینی اعترافی بود که سازندگان کم‌خرد، اصلاً نتوانستند آن را مخفی دارند. آنها از آمار روز افزون مسلمانان در اروپا سخن‌ها گفتند (۴) و از خطر رشد اسلام در قلب عالم شرک و کفر و سکولار و لیبرال هشدارها دادند، فریاد زدند: جلوی اسلامی شدن را بگیرید؛ جلوی رشد اسلام را بگیرید (Stop Islamisation) و خود نفهمیدند با این ناله و فریاد چه اعتراف و چه خبر شیرینی از غلبه و پیشرفت اسلام و از شکست توطئه‌ها و ناکارآمدی فتنه‌گری‌های خود دادند.

چه شهادی بالاتر از این برای شکست که استعمار غرب و اردوگاه کفر، کارشان به جایی رسیده است که دوباره مانند دوران مغول و اسکندر، با لشکر کشی به عراق و افغانستان می‌خواهند به مطامع خود برسند و دیگر حتی اداهای روشنفکری و دموکراسی هم با سرنیزه و گلوله تحمیل می‌شود.

چه شهادی بالاتر از این که سردمداران خیمه الحاد و با حذف خدا



چه شهادی
بالاتر از این
که مدعیان
آزادی اندیشه
و بیان، عجز
خود را با
سوزاندن
و توهین و
کاریکاتور و
رمان ناسزا،
فریاد می‌کنند
و بازار
زر و زور
تزویرشان
رو به کساد
است.



رهبری آگاه و مقتدر و دلسوز با شجاعتی خمینی گونه.^(۱۱)

چه شاهی برتر وقتی به صراحت می گویند که ایران و جمهوری اسلامی او، پیروزی بزرگ مردم او بر بزرگترین ژاندارم‌شان در منطقه و شکست و هزیمت نوکر پهلوی^(۱۲) یا نوکر عقلی‌شان^(۱۳) با آن که همه جهان با همه امکانات یاری‌گیشان بودند، و لو آن یکی با فرار و این دیگری با قطعنامه و قرار؛ همه و همه از دو چیز مدد گرفته، از حسین بن علی (علیه السلام) و قیام و عدم تسلیم و عدم ذلت پذیری او و از حجت بن الحسن (علیه السلام) و مدد رسانی هر لحظه او و انتظار ظهور هر لحظه او.^(۱۴)

چه شاهی بهتر و بالاتر از این که آن سیاست‌گذار و تدبیرگر پیر آمریکا، به صراحت اعتراف می‌کند که ما زمانی گرفتار یک خمینی بودیم؛ اما امروز، اسیر تفکر خمینی و مکتب خمینیسیم هستیم.^(۱۵)

چه شاهی بالاتر از این که ۱۱ سپتامبر می‌آفریند و مسلمانان را تروریست می‌نامد و قرآن را عامل خشونت و ترور می‌خواند. پنداشته بودند اگر برج‌های رفیع کهنه دو قلبی را در میان تبلیغات، به نام مسلمانان ویران کنند، هیبت اسلام را فرو می‌ریزند که اسلام مرتفع‌تر شد و هیمنه پوسیده آنان ویران‌تر؛ قرآن پر فروش‌ترین کتاب و پس از آن واقعه، خواندن قرآن و آمار رویکرد به اسلام فراوان‌تر شد.

چه شاهی روشن‌تر وقتی با سر و صدا و بی‌شرمانه کتاب خدا را به آتش می‌کشند، به‌ظاهر بی‌سر و صدا و در واقع با فریاد بلند و رسا بشارت شکست و هزیمت بزرگی، به بزرگی توهین به قرآن را اعلان می‌دارند.

اسلام دارد جهان را می‌گیرد، هر روزه آمار تازه مسلمانان بیشتر می‌گردد: «وَرَأَيْتُ النَّاسَ يَدْخُلُونَ فِي دِينِ اللَّهِ أَفْوَاجًا» و مردم را ببینی که فوج فوج به دین خدا در می‌آیند.^(۱۶)

مگر می‌توان مخفی کرد بحران اقتصادی جهان را؟ مگر می‌توان مخفی کرد اعتراف اندیشمندان بزرگ جهانی بر شکست نظام لیبرال دموکراسی مدعی مردم و آزادی را؟ مگر می‌توان نادیده گرفت و ناشنیده گرفت آمار قتل‌ها و جنایات و خودکشی‌ها را دارند؟ نمی‌گوییم این‌ها بشارت‌گر ظهور است و ظلم مقدمه و شرط ظهور. نه این‌ها نشانه‌های شکستن مدعیان دولت و سیاست جهان است و همان‌طور که سوسیالیسم با پیشگویی خمینی کبیر در موزه‌ها و زباله‌دان تاریخ مأوا گرفت، اکنون نیز صدای شکستن استخوان‌های پوسیده لیبرال دموکراسی نیز عالمگیر شده است.

این‌ها گوشه‌ای از قرائن سخن فرزانه آن مقتدای است که بی‌نام او، نه نام انقلاب است و نه نام خمینی بزرگ، او فرمود: «حادثه اهانت به قرآن و پیامبر عظیم‌الشان با همه تلخی در دل خود حامل بشارتی بزرگ است. خورشید پر فروغ قرآن روز به روز بلندتر و درخشان‌تر خواهد شد».^(۱۷)

۱. گرت ویلدرز، رهبر حزب «برای آزادی» و نماینده پارلمان هلند.

۲. FITNA.

۳. ویلدرز در اوائل فروردین سال ۱۳۸۷، پس از جنجال رسانه‌ای فراوان، فیلمی ضد اسلامی را با نام فتنه (Fitna) منتشر ساخت. این فیلم پانزده دقیقه‌ای درباره قرآن و مسلمانان ساخته شده است و اسلام را خشونت طلب و دشمن آزادی و مسلمانان را تروریست معرفی می‌کند و در واقع قرآن را منشأ حملات تروریستی و دیگر خشونت‌ها می‌داند. فیلم فتنه واکنش‌های بسیاری را از طرف مسلمانان و حتی سیاست‌مداران غیر مسلمان در پی داشت. پس از اینکه بسیاری از سایت‌ها و شبکه‌های تلویزیونی هلند از پخش آن امتناع کردند، سرانجام روی وب‌سایت ویدئویی لایولیک به دو زبان انگلیسی و هلندی منتشر شد. این فیلم در ابتدا پیامبر اسلام را (به‌صورت همان کاریکاتور جنجالی دانمارکی) که بمبی ساعتی بالای سرش در حال انفجار است، نمایش می‌دهد. فیلم در کنار اهانت به پیامبر (علیه السلام) تلاش کرده مخاطب را مجاب کند که: قرآن یهودی‌ستیزی و حمله‌های تروریستی و کشتن و سربریدن و سوزاندن غیر مسلمان‌ها را ترویج می‌دهد و دین اسلام بدین وسیله می‌خواهد با کشتن طرفداران سایر ادیان بر دنیا غلبه یابد. NGO اسلام و مسیحیت.

۴. به عنوان نمونه، سازندگان فیلم فتنه، به صراحت اعتراف می‌کنند که در سال ۱۹۰۹ تنها ۵۴ مسلمان در هلند زندگی می‌کرد و در سال ۱۹۶۰ این عدد به ۱۳۹۹ مسلمان رسید، اما در جهش ناگهانی در سال ۱۹۹۰ این تعداد به ۴۵۸۰۰ مسلمان رسید و در سال ۲۰۰۴ به ۹۴۴۰۰۰ مسلمان رسیده و اکنون نزدیک به یک میلیون از جمعیت شانزده و نیم میلیون نفری هلند مسلمانند. این رقم در سال ۲۰۰۷ در کل اروپا ۵۴ میلیون نفر مسلمان است، رقمی که در کل تاریخ اروپا بی‌سابقه بوده است.

۵. مقام معظم رهبری، حضرت آیت‌الله العظمی خامنه‌ای دامت برکاته.

۶. حضرت آیت‌الله العظمی سیستانی دامت برکاته.

۷. حجت الاسلام والمسلمین سید حسن نصرالله زیدعه.

۸. دکتر محمود احمدی نژاد ریاست محترم جمهور.

۹. نظیر سفارش موکد آیت‌الله العظمی سیستانی به آیت‌الله هاشمی رفسنجانی و آقای سید علی خمینی بر اطاعت از رهبری و تصریح بر دعای پیوسته برای ایشان، بوسه جناب آقای سید حسن نصرالله بر دستان مقام عظمای ولایت و مرجعیت.

۱۰. اعتراضات رامسفد وزیر دفاع آمریکا در زمان ریاست جمهوری بوش و فرمانده جنایتکار و ننگین جنگ افغانستان و لبنان.

۱۱. همان.

۱۲. خاندان طاغوتی پهلوی.

۱۳. صدام عقلی.

۱۴. همان و کنفرانس تل آویو (دانشکده شیله‌ه سال).

۱۵. هنری کسینجر.

۱۶. سوره نصر/۲.

۱۷. پیام مقام معظم رهبری به مناسبت توهین به قرآن کریم.





دخترم!

L سرگرمی به علوم حتی عرفان و توحید اگر برای انباشتن اصطلاحات است که هست و برای خود این علوم است، سالک را به مقصد نزدیک نمی‌کند که دور می‌کند «العلم هو الحجاب الاکبر»؛ و اگر حق جویی و عشق به او انگیزه است که بسیار نادر است، چراغ راه است و نور هدایت «الْعِلْمُ نُورٌ يَقْدِفُهُ اللَّهُ فِي قَلْبٍ مَنْ يَشَاءُ»^(۱) و برای رسیدن به گوشه‌ای از آن تهذیب و تطهیر و تزکیه لازم است، تهذیب نفس و تطهیر قلب از غیر او، چه رسد به تهذیب از اخلاق ذمیمه که رهیدن از آن بسیار مجاهده می‌خواهد و چه رسد به تهذیب عمل از آنچه خلاف رضای او جَل و عَلا است، و مواظبت به اعمال صالحه از قبیل واجبات که در رأس است و مستحبات به قدر میسر و به قدری که انسان را به عجب و خودخواهی دچار نکند. دخترم! عجب و خودپسندی از غایت جهل به حقارت خود و عظمت خالق است. اگر اندکی به عظمت خلقت به اندازه‌ای که تاکنون بشر با همه پیشرفت علم به شمه‌ای از آن آگاه شده است تفکر شود، حقارت خود و همه منظمه‌های شمسی و کهکشان‌ها را ادراک می‌کند و عظمت خالق آنها را اندکی می‌فهمد و از عجب و خودبینی و خودپسندی خود اظهار خجلت و احساس چهاالت می‌نماید.

دخترم! پیمبران مبعوث شدند تا رشد معنوی به بشر دهند و آنان را از حجاب‌ها برهانند، افسوس که شیطان قسم خورده به دست اذنان خود نگذاشت آنچه آنان می‌خواهند تحقق یابد. در قرآن کریم، این سرچشمه فیض الهی تدبّر کن، هر چند صرف خواندن آن - که نامه محبوب است - به شنونده محبوب آثاری دلپذیر دارد، لکن تدبّر در آن، انسان را به مقامات بالاتر و والاتر هدایت می‌کند «أَفَلَا يَتَذَكَّرُونَ الْقُرْآنَ أَمْ عَلَى قُلُوبٍ أَقْفَالُهَا»^(۲). و تا این قفل و بندها باز نگردد و به هم نریزد، از تدبّر هم آنچه نتیجه است حاصل نگردد.

تو نیز مأیوس نباش، که یأس از اقبال بزرگ است، به قدر میسر در رفع حجب و شکستن اقبال برای رسیدن به آب زلال و سرچشمه نور کوشش کن. تا جوانی در دست تو است کوشش کن در عمل و در تهذیب قلب و در شکستن اقبال و رفع حجب، که هزاران جوان که به افق ملکوت نزدیک‌ترند موفق می‌شوند و یک پیر موفق نمی‌شود.

دخترم! دنیا و هر چه در آن است جهنم است که باطنش در آخر سیر، ظاهر شود و ماورای دنیا تا آخر مراتب بهشت است که در آخر سیر پس از خروج از خدر طبیعت ظاهر شود و ما و شما و همه، یا حرکت به سوی قعر جهنم می‌کنیم یا به سوی بهشت و ملاّ اعلا.

غرورها و امیدهای کاذب شیطانی را کنار گذار و کوشش در عمل و تهذیب و تربیت خود کن که رحیل بسیار نزدیک است و هر روز که بگذرد و غافل باشی دیر است.

دخترم! در رفع حجب کوش نه در جمع کتب. نمی‌گوییم از علم و عرفان و فلسفه بگریز و با جهل، عمر بگذران، که این انحراف است؛ می‌گوییم کوشش و مجاهده کن که انگیزه، الهی و برای دوست باشد و اگر عرضه کنی، برای خدا و تربیت بندگان او باشد، نه برای ریا و خودنمایی که خدای نخواستہ جزء علمای سوء شوی که بوی تعفنشان اهل جهنم را بیازارد.^(۳)

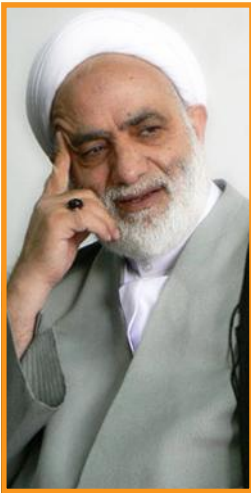
از [زبان، این] دشمن بزرگ انسانیت و معنویت غافل مشو، گاهی که در جلسات انس با دوستان هستی خطاهای بزرگ این عضو کوچک را آن قدر که می‌توانی شمارش کن و ببین با یک ساعت عمر تو که باید صرف جلب رضای دوست شود چه می‌کند و چه مصیبت‌ها به بار می‌آورد که یکی از آنها غیبت برادران و خواهران است، ببین با آبروی چه اشخاصی بازی می‌کنی و چه اسراری را از مسلمانان روی دایره می‌ریزی و چه حیثیاتی را خدشه‌دار می‌کنی و چه شخصیت‌هایی را می‌شکنی؟ آن گاه این جلسه شیطانی را مقیاس بگیر و ملاحظه کن در یک سال در همین امر پیش پا افتاده چه کردی و در پنجاه شصت سال دیگر چه خواهی کرد و چه مصیبت‌ها برای خود به بار خواهی آورد و در عین حال آن را کوچک می‌شماری و این کوچک شمردن از حیل‌های ابلیس است که خداوند به لطف خود، ما را همگی از آن مصون دارد.^(۴)

۱. المحجّه البیضاء، ج ۵، ص ۴۵: علم نوری است که خدا در دل هر که بخواهد می‌افکند.

۲. سوره محمد/۲۴، آیا در قرآن اندیشه و تدبیر نمی‌کنند یا بر دل‌هایشان قفل‌ها (زده شده) است.

۳. اشاره است به روایتی از رسول خدا که در آن آمده است: «و ان اهل النار لیتأذون بریح العالم التارک لعلمه...» الخصال صدوق، ج ۱، ص ۵۱.

۴. لحظاتی با امام، ص ۲۶-۳۲. بخش‌هایی از نامه حضرت امام خمینی رتبه خطاب به خانم فاطمه طباطبایی.



غدير در قرآن

• حجت الاسلام والمسلمین محسن قرائتی

«حُرِّمَتْ عَلَيْكُمُ الْمَيْتَةُ وَالْدَّمُ وَلَحْمُ الْخَنزِيرِ وَمَا أُهْلَ لِغَيْرِ اللَّهِ بِهِ وَالْمُنْخَنِقَةُ وَالْمَوْقُوذَةُ وَالْمُتَرَدِّيَةُ وَالنَّطِيحَةُ وَمَا أَكَلَ السَّبْعُ إِلَّا مَا ذَكَّيْتُمْ وَمَا ذُبِحَ عَلَى النُّصُبِ وَأَنْ تَسْتَقْسِمُوا بِالْأَزْلَامِ ذَلِكُمْ فِسْقٌ الْيَوْمَ يَمُوتُ الَّذِينَ كَفَرُوا مِنْ دِينِكُمْ فَلَا تَحْشَوْهُمْ وَاخْشَوْنِ الْيَوْمَ أَكْمَلْتُ لَكُمْ دِينَكُمْ وَأَتِمَمْتُ عَلَيْكُمْ نِعْمَتِي وَرَضِيتُ لَكُمُ الْإِسْلَامَ دِينًا فَمَنِ اضْطُرَّ فِي مَخْمَصَةٍ غَيْرِ مُتَجَانِفٍ لِإِثْمٍ فَإِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَحِيمٌ»^(۱)

بر شما حرام شده است، (خوردن گوشت) مردار، خون، گوشت خوک و حیوانی که به نام غیر خدا ذبح شود، و حیوانی (حلال گوشت) که بر اثر خفه شدن، یا کتک خوردن، یا پرت شدن، یا شاخ خوردن بمیرد، و نیم خورده درندگان، مگر آن که (قبل از کشته شدن به دست درنده) به طور شرعی ذبح کرده باشید. همچنین حرام است حیوانی که برای بت‌ها ذبح شده یا به وسیله چوبه‌های قمار تقسیم می‌کنید. همه اینها نافرمانی خداست. امروز، (روز هجده ذی‌الحجه سال دهم هجری که حضرت علی علیه السلام به جانشینی پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله منصوب شد) کافران از (زوال) دین شما مأیوس شدند. پس، از آنان بترسید و از من بترسید. امروز دینتان را برای شما کامل کردم، و نعمت خود را بر شما تمام نمودم، و اسلام را به عنوان «دین» برایتان برگزیدم. پس هر که در گرسنگی گرفتار شود، بی آن که میل به گناه داشته باشد، (می‌تواند از خوردنی‌های تحریم شده بهره ببرد) همانا خداوند، بخشنده و مهربان است.

دو مطلب جدای از یکدیگر در این آیه بیان شده است، یک مطلب مربوط به تحریم گوشت‌های حرام، مگر در موارد اضطرار می‌باشد و مطلب دیگر درباره کامل شدن دین و یأس کفار است و این قسمت کاملاً مستقل می‌باشد، به چند دلیل:

- (الف) یأس و ناامیدی کفار از دین، به خوردن گوشت مردار یا نخوردن آن ارتباطی ندارد.
 - (ب) روایاتی که از شیعه و سنی در شأن نزول آیه آمده، در مقام بیان جمله «الיום ییس الذین کفروا» و «الיום اکملت لکم دینکم» است، نه مربوط به جملات قبل و بعد آن، که درباره احکام مردار است.
 - (ج) طبق روایات شیعه و سنی، این قسمت از آیه: «الיום اکملت...» پس از نصب علی بن ابی طالب علیه السلام به امامت در غدیر خم نازل شده است.
 - (د) بدون در نظر گرفتن دلائل نقلی، تحلیل عقلی نیز مطالب بالا را تأیید می‌کند، چون چهار ویژگی مهم برای آن روز بیان شده است: ۱. روز یأس کافران ۲. روز کامل شدن دین ۳. روز اتمام نعمت الهی بر مردم صلی الله علیه و آله روزی که اسلام به عنوان «دین» و یک مذهب کامل، مورد پسند خدا قرار گرفته است.
- حال اگر وقایع روزهای تاریخ اسلام را بررسی کنیم، هیچ روز مهمی مانند بعثت، هجرت، فتح مکه، پیروزی در جنگ‌ها و ... با همه ارزش‌هایی که داشته‌اند، شامل این چهار صفت مهم مطرح شده در این آیه نیستند. حتی حجة‌الوداع هم به این اهمیت نیست، چون حج، جزئی از دین است نه همه دین.



طبق روایات شیعه و سنی، این قسمت از آیه: «الיום اکملت...» پس از نصب علی بن ابی طالب علیه السلام به امامت در غدیر خم نازل شده است.



اما بعثت اولین روز شروع رسالت پیامبر اکرم ﷺ است که هرگز نمی‌توان گفت به خانه پیامبر است نه روز یأس آنان.

اما روزهای پیروزی در جنگ بدر و خندق و ... تنها کفاری که در صحنه نبرد بودند مایوس می‌شدند، نه تمام کفار، در حالی که قرآن می‌فرماید: «اليوم ينس الذین کفروا...» همه کفار مایوس شدند.

اما حجة الوداع که مردم آداب حج را در محضر پیامبر ﷺ آموختند، تنها حج با آموزش پیامبر کامل شد، نه همه دین، در حالی که قرآن می‌فرماید: «اليوم اکملت لکم دینکم».

اما غدیر خم روزی است که خداوند فرمان نصب حضرت علی (علیه السلام) را به جانشینی پیامبر ﷺ صادر کرد، تنها آن روز است که چهار عنوان ذکر شده در آیه «اکملت، اقممت، رضیت، ينس الذین کفروا» با آن منطبق است.

اما یأس کفار، به خاطر آن بود که وقتی تهمت و جنگ و سوء قصد به جان پیامبر، نافرجام ماند، تنها امید آنها مرگ پیامبر ﷺ بود. نصب علی بن ابی طالب (علیه السلام) به همه فهماند که با مرگ او دین او محو نمی‌شود، زیرا شخصی چون علی بن ابی طالب (علیه السلام) جانشین پیامبر ﷺ و رهبر امت اسلام خواهد بود. این جا بود که همه کفار مایوس شدند. اما کمال دین به سبب آن است که اگر مقررات و قوانین کامل وضع شود، ولی برای امت و جامعه، رهبری معصوم و کامل تعیین نشود، مقررات ناقص می‌ماند.

اما اتمام نعمت به خاطر آن است که قرآن بزرگ‌ترین نعمت را نعمت رهبری و هدایت معرفی کرده است، اگر پیامبر اکرم ﷺ از دنیا برود و مردم را بی‌سرپرست بگذارد، کاری کرده که یک چوپان نسبت به گله نمی‌کند. چگونه بدون تعیین رهبری الهی نعمت تمام شود.

اما رضایت خداوند، برای آن است که هرگاه قانون کامل و مجری عادل بهم‌گردد بخورد رضایت پروردگار حاصل می‌شود.

اگر هر یک از اكمال دین، اتمام نعمت، رضایت حق و یأس کفار به تنهایی در روزی اتفاق افتد، کافی است که آن روز «ایام الله» باشد. تا چه رسد به روزی مثل غدیر که همه این ویژگی‌ها را

یک جا دارد. به همین دلیل در روایات اهل بیت (علیهم السلام) عید غدیر از بزرگ‌ترین اعیاد به شمار آمده است.

آثار اشیاء، گاهی مترتب بر جمع بودن همه اجزای آن است، مثل روزه که اگر

یک لحظه هم پیش از اذان افطار کنیم، باطل می‌شود، از این جهت کلمه «تمام» به کار رفته است:

«اقوا الصیام الی اللیل» و گاهی به گونه‌ای است که هر جزء اثر خود را دارد مثل تلاوت آیات قرآن که کمالش در

تلاوت همه آن است و هر قدر هم خوانده شود، ثواب دارد. گاهی بعضی اجزا به گونه‌ای است که اگر نباشد، یک مجموعه ناقص

است، هر چند همه اجزای دیگر هم باشد، مثل خلبان و راننده که هواپیما و ماشین بدون آنها بی‌ثمر و بی‌فایده است.

رهبری و ولایت حق نیز چنین است، چون انسان را با خدا گره می‌زند و بدون آن، آفریده‌ها و نعمت‌ها به نعمت تبدیل می‌شود و انسان را به خدا نمی‌رساند.

در آیه ۱۰۹ سوره بقره، تمایل کفار نسبت به انحراف مسلمانان از راه خودشان مطرح شده

است. خداوند فرمان داد: شما اغماض کنید تا امر الهی برسد. پس مسلمانان منتظر حکم

قاطعی بودند که کفار را مایوس سازد، تا این که آیه «اليوم اکملت...» نازل شد.

۱. سوره مائده/۳



↓
غدیر خم
روزی است
که خداوند
فرمان نصب
حضرت
علی را به
جانشینی
پیامبر ﷺ
صادر کرد،
تنها آن روز
است که
چهار عنوان
ذکر شده در
آیه «اکملت،
اقممت،
رضیت، ينس
الذین کفروا»
با آن منطبق
است.



تا خط پایان



در فرهنگ
قرآن اصولاً
سرعت، حد
خاصی ندارد
و این طور
نیست که اگر
سرعت شما
در اتوبان
الهی، از صد
کیلومتر
بیشتر شود،
شما را جریمه
کنند.



ل خداوند متعال، در مواردی گوناگون در قرآن نه تنها خود را، بلکه اولیای خویش را نور معرفی کرده است. از نور بودن آنها، نکاتی استفاده می‌شود. یکی این که اگر نور نباشد این عالم، تاریک است و ما در تاریکی حرکت می‌کنیم. در تاریکی اتفاقات بسیار خطرناکی ممکن است بیفتد، مثلاً شما وقتی با اتومبیل در حال حرکت هستید و جلوی‌تان هم تاریک باشد و در همین حال چراغ ماشین از کار افتاده باشد، حداقل اتفاقی که می‌افتد این است که دیگر شما سرعت نخواهید داشت و مجبورید به آرامی حرکت کنید.

از طرفی قرآن دستور می‌دهد که «سارعوا»^(۱) یعنی سرعت‌تان را بالا ببرید. و نیز می‌فرماید: «سابقوا»^(۲) یعنی از دیگران سبقت بگیرید. در فرهنگ قرآن اصولاً سرعت، حد خاصی ندارد و این طور نیست که اگر سرعت شما در اتوبان الهی، از صد کیلومتر بیشتر شود، شما را جریمه کنند. خدا می‌فرماید: هر چه می‌توانید سرعت را بالا ببرید، هم سرعت مجاز است و هم سبقت.

امیرالمؤمنین (علیه السلام) در اواخر دعای کمیل به خداوند می‌گوید: در این دنیا ما را در میدان‌های مسابقه قرار دادی «فی میادین السابقین». حالا که این طور است، کاری کن تا «و اسرع الیک فی البارزین» سرعت من از هم‌مبارزهای خودم بالا برود و از همه جلو بزنم تا زودتر به خط پایان برسم.

امام علی (علیه السلام) در لحظه شهادتش فرمود: «فُزْتُ وَ رَبِّ الْکَعْبَةِ»^(۳)، فزت یعنی «رستگار شدم» اما عرب‌ها در مسابقه‌ها به شخص برنده می‌گویند: فائز. «رستگار شده» معنای فارسی آن چندان دقیق نیست، اما معنی دقیق عربی‌اش همان «برنده شدن» است. بچه‌ها وقتی بازی می‌کنند می‌گویند: ما بردیم، ما برنده شدیم. وقتی عبارت‌های «سابقون» و «سارعون»، و «فی میادین السابقین» را مثل یک پازل در کنار هم بچینید «فزت» خیلی زیبا معنا می‌شود.

امام علی (علیه السلام) می‌فرماید: من بردم و برنده شدم، یعنی این که دنیا، میدان مسابقه است. اگر کسی در وسط مسابقه دو، بگوید آقا من تشنه هستم، یک لیوان چای بدهید تا بنوشم، می‌گویند: وسط میدان جای چای خوردن نیست؛ شما بدوید، وقتی به خط پایان رسیدی، همه چیز به شما می‌دهند، چای، نوشابه، آب‌میوه، کباب و... اما فعلاً باید حرکت کنی و بدوی. بعضی‌ها خوب می‌دوند و تا نزدیکی‌های خط پایان هم جلو هستند، اما یک دفعه نگاهی به افراد پشت سر خود می‌اندازند و با خود می‌گویند: ای بابا! آنها چه قدر عقب هستند، خوب است کمی بنشینیم و یک نفسی چاق کنیم. اما در یک چشم به هم زدن می‌بینند که باخته‌اند و دیگران جلو افتاده‌اند.

خیلی‌ها در زمان جنگ جلو بودند، یا در زمان اسارت جلو بودند، در زمان مبارزه با رژیم شاه جلو بودند، ولی بعد عقب افتادند. آن‌هم بدجوری عقب افتادند؛ یادشان رفت که باید تا خط پایان و تا فزت بدوند.

چه موقع فرد می‌تواند بگوید فُزْتُ، وقتی که به خط پایان برسد. قرآن می‌فرماید: «وَاعْبُدْ رَبَّكَ حَتَّى يَأْتِيَكَ الْيَقِينُ»^(۴) یعنی عبادت و کار نیک کنبد تا به یقین برسی. یقین کی حاصل می‌شود؟ وقتی که به خط پایان رسیدید. وقتی که امتحان ثلث سوم را خوب دادید و ترم آخر قبول شدید و الا ترم اول و دوم و سوم خیلی‌ها قبول می‌شوند. اما ترم آخر است که بعضی‌ها قبول نمی‌شوند.

لازمه این برنده شدن، داشتن سرعت و آن هم نیازمند فراهم بودن نور است، تا انسان جلوی‌ش را خوب ببیند. حافظ می‌گوید:

زاهد ظاهرپرست از حال ما آگاه نیست
در حق ما هر چه گوید جای هیچ اکراه نیست
در طریقت هر چه پیش سالک آید خیر اوست
در صراط مستقیم ای دل کسی گمراه نیست

ما در زندگی دو گونه اتفاق داریم: یکی اتفاقات خیر، یکی هم



باید دوید

• گفتاری از حجت‌الاسلام والمسلمین ناصر نقویان

اتفاقات شر.

با ماشین داشتم رانندگی می‌کردم، پشت چراغ قرمز ایستادم. دیدم یک نفر از پشت به ماشینم زد تا آمدم به خود بجنبم یکی دیگر هم آمد و زد. معلوم شد از این تازه راننده‌هاست، حواسش نبوده که ماشین توی دنده بوده، پایش را از پدال کلاچ برداشته و به ماشین ما برخورد کرد. گفتم: چه کار کردی پسر جان؟ این ماشین ما درب و داغون است. اگر یکی از آن ماشین‌های مدل بالا و گران قیمت بود الان باید چند میلیون تومان خسارت می‌دادی و بیچاره می‌شدی، حواست کجاست؟

خیلی از اتفاق‌ها، انسان را بیچاره می‌کند. هر اتفاقی خوش نیست، اما بعضی از اتفاق‌ها خیر است. حافظ می‌گوید شرط، این است که هر اتفاقی افتاد، خیر باشد. البته خیر، گاهی در ظاهر، تلخ ولی سرانجامش شیرین است. بنده زمانی برای عزیزان لبنانی درباره فرمول رشد صحبت می‌کردم، گفتم: درخت کی بالا می‌رود؟ وقتی بذرش زیر خاک برود. برای رشد درخت، کود لازم است، کود متعفن. این اسرائیل جنایت‌کار، کود رشد شما شده است. ما می‌ترسیم از این که فلان ماهواره و سایت، شبهاتی راجع به دین وارد کرده است، اما اگر ما مربی خوبی باشیم از تمام شبهات استقبال می‌کنیم. استاد مطهری چطور «مطهری» شد؟ وقتی این شبهات می‌آمد، ایشان به عنوان کود از آنها استفاده می‌کرد. البته به شرط این که این کودها را به زیر درخت بریزید، نه روی میوه که در این صورت میوه هم آلوده و هم کثیف می‌شود. فرعون کود بود. ولی برای رشد آسیه - همسر فرعون - خیلی خوب شد.

حافظ می‌گوید دو شرط باید باشد تا اتفاقی که می‌افتد خیر باشد. یکی این که در مسیر راه باشید «طریقت»، مثلاً شما از تهران حرکت کردید می‌خواهید برای زیارت حضرت ثامن‌الائمه (علیه السلام) به مشهد بروید. حالا اگر اشتباه جاده تهران - اردبیل را طی کنید

حتی اگر ماشین شما هم خیلی خوب و زیبا باشد و در راه هم پنجر نشود، هر چه قدر با سرعت بیشتر برانید از مقصد دورتر می‌شوید.

شرط دومش می‌گوید: «در طریقت هر چه پیش سالک آید»، سالک یعنی کسی که در حرکت است. حال اگر شما در جاده مشهد بایستید و تکان نخورید، دیگر سلوک ندارید. تازه ممکن است با ماشینی هم تصادف کنی و آوار روی سرت بریزد. اگر این دو شرط حاصل بود، دیگر هر چه پیش آید خیر است.

دکتر مریض را از بعضی غذاها منع می‌کند و می‌گوید: این شیرینی را، این ترشی و خربزه را نخور. اما معش در حقیقت اعطا است. او با این منع، سلامتی را اعطا می‌کند. تلخش هم شیرین است. اما اگر در مسیر نبودی یا در مسیر بودی اما حرکت نداشتی، شیرینش هم تلخ است.

وقتی که نور قرآن و اهل بیت (علیهم السلام) هست اولین اتفاقی که می‌افتد آدم جلوی پایش را می‌بیند و می‌تواند سرعت بگیرد و مقصد را بشناسد و الا سرعت پایین می‌آید. زمانی می‌گفتند: هر کس دیلم نداشته باشد بی‌سواد است، لیسانس و دکترا نداشته باشد و اینترنت بلد نباشد بی‌سواد است. اما حالا می‌گویند: انسان از اطلاعات سرریز شده است؛ اگر نتواند از اطلاعات استفاده کند بی‌سواد است. ما اگر در این دنیای پر از اطلاعات عقب بمانیم و سرعت نگیریم، باخته‌ایم.

۱. سوره آل عمران/ ۱۳۳.

۲. سوره حدید/ ۲۱.

۳. یحار الانوار، ج ۴۲، ص ۲۳۹.

۴. سوره حجر/ ۹۹.



وقتی که

نور قرآن و

اهل بیت (علیهم السلام)

هست اولین

اتفاقی که

می‌افتد آدم

جلوی پایش

را می‌بیند

و می‌تواند

سرعت بگیرد

و مقصد را

بشناسد





اشک‌های امام جواد علیه السلام

● مجتبی کلباسی *



زمانی که
دعبل خزاعی
قصیده
معروف خود
را در خدمت
حضرت
خواند و به
بیتی رسید
که در آن از
امام عصر
یاد شده بود
امام رضا
به شدت
گریستند.



می‌افتند و فقط کسانی که تسلیم امر پروردگارند نجات می‌یابند.^(۱)

■ چرا امام جواد با یاد امام عصر گریستند؟

لازم به ذکر است که گریه یا از سر شوق است و یا به خاطر حزن و اندوه، با توجه به نشانه‌هایی که در این حدیث شریف به چشم می‌خورد، گریه امام جواد گویا به جهت سختی‌ها و مرارت‌های عصر غیبت است و تحملی که فرزند آن حضرت در برابر این شرایط سخت بایستی از خود نشان دهد.

این نخستین بار نبود که یک امام معصوم با یاد امام عصر گریستند، پیش از آن حضرت نیز پدر بزرگوارشان امام رضا زمانی که دعبل خزاعی قصیده معروف خود را در خدمت حضرت خواند و به بیتی رسید که در آن از امام عصر یاد شده بود امام رضا به شدت گریستند.

خروج امام لامحالة خارج

يقوم علي اسم الله و البركات

يَهَيؤُ فينا كل حق و باطل

و يجزي علي النعماء و البركات

خروج (قیام) امامی که بدون شک قیام خواهد کرد؛ قیام او با اسم خدا و برکات خواهد بود.

درباره ما همه حق و باطل از هم جدا خواهد شد؛ و بر پایه نعمت‌ها و برکات، خداوند پاداش خواهد داد.

از امام جواد همانند دیگر امامان معصوم درباره مهدویت سخنان متعددی نقل شده است. شیخ صدوق در کتاب شریف کمال الدین سه روایت را از آن امام همام آورده است. از جمله این روایات، روایتی است که ابی دلف از آن حضرت نقل کرده است. او می‌گوید: امام جواد پس از معرفی دو امام پس از خود، سپس سکوت کردند. من به حضرت عرض کردم: امام پس از حسن (امام عسکری) کیست؟ در این هنگام حضرت بسیار گریستند. پس از آن که حضرت آرام گرفتند، فرمودند: امام پس از حسن فرزند اوست که قائم به حق منتظر است.

پرسیدم: چرا آن حضرت را قائم نامیده‌اند، فرمودند: چون او پس از آن که یادش از بین می‌رود و بسیاری از کسانی که به امامت آن حضرت معتقد بودند دچار تردید می‌شوند. از حضرت سؤال کردم؛ چرا آن امام را منتظر می‌نامند؟ فرمودند: چون آن حضرت غیبتی دارد که بسیار طولانی و پایان آن دور است، در آن دوران، مخلصان در انتظار ظهور او هستند و اهل شک و تردید (ضعیف‌الایمان) منکر اویند. همچنین منکران آن حضرت با یاد شدن حضرت به تمسخر و استهزا می‌پردازند و تعیین کنندگان وقت ظهور به دروغ گویی درباره آن حضرت روی می‌آورند و کسانی که در ظهور آن حضرت تعجیل می‌کنند و خیلی‌ها - که خواهان فرا رسیدن موعد آن هستند - به هلاکت



که در طوفان حوادث عصر غیبت توانسته‌اند خلوص خود را حفظ نمایند انتظار داشته‌اند.

۲. مدعیان و تعیین کنندگان وقت برای ظهور

از جمله آسیب‌هایی که امام جواد (ع) برای عصر غیبت گوشزد می‌فرمایند: «وَقَاتُونَ» هستند. این دسته با پیروی از دانش ناقص و اندک خود و برخی اوهام و یا فریبکاری و دغل و استفاده از فرصت‌ها به تعیین زمان برای ظهور می‌پردازند. این گروه از جمله تخریب کنندگان آرمان غیبت و انتظار هستند؛ چرا که با این کار خود، عقاید مردم را سست و با آشکار شدن دروغ آنها، اعتماد مردم را نسبت به باورهای اصیل و ریشه‌دار دینی خدشه‌دار می‌سازند. بنابراین وظیفه مخلصان منتظر در عصر غیبت، مقابله با این افکار و افراد است.

۳. تعجیل کنندگان در ظهور

دعا برای فرج حضرت و درخواست تعجیل آن از درگاه خداوند کاری شایسته و مطلوب است، ولی اگر این قضیه هدایت نشود ممکن است بستری برای رشد مدعیان دروغین فراهم آورد. در تاریخ بارها چنین زمینه‌ای فراهم شده و افراد و گروه‌هایی از آن سوء استفاده کرده و کار خود را به پیش برده‌اند. برای نمونه می‌توان به حکومت‌هایی در تاریخ اشاره کرد که به نام «مهدویت» تأسیس شده است. حکومت موحدان در اندلس و ... نمونه‌ای از این آسیب‌ها می‌باشد. بنابراین دعا برای تعجیل فرج، امری مطلوب است، ولی تبدیل جامعه به جامعه‌ای مستعجل در این زمینه، کاری بسیار پراسیب و خطرناک است. از این رو امام جواد (ع) منتظران را به تسلیم بودن در برابر پروردگار فرا می‌خواند و از این که پیش از موعد خواستار عملی شدن وعده الهی باشند برحذر می‌دارند.

■ نامگذاری قائم (ع)

از این گفتار امام بر می‌آید که وصف قائم از گذشته‌های دور برای امام عصر (ع) مطرح بوده است. امام جواد (ع) دلیل این نامگذاری را این چنین بیان می‌فرمایند که به دلیل فراموش شدن آن حضرت در اذهان و در کمال ناباوری مردم جهان، به ویژه کسانی که علی القاعده باید منتظر حضرت بوده و با شخصیت و اهداف آن حضرت آشنا باشند، حضرت مهدی (ع) ظهور می‌نمایند. آری هم اکنون حدود ۱/۵ میلیارد مسلمان در جهان وجود دارد، ولی به راستی چند درصد آنان با حضرت آشنا هستند؟ البته این شرایط منافاتی با این که عده‌ای معرفت به حضرت داشته و برای ظهور او خود را آماده کرده باشند ندارد. در این جا نقش کسانی که در دوران سخت غیبت و زمانه فراموش شدن یاد و نام وارث همه انبیا و اولیا، سعی در مطرح ساختن نام و یاد حضرت می‌کنند بیشتر آشکار می‌شود.

■ سختی‌های عصر غیبت

در کلام امام جواد (ع) سختی‌ها و تنگناهایی برای عصر غیبت بیان شده است، این مشکلات عبارتند از:

۱. طولانی شدن عصر غیبت

یکی از عواملی که زمینه ساز تردیدها و انکارها نسبت به حقایق است، طولانی شدن زمان بروز و ظهور آن است. در قرآن مجید حداقل شش بار این جمله تکرار شده است: «وَيَقُولُونَ مَتَى هَذَا الْوَعْدُ إِنْ كُنْتُمْ صَادِقِينَ»^(۱) و می‌گویند: زمان این وعده (قیامت یا عذاب) کی فرا می‌رسد؟

بسیاری از انسان‌ها به دلیل محدودیت عمر و نگاه خود چنین انتظار دارند که همه حوادث در زمان محدود عمر آنان اتفاق بیفتد که صد البته چنین چیزی ممکن نیست و هر واقعه‌ای زمان و شرایط خاص خود را می‌طلبد. از این رو دست به انکار و یا لاقط استبعاد می‌زنند و گاه نیز به تمسخر کردن گرایش پیدا می‌کنند. روشن است که وظیفه منتظران، مقابله با این پدیده فکری از راه‌های مناسب و مؤثر است. امام جواد (ع) وظیفه مخلصان را

دعا برای

تعجیل فرج،

امری مطلوب

است، ولی

تبدیل جامعه

به جامعه‌ای

مستعجل در

این زمینه،

کاری بسیار

پراسیب و

خطرناک

است.



*. استاد حوزه و دانشگاه، مسئول مرکز تخصصی مهدویت.

۱. کمال الدین و تمام النعمه، ج ۲، ص ۳۷۹.

۲. سوره ملک/۲۵.



خواب نامه ها و نشر اکاذیب

ل شهید آیت الله سید عبدالحسین دستغیب رحمته الله در شب عاشورای ۱۲۹۲ شمسی در شهر شیراز، در یک خانواده روحانی پای به عرصه وجود نهاد. این تولد مبارک در خانه‌ای محقر، در یکی از کوچه‌های قدیمی شیراز، صورت گرفت. ولادت او در شب عاشورا، سبب گردید که «عبدالحسین» نامیده شود تا زندگی‌اش مصداق بارزی از نام شریفش گردد. پدرش سید محمد تقی، فرزند میرزا هدایت الله مرجع بزرگ فارس بود که به هنگام تولد فرزندش در کربلا به سر می برد. شهید دستغیب در سن دوازده سالگی از نعمت داشتن پدر محروم گردید و از همان تاریخ سرپرستی مادر، سه خواهر و دو برادر خویش را به عهده گرفت. خاندان دستغیب از خاندان‌های اصیل و شریف استان فارس و شیراز است و از این سلسله رجال، دانشمندان بزرگ، ادبا و خطبای شایسته‌ای برخاسته‌اند. نسب این خاندان با چند واسطه به حضرت امام سجاد علیه السلام می‌رسد.

■ در عرصه تحصیل علم و معرفت

در سال‌های کودکی، از برکت هوش سرشار و استعداد شکوفایی که خداوند در او به ودیعه نهاده بود، دروس مقدماتی را خواند و همزمان با اتمام دروس سطح، امامت جماعت مسجد باقرخان را عهده دار گردید و پس از گذراندن سال‌ها رنج و مشقت و فقر شدید مادی، در سال ۱۳۱۴ به منظور ادامه تحصیل راهی نجف اشرف شد. ایشان خود در این باره می‌گوید: «در زمان رضا خان قلدر ملعون، ما را چند بار زندانی کردند و یک دفعه خواستند که تبلیغ نکنیم. بعد فشار آوردند که اصلاً باید از روحانیت بیرون بروی و بیست و چهار ساعت مهلت دادند که بنده اصلاً خلع لباس کنم و از روحانیت بیرون روم و مسجد و منبری نباشم. بناچار فرار کردم و رفتم نجف و این هم خواست خدا بود، وسیله خیری شد برای استفاده از محضر بزرگان».

پس از مراجعت از نجف اشرف، ضمن اقامه نماز جماعت در مسجد جامع عتیق و روشن کردن افکار عموم، تحصیل و فراگیری علم و دانش را ادامه داد و خدمت فقیه و عارف نامدار مرحوم آیت الله حاج شیخ محمد جواد انصاری همدانی رحمته الله رسید و با بهره‌گیری از مراحل آن بزرگوار، مدارج عالی را در عرفان طی کرد و بالاخره همتشینی و رفاقت با حضرت آیت الله نجابت رحمته الله، موجب آزادی از قیود عالم طبع گردید و آرزویی جز تقرب به ذات مقدس پروردگار و وصال او باقی نگذاشت.

■ بزرگ منشی و ساده زیستی

شهید دستغیب رحمته الله در خانه‌ای محقر و ساده که بی شباهت به خانه اجداد طاهرنش نبود، زندگی می‌کرد و از هرگونه تجملات و مظاهر فریبنده دنیا پرهیز می‌نمود. ارادت به اهل بیت عصمت و طهارت علیهم السلام، تقوا، زهد، صبر، اخلاق حسنه، قدرت بیان و قلم از صفات بارز وی به شمار می‌رفت. شب‌ها را با عبادت و تهجد به صبح می‌رسانید و بسیار روزه می‌گرفت. عشق به روضه حضرت ابی عبدالله علیه السلام ریشه در جانش داشت و شب‌های عاشورا لباس سیاه عزا به تن می‌کرد. همراه اول وقت به نماز می‌ایستاد و در آن هنگام گویی که دیگر در این دنیا نبود. اوقات ایشان یا به عبادت و تلاوت قرآن و ذکر می‌گذشت و یا به نگارش و یا به کمک و همدردی با نیازمندان.

به مردم علاقه زیادی داشت و همیشه در فکر افراد فقیر جامعه بود که همواره به یاری و حل مشکلات آنها می‌شتافت. معمولاً خاموش بود و با دقت به سخنان افراد گوش می‌داد و سخنان درست آنها را می‌پذیرفت. با دشمنانش نیز رفتاری شایسته داشت و به هیچ کس اجازه نمی‌داد که از مخالفین ایشان بدگویی کند. حتی گاهی با تعریف از مخالفین خود، آنها را به شگفت می‌انداخت.

■ شهید دستغیب رحمته الله در کلام دیگران

همسر ایشان در این باره می‌گوید: «در امور زندگی به من



شهید

دستغیب رحمته الله

به مردم علاقه

زیادی داشت

و همیشه در

فکر افراد فقیر

جامعه بود...



ملاقات با مذاکره نشد. در سال ۵۶ نیز مدتی در منزل خود تحت محاصره بود و پس از درگیری و کشتار پنجم رمضان در شیراز و تعطیلی مسجد جامع، با شروع حکومت نظامی باز داشت و در تهران زندانی گردید. امام همیشه روی ایشان حساب می کرد و تا پیروزی انقلاب پیوسته با ایشان در تماس بود. وی رییس حوزه علمیه فارس بود و همزمان به درخواست اهالی شیراز و فرمان امام خمینی رحمه الله امامت جمعه را نیز عهده دار گردید.

ایشان در طول عمر با برکت خویش، سخنرانی های حکیمانه و درس آموز زیادی داشته اند که به چند مورد از آن فرمایشات ایشان اشاره می شود:

■ ادعای رؤیت به قصد نیابت

اگر کسی ادعای رؤیت کند دروغ می گوید. یعنی اگر کسی بگوید امام زمان علیه السلام را دیده ام به عنوان اینکه من واسطه ام و نیابت خاص دارم و دستور از او می گیرم و به مردم ابلاغ می کنم، دروغ می گوید. البته منافات ندارد که اشخاصی هم آن حضرت را ببینند، اما ادعایی نداشته باشند؛ آنچه مهم است دانستن این مطلب است که ادعای نیابت خاص و مشاهده امام به این عنوان که به من مأموریت ابلاغ دستوراتش را داده است، دروغ است. هر کس گفت من نایب خاص امام زمان علیه السلام هستم، به فرموده خود امام زمان علیه السلام دروغ می گوید.

■ وقت ظهور بر همه پنهان است

مدت غیبت کبری را نیز خدا می داند و بس؛ لذا هر کس وقت تعیین کند و بگوید امام زمان علیه السلام در فلان سال ظاهر می شود، ادعای بی جایی کرده است، بلکه مورد لعن نیز هست و حسب بعضی از روایات، زمان ظهور، بر خود امام زمان علیه السلام نیز پنهان است. به این ترتیب جلو نیرنگ اشخاص حقه باز گرفته می شود تا هر شیادی به ادعای دیدن امام زمان علیه السلام و پیغام امام زمان علیه السلام دکانی باز نکند و مردم را نفریبد.

■ خواب نامه ها و نشر اکاذیب

هر از چندی بعضی از شیادها خواب نامه هایی منتشر می کنند و عده ای ساده لوح را تحت تأثیر قرار می دهند. مثلاً چندی قبل نوشته بودند: شیخ احمد نامی متولی مسجد مدینه منوره در خواب دیده که چنین و چنان می شود، ایها الناس توبه کنید، تا شش سال دیگر امام زمان علیه السلام ظاهر می شود، در حالی که در مدینه چنین کسی نبوده و نیست و بر فرض هم که باشد، از کجا چنین خوابی دیده باشد و مگر هر خوابی قابل اعتنا است. عجب این است که همزمان در چندین نقطه از مملکت نیز پخش می شود، لای قرآن ها و مفاتیح در حرم های مطهر می گذارند و قسم هم می دهند این خواب نامه را چند مرتبه بنویسند که چقدر اجر دارد. چه بسا دست های خیانتی هم در کار باشد که این اکاذیب را نشر دهد و مردم را به این چیزها سرگرم کند تا از معارف و واقعیات باز بمانند و این طور وانمود کنند که این ملت چقدر خواب است؛ با یک خواب نامه می شود آنها را فریفت با یک تکه کاغذی می شود آنها را از میدان بدر برد.

زنها بیشتر در معرض خطرند، اشخاصی پیدا می شوند که به بهانه دعای اولاد و طلسم و غیره آنها را می فریبند. داروی محبت کدام است؟ بهترین اسباب برای جلب محبت شوهر، اطاعت او است و بدون رضایتش نباید از خانه بیرون رود.

اختیار تام داده بودند. هر کاری که انجام می دادیم، هیچ ایرادی نمی گرفتند، چون می دانستند که راه ما راه خودشان و هدف ما یکی است. با بچه ها خیلی مهربان بودند. در اوقات فراغت در حیاط با بچه ها قدم می زدند و آن گونه که بچه ها و نوه ها دلشان می خواست، با آنها رفتار می نمودند. ایشان در کارهای خانه هم علاوه بر کارهای شخصی خود به ما کمک می کردند و می گفتند: من اجازه امر کردن را به خودم نمی دهم. ایشان بسیار کم خوراک، دائم الوضو و اهل تهجد و ذکر و دعا بودند.

فرزند شهید نیز در مورد نقش ارزنده پدرش در منزل چنین اظهار می دارد: «در ایام مریضی مرحوم والده، از بچه ها نگهداری می کردند. فراموش نمی کنم که حتی در نظافت بچه ها ابایی نداشتند یا حتی خودشان خانه را جارو می کردند. او مانند جدش رسول خدا صلی الله علیه و آله بود: «إذا كان في بيته كان في محنة أهله؛ یعنی آن هنگام که در خانه بود، غمخوار اهل خانه بود».

فضائل اخلاقی آن شهید سعید، زبانزد خاص و عام بود. حضرت آیت الله نجابت رحمه الله از همسنگران قدیمی وی می فرماید: «ملاقاتی با آیت الله دستغیب رحمه الله نداشتم مگر آن که ایشان در آن صحبت از خدا و معارف اهل بیت علیهم السلام داشته باشند». عالم ربانی و فقیه عالی قدر، مرحوم حاج آقا شیخ محمد کاظم شیرازی رحمه الله به هنگام اعطای اجازه اجتهاد به ایشان، در مورد وی می نویسد: «او از هر اخلاق ناشایستی پاک است و به هر اخلاق شایسته ای آراسته است».

امام خمینی رحمه الله نیز با بیاناتی روشن، اخلاق و خلقیات شهید محراب را به تصویر می کشد و او را «مربی محرومان»، «هدایت کننده مردم»، «معلمی بزرگ»، «عالمی عامل» و بالاتر از همه «متعهد به اسلام» و «شخصیتی ارزشمند» می نامد.

شهید دستغیب به درجات والایی از معنویات دست یافته بود که کمتر کسی به این مراحل می رسد. روزی شخصی دست دو فرزندش را گرفته و از شهرستان بوشهر جهت زیارت آقا به شیراز رفته بود و در بیان علت این ملاقات گفته بود: «چند روزی است یکی از فرزندانم سخت مریض شده است و پزشکان گفته اند باید در شیراز بچه را در معالجه کنی. من هم از لحاظ مالی نتگدست بودم. به حضرت ولی عصر علیه السلام متوسل شدم و پس از گریه و زاری فراوان در حال خواب و بیداری به من گفتند ناراحت نباش، به شیراز برو، نماینده ما آقای دستغیب در آن جاست. حاجت تو را برآورده می کند. بعد آن شخص خدمت آقا رسید و ایشان بدون هیچ مقدمه ای فرموده بود: «ناراحت نباش که خودم وجه بیمارستان فرزندت را فراهم می کنم».

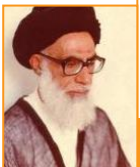
■ مبارزات سیاسی

مبارزات ایشان در حقیقت از دوران رضا خان شروع شد و چون می دانست که او می خواهد عمامه ها را بر دارد و روحانیت را از بین ببرد، در برابر او مقاومت می کرد. در بحبوحه کشف حجاب نیز وقتی مجلسی از طرف رژیم ترتیب داده شده بود که علما همراه با همسرانشان حاضر شوند، با این مسئله به مبارزه برخاست. سال ۱۳۴۱ هـ ش که مبارزات امام خمینی رحمه الله شروع شد، ایشان به رهبر انقلاب پیام فرستادند که در شیراز حاضر به همکاری می باشند.

ایشان در ۱۵ خرداد ماه ۴۲ باز داشت و به تهران تبعید گردید. در سال ۴۳ مجدداً باز داشت و به تهران اعزام و زندانی شد. شهید دستغیب در این مدت رهبری مبارزات مردم فارس را نیز به عهده داشت و با پایمردی ایستادگی کرد و حاضر به



چه بسا
دست های
خیانتی هم
در کار باشد
که این اکاذیب
را نشر دهد
و مردم را به
این چیزها
سرگرم کند
تا از معارف
و واقعیات
باز بمانند
و این طور
وانمود کنند
که این ملت
چقدر خواب
است



مرحله دوم عملیات انتقام

حماسه عاشقانه حضرت مهدی

● دکتر محمود رفیعی*

اشاره:

برای رسیدن به مقام شامخ نصرت، سالکان منتظر می‌باید مراحل سه گانه عملیات انتقام را طی کنند. این سه مرحله، عبارتند از: ۱) برائت زبانی؛ ۲) برائت فرهنگی؛ ۳) جهاد در میدان اصغر. سالکان فرهنگ انتظار، تا این مراحل سه گانه عملیات انتقام را پشت سر نگذارند، شایستگی پوشیدن لباس سربازی حضرت منتقم را پیدا نمی‌کنند. به سخن دیگر، سالکان فرهنگ انتظار قبل از آن که پای در میدان نبرد بگذارند، می‌باید در میدان بزرگ فرهنگی و در عملیات پیچیده فرهنگی، پیروز و سر بلند گردند. در غیر این صورت، شکست خوردگان عملیات فرهنگی، هرگز موفق نمی‌شوند که در عملیات بزرگ نظامی و در رکاب امام زمان شرکت کنند.

در شماره گذشته اولین مرحله از مراحل سه گانه عملیات انتقام را - که عبارت است از برائت زبانی - توضیح دادیم. اینک بر آن شدیم که مرحله دوم عملیات انتقام را که بسیار هم پیچیده است توضیح دهیم.

■ برائت فرهنگی

دومین مرحله عملیات انتقام که لازم است سالک عاشورایی - مهدوی آن را با موفقیت به انجام رساند، برائت فرهنگی است. هر قوم و ملتی دارای اندوخته‌های معنوی است که از آن به «فرهنگ» یاد می‌کنند. طبق این تعریف - که یکی از ده‌ها تعریفی است که برای فرهنگ ارائه کرده‌اند - اخلاق، ادب، هنر، فضیلت، حکمت، تعلیم و تربیت، معرفت و دیانت جزء فرهنگ محسوب می‌شود و دایره فرهنگ تقریباً همه امور معنوی را در بر می‌گیرد.

ملت ایران و قوم ایرانی هم همانند بسیاری از اقوام و ملل دنیا، دارای فرهنگ است و فرهنگ ایرانی تفاوتش با سایر فرهنگ‌ها این است که در طول تاریخ دچار تحول و تطور معانی گشته و نوسانات بسیاری را از سر گذرانده و امروزه در بین اقوام مختلف دنیا، فرهنگ ایران و ایرانی با پسوند فرهنگ اسلامی شناخته شده و معروف و مشهود همگان است. این که ایرانی دارای فرهنگ اسلامی است، معنایش این است که هنر ایرانی، در مکتب آسمانی اسلام، متولد، رشد و بالندگی یافته و تحت عنوان هنر اسلامی شناخته شده است. همین طور، ادب و اخلاق ایرانی، همه جا با اخلاق اسلامی یاد می‌شود.

هنگامی که اسلام، هنر، اخلاق، معنویت، ادب و تعلیم و تربیت قومی را به وجود می‌آورد و به آن رنگ و شکل خاصی می‌بخشد، در کل فرهنگ آن کشور، همه جا و در نزد همه کس تحت عنوان فرهنگ اسلامی شناخته می‌شود. اما فرهنگ اسلامی ما ایرانیان، رنگ و شکل خاص‌تری نیز دارد که در نوع خود و در بین تمام فرهنگ‌های عالم، بی‌نظیر است. و آن این نکته

است که فرهنگ اسلامی ما ایرانیان، فرهنگ اهل بیت است. فرهنگ اهل بیت، فرهنگ حریت و عبودیت و فرهنگ عشق و ایثار است.

در یک کلام می‌توان گفت: فرهنگ قوم ایرانی، فرهنگ حسینی است. فرهنگ حسینی، تنها فرهنگی است که بند از دست و پای آدمیان باز می‌کند و آدمیان را از اسارت طاغوتیان می‌رهاند و آزادی را برای انسان‌ها، به ارمغان می‌آورد. در فرهنگ حسینی، هیچ کسی اسیر و برده نیست، همه آزاده هستند و نه به کسی ظلم می‌کنند و نه ظلم هیچ ظالمی را می‌پذیرند. در عوض فرهنگ حسینی، فرهنگ معراج انسان از فرش تا عرش است. در خصوص فرهنگ ایرانیان اگر چه بعضی از اندیشمندان و روشنفکران معتقد هستند که از قرن بیستم، ما واجد سه فرهنگ هستیم: ۱. فرهنگ ایرانی، ۲. فرهنگ اسلامی، ۳. فرهنگ غربی. این دسته از روشنفکران بر این باورند که تا قرن نوزدهم، ایرانیان واجد دو فرهنگ بودند: ۱. فرهنگ ایرانی، ۲. فرهنگ اسلامی.

ایرانیان با پذیرش قلبی اسلام و نفوذ اسلام در ظاهر و باطن زندگی ما، پاره‌ای از آداب و رسوم ایرانی هم رنگ اسلامی گرفت و در کل، اسلام بخش بزرگی از فرهنگ ما ایرانیان را به خود اختصاص داد. از این سخن که عبور کنیم، می‌توان نتیجه گرفت که فرهنگ ما ایرانیان در لایه زیرین خود، فرهنگ حسینی است. اگر چه در ظاهر برخی از رفتارها و تفکرات ما هیچ ربطی به اسلام ندارد. و سخن روشنفکران، خاستگاه این رفتارها، فرهنگ غربی است.

با ظهور انقلاب اسلامی و طلوع خورشید ولایت بر فرهنگ ریشه‌دار ما ایرانیان، فرهنگ ما که همان فرهنگ حسینی است



فرهنگ

اهل بیت،

فرهنگ حریت

و عبودیت و

فرهنگ عشق

و ایثار است.





رومیان است و در این فرهنگ انسان در جایگاه خدا قرار می‌گیرد و خود به خود خدا و اندیشه الهی، از این فرهنگ و جامعه رخت برمی‌بندد. معاویه با چنین فرهنگی آشنا می‌گردد و در نهایت مجهز به فرهنگ اومانستی رومی می‌شود و با توجه به کینه جاهلیت که داشته خود را برای مقابله با اسلام آماده می‌سازد. در حقیقت باید گفت: معاویه فرزند فرهنگی است که جاهلیت پیش از اسلام را با فرهنگ رومی ترکیب کرده و به عنوان نخستین پرچمدار جنگ فرهنگی با اسلام شناخته می‌شود.

معاویه در جنگ‌های نظامی هرگز قادر به شکست امام علی بن ابی‌طالب (ع) و یاران او نبود اما با کمک فرهنگ رومی، و با یورش فرهنگی، ابتدا برخی از نخبگان را از سپاه امیرمؤمنان جدا کرد و سپس به کمک همین فرهنگ، افراد ضعیف‌الایمان را هم شکار نمود و در نهایت به امام علی بن ابی‌طالب (ع) حکمیت را تحمیل کرد. نخبگان جامعه علوی، هرگز متوجه نفوذ فرهنگ اموی - غربی در جامعه نشدند و هر قدر که امام علی بن ابی‌طالب (ع) می‌خواست که چشم بصیرت آنان را بگشاید، آنان امام علی (ع) را به حساسیت افراطی متهم می‌کردند و دست آخر هم هرگز متوجه افتادن در دام‌هایی که فرهنگ اموی - رومی در مسیر آنان گسترده بود نشدند.

فرهنگ جاهلیت ابوسفیانی، هرگز نتوانست اسلام را شکست دهد. اما وقتی این فرهنگ، با فرهنگ غربی آشنا می‌شود، شکست‌های پی در پی امام علی بن ابی‌طالب (ع) و امام حسن مجتبی (ع) و در نهایت شهادت امام حسین (ع) را منجر می‌شود. گسترش فرهنگ اموی - رومی در طول تاریخ سبب غربت تاریخی اسلام و ائمه معصومین (ع) و غیبت طولانی و جانفرسای امام زمان (ع) گردیده است. تاکنون اگر هر چه بر سر اسلام آمده است و اگر تا امروز غیبت امام زمان (ع) طولانی شده است، تمامی این حوادث برنامه‌هایی است که فرهنگ غربی برای جامعه اسلامی نوشته است و تا امروز هم موفق بوده است. در نهضت مشروطه هم، غرب گرایان، مجلس ملی را به دست گرفتند و شیخ فضل الله نوری را که منادی اسلام ناب محمدی (ص) در آن عصر و روزگار بود، به سر دار بردند.

پس از انقلاب اسلامی ایران، نخبگان جامعه غربی، آشکارا در دنیا سخن از جنگ فرهنگ‌ها به میان آوردند و فرهنگ‌ها را به سردمداری فرهنگ غرب، به مقابله با فرهنگ اسلام فرا خواندند. قرن بیستم و بیست و یکم، که به قرن جنگ فرهنگی نامیده شده است، غرب با همه تجهیزات فرهنگی‌اش یک طرف و اسلام با فرهنگ الهی و آسمانی یک طرف قرار گرفته است. اگر پایان این جنگ منجر به پیروزی اسلام شود، آن روز، روز ظهور امام زمان (ع) خواهد بود.

ادامه دارد...

دوباره احیا شد و مفاهیم بلندی - که در طلوع تاریخ تحریف شده بود و مورد غفلت واقع شده بود - دوباره چهره واقعی خودشان را نشان دادند و بار دیگر ندای نه ظلم کنید و نه ظلم بپذیرید، در گوش عالمیان طنین انداز شد.

پس از ظهور اسلام در شبه جزیره عربستان و تشکیل حکومت ناب اسلامی، نخستین باری که درگیری فرهنگی، در تاریخ اسلام به ثبت رسید، یورش فرهنگی اموی - معاویه‌ای به فرهنگ اصیل و قوی و غنی اسلام بود. معاویه نخستین کسی است که برای مبارزه با اسلام، یورش و تهاجم فرهنگی را انتخاب کرد. با گسترش اسلام در بلاد مختلف، نخبگان و فرهنگیان سرزمین‌هایی که اسلام به آن جا راه پیدا کرده بود، به آیین ناب محمدی و به فرهنگ انسان ساز اسلام روی آوردند و همین مسئله باعث شد که عامه مردم هم، اسلام را به عنوان دین رسمی خود بپذیرند و به تدریج خورشید محمدی (ص) در سرزمین‌های بیشتری تابیدن گرفت.

حال باید از خود پرسید: ایشخو فرهنگ اموی - معاویه‌ای کجاست؟ ویژگی‌های این فرهنگ چیست؟ و چه عواملی باعث شد که نخبگان جامعه اسلامی با آشکار شدن فرهنگ معاویه‌ای، تعداد زیادی از آنها جذب این فرهنگ شدند و خود نیز جزء مبلغان و ترویج دهندگان این فرهنگ درآمدند؟ اوج درگیری فرهنگی فرهنگ معاویه‌ای با اسلام، منجر به وقوع حادثه کربلا شد و شاهد هستیم، آن هنگام که امام حسین (ع) اسلام شناس بزرگ جامعه محمدی (ص) در کربلا، سر مقدسش روی نیزه رفت، بیش از ده هزار نخبه علمی، فرهنگی و دینی در بلاد اسلامی، مشغول تعلیم و تدریس و ترویج اسلام بودند، اما چرا و کدام اسلام؟

ریشه جنگ نظامی کربلا را باید در درگیری و یورش فرهنگ دانست. قبل از ظهور اسلام، جنگ فرهنگی اموی، در مکه با فرهنگ پاک و توحیدی بنی‌هاشم بود. امویان و طایفه بنی‌هاشم، دو رقیب سیاسی و اقتصادی بودند که ریشه این درگیری‌ها را باید در فرهنگ این دو جست و جو کرد. اما در زمان حکومت معاویه، فرهنگ جاهلیت معاویه، با فرهنگ جدیدی به نام فرهنگ رومی و به اصطلاح امروزیان با فرهنگ غربی آشنا شد و از ترکیب این دو فرهنگ، فرهنگ جدیدی به وجود آمد، آن هم به نام ترکیب اموی - رومی.^(۱)

شام که مرکز حکومت معاویه بود، محل تفکر و آمد و شد رومیان بود. رومیان دارای فرهنگ خاص خود بودند. فرهنگی که نه تنها از آیین مسیحیت هیچ رنگی را نپذیرفت، بلکه ایده‌ها و خواسته‌های خود را بر مسیحیت تحمیل کرد و در نهایت فرهنگ رومی پس از حدود نه قرن حضور مسیحیت در اروپا، آن را حذف کرد و فرهنگی به نام رنسانس را با محوریت «انسان‌مداری» اومانیسیم در قلب اروپا تأسیس کرد. اومانیسیم محور فرهنگ

معاویه فرزند
فرهنگی است
که جاهلیت
پیش از
اسلام را با
فرهنگ رومی
ترکیب کرده
و به عنوان
نخستین
پرچمدار
جنگ فرهنگی
با اسلام
شناخته
می‌شود.



*. استاد و عضو هیئت علمی دانشگاه علامه طباطبائی.

۱. برای اطلاع از چگونگی پیدایش فرهنگ جدید اموی - رومی (غربی) و نفوذ آن در جامعه اسلامی و گرایش برخی از نخبگان به این فرهنگ و چگونگی مقابله فرهنگ اموی - رومی با فرهنگ اسلام، می‌توان به کتاب‌های تاریخ الکامل ابن اثیر، بررسی تاریخ عاشورا، نوشته مرحوم آیتی و کتاب حماسه حسینی، نوشته استاد شهید آیت‌الله مطهری مراجعه کرد.

آزمونی برای همه

● امیر محسن عرفان*

اشاره:

بازخوانی تاریخ حیات فکری - فرهنگی اهل بیت (ع) برای نسل معاصر که در دریایی از مشکلات فرهنگی و عقیدتی غوطه‌ور است و هر لحظه و از هر سو به شکل تازه‌ای مورد هجوم فکری واقع می‌شود، امری است ارزشمند و سرنوشت ساز؛ اما آن چه در این راستا از اهمیت بسیار برخوردار است، شباهت دوره معاصر به دوران اهل بیت (ع) است. عبرت‌گیری از آن دوران چراغی است فرا روی همه منتظران واقعی.



■ برداشت اول

گرامی اسلام (ع) نیز که مفتخر است به «آدینی ربی فاحسن تأدیی» در کوره بلا و ابتلا پرورش یافته و مشکلاتی چون یتیمی، فقر، بی‌پناهی و آزار نابخردان را به جان خرید. آزمون و امتحان برای همه یک «موفقیت» به حساب نمی‌آید، بلکه فقط برای انسان مهیا و تربیت شده یک «فرصت» است که از آن استفاده کند.

باید دانست ایمان تنها به همراه دعا برای سر بلندی در آزمون‌ها و امتحانات الهی کافی نیست، زیرا دوری از لغزیدن در فتنه‌ها و ابتلاها گذشته از زمینه‌های نظری و معرفتی، عامل مهم دیگری نیز چون بصیرت و معرفت را می‌طلبد.

دین ورزان بدون بینش، حتی اگر حق را بشناسند، طاقت آزمون‌های دشوار را ندارد. آنان گرچه در پی مبارزه با خط توحید بر نمی‌آیند، اما اهل مقاومت و هزینه کردن در راه آن نیز نیستند، بی‌بصیرتی، نقطه آغاز فاصله گرفتن از صراط مستقیم است.

■ برداشت آخر

ما که لب به دعا گشوده‌ایم: «اللهم عجل لولیک الفرج» از خود بپرسیم: چه قدر آماده آزمون ظهور اویسیم؟ چه قدر در آزمون‌های زمان غیبت آن حضرت سربلند بوده‌ایم؟

از یاد نبریم که تاریخ امامت شیعه، یاد آورد مردود شدن بسیاری از شیعیان، در آزمون ولایت‌پذیری از امام معصوم (ع) بوده است. کسانی که نه بیرق باطل را خوش داشتند و نه تحمل هزینه‌های حق باوری را؛ کسانی که هم به نماز علی (ع) می‌رفتند و هم سفره معاویه را از دست نمی‌دادند.

اگر شیعیان سال ۲۰۳ و سال ۲۶۰ هجری قمری با آزمونی چون کمی سن امام معصوم (ع) مواجه بودند، امروز ما نیز با آزمونی با محتوای دیگر مواجه هستیم.

بی‌شک آنان که در آزمون‌ها و امتحانات ولایت‌پذیری در دوران غیبت از عافیت و آبرو و مال و فرزند و جسم و جان گذشته و رو به عدل و عدالت می‌نهند، برای یاری منجی موعود در انقلاب ولی عصر (ع) و ظهور کبرای او مهیا‌ترند.

امام رضا (ع) چهل و ششمین بهار عمر شریف خویش را پشت سر گذاشته بود، اما هنوز جهان به نور جمال نهمین ستاره تابناک آسمان ولایت و امامت منور نشده بود. این موضوع سبب تشویش خاطر و نگرانی شیعیان و از سویی دیگر گستاخی معاندان شد. در سال ۲۰۳ هجری قمری نیز که امام رضا (ع) به شهادت رسید، شیعیان آن حضرت به علت این که تنها فرزند وی (امام جواد (ع)) بیش از هشت سال نداشت، در نگرانی و اضطراب عمیقی فرو رفتند. به نوشته برخی از مورخان: در این جریان، شیعیان به حیرت افتاده و میان آنان اختلاف پدید آمد؛ چنان که شیعیان دیگر شهرها نیز متحیر شدند. امام رضا (ع) قبلاً در جواب اعتراض عده‌ای به امامت امام جواد (ع) فرموده بودند که سن عیسی (ع) هنگامی که نبوت به وی اعطا شد، کمتر از سن فرزند من بوده است.

حدود پنجاه سال بعد، امام زمان (ع) متولد شدند. باز هم کمی سن امام معصوم عده‌ای را به تعجب واداشت. وضعیت دشوار و بحرانی ابتدای غیبت صغری در سایه تدابیر و عملکرد آگاهانه امامان و عالمان شیعه پیش از غیبت تبدیل به فرصتی برای شیعیان شد. این وضعیت که در زبان روایت از آن به حیرت تعبیر شده؛ بخش قابل توجهی از جامعه شیعه را تا مدتی گرفتار تحیر و سرگردانی کرده بود. این امر را می‌توان در گروه‌گرایی فرقه‌ای پس از شهادت امام حسن عسکری (ع) و ظهور مدعیان متعدد دریافت.

با تمام این احوال، بیشتر شیعیان، چه در زمان امام جواد (ع) و چه در زمان امام زمان (ع) به امامت این دو کودک کردن نهدند. آنان نبوت یحیی بن زکریا و عیسی (ع) در دوران شیرخوارگی و داستان یوسف و علم حضرت سلیمان (ع) را شاهی بر علم در حجت خدا ولو به سن بلوغ نرسیده باشد می‌دانستند. آنها امامت را از جنبه الهی آن می‌نگریستند و به همین دلیل کمی سن امام هرگز نمی‌توانست در عقیده آنان خللی وارد کند.

■ برداشت دوم

خداوند متعال انسان‌ها را می‌آزماید و با ابتلا تربیت می‌کند. پیامبر



چه قدر آماده
آزمون ظهور
اویسیم؟ چه قدر
در آزمون‌های
زمان غیبت
آن حضرت
سربلند
بوده‌ایم؟



* دانش آموخته مرکز تخصصی مهدویت.

هر کس که دوست دارد



• به کوشش: عباس رمضانعلی زاده

اشاره:

همه ما درباره اهمیت ولایت معصومین و تأثیر آن در زندگی و سرنوشت خود، مطالبی را شنیده‌ایم اما شاید کمتر به آثار بی‌بدیل پذیرش ولایت اهل بیت توجه نموده باشیم، روایت شیرین ذیل که از وجود مبارک امام رضا صادر شده است. هدیه‌ای است به کسانی که عطش دانستن آثار محبت و ولایت امامان معصوم را دارند.

امام علی بن موسی الرضا از پدراناش تا برسد به پیامبر اکرم نقل کردند که رسول خدا خطاب به امیرالمؤمنین فرمودند: «من سره ان یلقى الله عزوجل و هو مقبل علیه لیس بمعرض عنه، فلیتوال علیاً، و من سره ان یلقى الله و هو عنه راض فلیتوال ابنک الحسن، و من احب ان یلقى الله لاخوف علیه فلیتوال ابنک الحسین، و من سره ان یلقى الله و هو ممحو عنه ذنوبه فلیتوال علی بن الحسین السجاد، و من سره ان یلقى الله قریر العین فلیتوال محمد بن علی الباقر، و من احب ان یلقى الله و کتابه بيمينه فلیتوال جعفر بن محمد الصادق، و من احب ان یلقى الله طاهراً فلیتوال موسی کاظم، و من احب ان یلقى الله و هو ضاحک مستبشر فلیتوال علی الرضا، و من احب ان یلقى الله و قد رفعت درجاته، و بذلت سیئاته حسنات، فلیتوال محمد الجواد، و من احب ان یلقى الله و هو من الفائزین، فلیتوال علیاً الهادی، و من احب ان یلقى الله و هو من الامنین، فلیتوال الحسن العسکری، و من احب ان یلقى الله و قد کمل ایمانه و حسن اسلامه، فلیتوال الحجة صاحب الزمان المنتظر، فهولاء مصابیح الدجی، و ائمة الهدی، و اعلام التقی، من احبهم و تولاهم، کنت ضامناً له علی الله الجنة»^(۱).

* هر کس دوست دارد که خداوند عزوجل را ملاقات کند در حالی که خداوند به او رو کرده و از او روگردان نباشد، پس باید ولایت علی را قبول کند.

* و هر کس خوشحال شود از این که خداوند را ملاقات کند در حالی که خداوند از او راضی باشد، پس باید ولایت پسرت حسن را قبول کند.

* و هر کس دوست دارد خداوند را ملاقات کند در حالی که ترس

نداشته باشد، پس باید ولایت پسرت حسین را قبول کند.
* و هر کس که دوست دارد خداوند را ملاقات کند در حالی که گناهان او محو شده باشد، پس باید ولایت علی ابن الحسین سجاد را قبول کند.

* و هر کس دوست دارد خداوند را ملاقات کند در حالی که چشمش روشن باشد، پس باید ولایت محمدبن علی باقر را قبول کند.

* و هر کس دوست دارد خداوند را ملاقات کند در حالی که نامہ عملش به دست راستش باشد، پس باید ولایت جعفر بن محمد الصادق را قبول کند.

* و هر کس دوست دارد خداوند را ملاقات کند در حالی که طاهر مطهر باشد، پس باید ولایت موسی کاظم را بپذیرد.

* و هر کس دوست دارد خداوند را ملاقات کند در حالی که خندان و خوشحال باشد پس باید ولایت علی بن موسی الرضا را قبول کند.

* و هر کس دوست دارد خداوند را ملاقات کند در حالی که درجانش عالی باشد، و گناهان او تبدیل به حسنات شده باشد، پس باید ولایت محمدتقی جواد را قبول کند.

* و هر کس دوست دارد خداوند را ملاقات کند در حالی که از رستگاران باشد، پس باید ولایت علی بن محمد هادی را قبول کند.

* و هر کس دوست دارد خداوند را ملاقات کند در حالی که از آمین (در امنیت شدگان) باشد، پس باید حسن عسکری را دوست بدارد.

* و هر کس دوست دارد خداوند را ملاقات کند در حالی که ایمانش کامل و اسلامش نیکو باشد، پس باید ولایت حجت ابن الحسن صاحب الزمان انتظار کشیده را قبول کند.

پس آنان چراغ‌های تاریکی و امامان هدایت و علم‌های تقوا می‌باشند. هر کس آنها را دوست بدارد و ولایت آنها را گردن نهد (تسلیم اوامر آنها باشد) من برای او بهشت را از جانب خداوند ضمانت خواهیم نمود.

هر کس دوست دارد خداوند را ملاقات کند در حالی که خندان و خوشحال باشد پس باید ولایت علی بن موسی الرضا را قبول کند.



عرفات

تجلی گاه شناخت
امام عصر

عجلای تعالی
فجر الشریف

• علی مصلحی *



ل عرفات نام محلی است در نزدیکی مکه که یکی از اعمال حج در آن جا انجام می‌شود. واژه شناسان درباره معنای آن گفته‌اند:

ادراک چیزی با تفکر در آثار آن را عرفات می‌گویند، از این رو سرزمین عرفات را عرفات می‌گویند.

در مورد علت نام گذاری آن چند مطلب نقل شده است:

۱. از امام صادق (ع) سؤال شد: چرا عرفات را عرفات نامیدند؟ فرمودند: «به خاطر این که هنگام ظهر، حضرت جبرئیل (ع) به حضرت ابراهیم (ع) گفت: اعترف بذنبک و اعرف مناسکک»^(۱) به پیامد (کارهای) خود اعتراف کن و اعمال (حج) خویش را بشناس.

۲. «عرفت موقوفک بعرفة معرفة الله سبحانه امر المعارف و العلوم و عرفت قبض الله علی صحیفتک و اطلاعه علی سریرتک و قلبک»^(۲) آیا در وقوف به عرفه، خدا را شناختی، معارف و علوم دینی را شناختی، آیا شناختی که خدا بر اعمال پنهان و آشکار تو آگاه است؟

۳. برخی گفتند که آدم و حوا در سرزمین عرفات، همدیگر را شناختند (یعنی سرزمین شناخت).^(۳)

۴. حضرت ابراهیم (ع) در این جا برای قربانی کردن اسماعیل (ع) خواب دید و به وظیفه خود آشنا و عارف شد.^(۴)

بنابراین سرزمین عرفات، سرزمین شناخت و عرفان به خداوند و صفات او و شناخت وظایف است.

حج گزار باید در آن جا عارف شود که خدای سبحان به پنهان و آشکار و صحیفه قلب او و رازهای آن و حتی آنچه برای خود او روشن نیست آگاه است، یعنی سرزمین عرفات محل ادراک و شهود است، به مضمون آیه «وَ إِنْ تَجَهَّرْ بِالْقَوْلِ فَإِنَّهُ يَعْلَمُ السِّرَّ وَأَخْفَى»^(۵)

وقوف در عرفات برای واقف شدن انسان به معارف و علوم دینی و اسرار الهی نظام آفرینش است.^(۶)

فقیه و عارف سالک، میرزا جواد ملکی تبریزی (ع) می‌گوید: منتهای جدیت خود را به خرج بده که در عرفات به کمال معرفت نایل شوی.^(۷)

احرام حج از مسجد الحرام = یقظه و بیداری؛ وقوف به عرفات = تحصیل معرفت؛ وقوف به مشعر الحرام = بندگی و اطاعت از خدا؛ ورود به منی = وصول به رحمت الهی و گرفتن پاداش در روز عید قربان؛ ورود به مسجدالحرام برای طواف حج و اعمال دیگر = ورود به بهشت دنیا؛ رسیدن به خانه خدا (کعبه) = وصول به لقای تبارک و تعالی است. احتمال هم دارد، تجلی لقاء الله عزوجل برای او، در لقای امام و حجت خدا باشد که فرموده‌اند: «تمام الحج لقاء الامام»^(۸)

برای رسیدن به کمال معرفت الهی راه‌های مختلفی وجود دارد؛ اما بهترین و کامل‌ترین آنها، شناخت مخلوقی است که جمیع اوصاف خداوند (غیر از خالقیت) به او اعطا شده است و آن، شناخت بزرگ‌ترین آیه خداوند در این زمان، یعنی وجود مقدس امام زمان (ع) است.

هرچند همه موجودات آیه‌ای از آیات اوست و به تعبیر امام حسین (ع) در دعای عرفه: «الهی علمت باختلاف الآثار و تنقلات الاطوار ان مرادک منی ان تتعرف الی فی کل شیء حتی لا اجهلک فی شیء؛ خدایا من از مختلف بودن آثار و نشانه‌های تو و گوناگون شدن حالات جهان، دانستم که غرض از آفرینش من، آن است

که خود را در هر چیزی به من بشناسانی تا من در هیچ یک از موجودات این جهان نسبت به تو جاهل و غافل نباشم»، ولی واضح است که نشانه بودن همه موجودات برای خالق یکسان نیست و شدت و ضعف دارد. وجود انسان که همه خصوصیات رشد گیاهان و حرکت اختیاری حیوانات را دارد و علاوه بر آن دارای قوه تفکر و عقل است، بیشتر از بقیه موجودات، وجود پروردگار و اوصاف او را اثبات می‌نماید؛ لذا فرمودند: «من عرف نفسه فقد عرف ربه». پر واضح است که همه انسان‌ها با تفاوتی که در علم و قدرت و بقیه صفات دارند، آیه و آینه بودنشان برای خداوند یکسان نیست و هرچه اوصاف کمال و جلال و جمال در انسانی بیشتر باشد، علم و قدرت و عظمت پروردگار را زیاده‌تر اثبات می‌کند.

بنابراین کامل‌ترین انسان از حیث واجد بودن همه اوصاف کمال، کامل‌ترین آیه و نشانه برای خداوند می‌تواند باشد و لذا امام شناسی بهترین راه خداشناسی است. حضرت علی (ع) می‌فرمایند: «ما الله عزوجل آیه هی اکبر منی»^(۹) خداوند آیه‌ای بزرگ‌تر از من ندارد». و در زیارت امین‌الله - که از معتبرترین زیارات است - خطاب به امام معصوم (ع) می‌گوییم: «...مع مالک من الحجج البالغة علی جمیع خلقه»^(۱۰) و در زیارت آل‌یس آمده است: «و کلمتک التامة فی ارضک»^(۱۱) و در قرآن می‌خوانیم: «وَكُلَّ شَيْءٍ أَحْصَيْنَاهُ فِي إِمَامٍ مُبِينٍ»^(۱۲) «بنا عرف الله و بنا عبدالله: من اراد الله بدء بکم و من وحده قبل عنکم»^(۱۳) و در دعای هر روز ماه مبارک رجب که از امام زمان (ع) خطاب به نایب دوم ایشان صادر شده است آمده: «يعرفک بها من عرفک: هر کس تو را (خدای عزوجل) شناخت به واسطه آن آیات الهی (معصومین (ع) شناخت».

شاید صریح‌ترین جمله در این باب همان گفتار امام حسین (ع) است که فرمود: ای مردم! خداوند بندگان خویش را نیافریده مگر برای این که او را بشناسند... شخصی سؤال کرد: منظور از شناخت خداوند چیست؟ فرمودند: شناخت اهل هر زمانی نسبت به امامشان که اطاعت از او برای آنها واجب شده است.^(۱۴)

عرفات محل نزول اولیه آیه اکمال است. علامه طباطبایی (ع) بر آن است که آیه «الْيَوْمَ أَكْمَلْتُ لَكُمْ دِينَكُمْ وَأَتِمَمْتُ عَلَيْكُمْ نِعْمَتِي وَرَضِيتُ لَكُمُ الْإِسْلَامَ دِينًا»^(۱۵) بر اساس برخی از روایات^(۱۶) این آیه در عرفه نازل شد، ولی پیامبر (ص) به جهت برخی مصلحت‌ها آن را بیان نکرد و منتظر فرصت مناسب بود که در روز غدیر دستور اکید آمد: «يَا أَيُّهَا الرَّسُولُ بَلِّغْ مَا أُنْزِلَ إِلَيْكَ مِنْ رَبِّكَ وَإِنْ لَمْ تَفْعَلْ فَمَا بَلَغْتَ رِسَالَتَهُ وَاللَّهُ يَعْصِمُكَ مِنَ النَّاسِ»^(۱۷)

عرفات محل حضور امام عصر (ع) و اولیای الهی

از امام صادق (ع) روایت شده که فرمودند: «يفقد الناس امامهم، يشهد الموسم فراهم و لا يرونه»^(۱۸) مردم به فراق امامشان گرفتار می‌شوند؛ او در مراسم حج حاضر می‌شود و آنان را می‌بیند، ولی مردم وی را نمی‌بینند». (که به قرائن روایات دیگر به معنای عدم شناخت است). و محمد بن عثمان عمری نایب دوم امام زمان (ع) گفت: «و الله ان صاحب هذا الامر ليحضر الموسم كل سنة يرى الناس و يعرفهم و يرونه و لا يعرفونه؛ به خدا قسم هر سال امام زمان (ع) در مراسم حج شرکت می‌کند، مردم را می‌بیند و می‌شناسد و مردم هم او را می‌بینند ولی نمی‌شناسند»^(۱۹) عارف گران قدر فیض کاشانی می‌فرماید:

کامل‌ترین

انسان از

حیث واجد

بودن همه

اوصاف کمال،

کامل‌ترین

آیه و نشانه

برای خداوند

می‌تواند

باشد و لذا

امام شناسی

بهترین راه

خداشناسی

است.





عریضه

قول می‌دهم آقا...

(یک قول به امام زمان عج بدهید... / کمی فکر کنید! قولی بدهید که نتوانید به آن عمل کنید!)

◀ آقا جان! قول می‌دهم که یک زن خوب و بی‌منت برای همسرم باشم. (م. شاکوئی، آمل)

◀ قول می‌دهم با خصوصیات و شیوه زندگی شما بیشتر آشنا شوم؛ و دستگیری کنم از نیازمندان. (محمد کوچکی)

◀ آقا من قول می‌دهم اگر دکتر شدم روزهای سه‌شنبه را مجانی ویزیت کنم. (امیرحسین اصغری)

◀ قول می‌دهم نمازم را اول وقت خوانده و ذره‌ای موهابم پیدا نشود. (فهیمة سادات سید سجادی)

◀ قول می‌دهم تا آخرین دقایق زندگی و تا آخرین قطره خون خود، دست از ولایت فقیه و آرمان‌های ایشان که همانا زمینه‌سازی ظهور است، برندارم. (زینب اصغری)

◀ قول می‌دهم دیگر به پدر و مادرم بی‌احترامی نکنم. (علی‌اکبر چگینی، کرج)

◀ قول می‌دهم که تمام سعی خود را بکنم تا امروزم همانند دیروزم نباشد و در غفلت به سر نبرم. (مهناز شکرپور)

◀ پسر زهرای مرضیه! اکنون با شما عهد می‌بندم و از شما می‌خواهم که مرا یاری کنی که بتوانم در عهد خویش با شما پایبند باشم که هر روز صبح با نام و یاد شما دعای عهد را زمزمه کنم شاید که بتوانم با یادت لحظاتم را بی‌گناه سپری نمایم؛ دعاگوی ما باش. (سید مصطفی میرامین‌احمدی)

◀ کارهای خطای گذشته که با اعتقادات و مذهب ما هماهنگی نداشته را تکرار نکنم و سعی کنم که پدر و مادرم از من رضایت کامل داشته باشند. (مهسا دستگیرزاده)

◀ نمازهایم را سر وقت و اول وقت بخوانم. (جواد حیدری)

◀ قول می‌دم تا کاری کنم وقتی اومدی شرمندۀ رویت نباشم! (پوران صادقیان)

یک طواف سر کوی ولی حق کردن

به زصد حج قبول به دیوان بردن

ایستادن نفسی نزد مسیحا نفسی

به زصد سال نماز است به پایان بردن^(۳۰)

آری هنگامی که حضرت در مراسم حج حضور می‌یابد، و به طور طبیعی به اعمال حج مشغول می‌شود، قطعا در عرفات حضور دارد؛ چرا که وقوف در عرفات واجب و از ارکان حج است.

آیت‌الله جوادی آملی در این مورد می‌نویسد: «از اسرار وقوف در این سرزمین، آن است که عموم مردم و گنه‌کاران، با اولیای الهی ارتباط پیدا کنند و به برکت حضور آنان، مشمول رحمت الهی قرار گیرند، همان طور که در سیر نزول، اولیای الهی واسطه فیض‌اند، در قوس صعود نیز اینان واسطه ترقی و کمال انسان‌اند. وجود مبارک حضرت بقیه‌الله عج هر سال در مراسم حج و به‌ویژه در عرفات و منا حضور دارند... همچنین بسیاری از تربیت‌یافتگان و شاگردان خاص آن حضرت در میان حج‌گزاران حضور دارند و به مدد عنایت خاص حضرتش از ملکوت افراد آگاهی می‌یابند»^(۳۱).

شایان ذکر این‌که، اگرچه ممکن است مشکلات برخی زائران، ناخودآگاه به برکت امام زمان عج حل شود، ولی چنین نیست که هر عمل خارق عادت و کرامتی - که در ایام حج و در سرزمین منا و عرفات روی داد - مستقیما به دست وجود مبارک آن حضرت انجام گیرد. ممکن است ناآشنا یا سالمندی خیمه یا چادر خود را گم کند و یا در بین راه بدون زاد و راحله بماند، و یکی از اولیای الهی که تربیت شده مکتب ولایت ولی عصر عج است او را راهنمایی کند. پس این شخص گرفتار، با واسطه به خدمت آن حضرت رسیده است نه بدون واسطه.^(۳۲)

*. معاونت آموزش مرکز تخصصی مهدویت.

۱. علل الشرایع، ج ۲، ص ۱۷۳، المحاسن، ج ۲، ص ۶۵.

۲. صهبای حج، ص ۳۴۶.

۳. تاریخ و آثار اسلامی، ص ۱۷۷؛ فرهنگ نامه اسرار و معارف حج، ص ۱۹۷؛ به نقل از تفسیر نمونه ج ۲، ص ۶۰.

۴. تاریخ و آثار اسلامی، قائلان، ص ۱۷۷.

۵. سوره طه/۷. صهبای حج، ص ۴۱۶.

۶. همان.

۷. المراقبات، ج ۲، ص ۲۲۵.

۸. بحار الانوار، ج ۹۹، ص ۳۷۴. برگرفته از هدف خلقت، سید ابوالحسن مهدوی، ص ۱۷۰.

۹. نورالقلین، ج ۵، ص ۴۹۱.

۱۰. مفاتیح الجنان.

۱۱. همان.

۱۲. سوره یس/۱۲.

۱۳. مفاتیح الجنان.

۱۴. علل الشرایع، ص ۹. برگرفته از هدف خلقت سید ابوالحسن مهدوی، ص ۵۹.

۱۵. سوره مائده/۳.

۱۶. ر.ک: به الدر المنثور سیوطی و تفسیر عیاشی ذیل آیه و المیزان ج ۵، ص ۱۷۸ و ص ۲۰۹.

۱۷. مائده/۶۷. فرهنگ نامه اسرار و معارف حج، ص ۲۰۲.

۱۸. کافی، ج ۱، ص ۳۳۷-۳۳۸.

۱۹. من لایحضره الفقیه، ج ۲، ص ۵۲۰.

۲۰. فرهنگ نامه اسرار و معارف حج، ص ۲۰۳.

۲۱. صهبای حج، ص ۴۳۳-۴۳۴.

۲۲. همان.



یک طواف سر

کوی ولی حق

کردن/

به زصد

حج قبول به

دیوان بردن



اولین حضور در مسجد و نماز امام زمان

● علی شریعتی

مردمی که دسته دسته در حال ورود و خروج به مسجد بودند. به حضرت سلام می دادند. اشک می ریختند، سخت متأثر شده بودم، عظمت و معنویت این مکان حالم را دگرگون کرده بود. وارد محوطه بزرگ شبستان مرکزی مسجد شدم. افرادی را با روپوش سرمه‌ای رنگ با سنین بین ۱۸ تا ۶۰ سال می دیدم که با عشق و محبت و با ادب و احترام، مردم را راهنمایی می کردند. ناگهان جمله‌ای که بالای سر در مسجد نوشته شده بود، نظرم را جلب کرد. «هر کس در این مسجد دو رکعت نماز بخواند مثل این است که در مسجدالحرام نماز خوانده است».

حال عجیبی داشتم. حس می کردم در مسجدالنبی هستم، در گوشه‌ای از شبستان دو رکعت نماز تحیت خواندم. پس از آگاهی از طریقه خواندن نماز امام زمان علیه السلام، آن دو رکعت را شروع کردم. در رکعت اول وقتی در حال گفتن «إِيَّاكَ نَعْبُدُ وَإِيَّاكَ نَسْتَعِينُ» بودم به یاد امام سجاد علیه السلام افتادم که این آیه را با گریه در نماز تکرار می کرد. پس از نماز به این فکر افتادم که راستی چرا زائر این مسجد باید در هر رکعت صد مرتبه این آیه را تکرار کند که: «خدایا تنها تو را می پرستیم و تنها از تو یاری می جوییم» و چرا اسم این نماز، نماز امام زمان علیه السلام است؟ به این نتیجه رسیدم که یار واقعی آقا کسی است که جز خدا برای خود معبودی نگیرد و از غیر او پرهیز کند و فقط دست نیاز به سوی او دراز کند. آوای ملکوتی اذان مغرب در همه جا پیچیده بود. الله اکبر، الله اکبر... آری! راستی که فقط خدا بزرگ‌تر است و هر چیز غیر او کوچک است و حقیر.

پس از اقامه نماز جماعت و مراسم دعای توسل و گوش دادن به سخنرانی یک روحانی، با خرید چند جلد کتاب به سوی اتوبوس حرکت کردم. وقتی که اتوبوس به سمت حرم حضرت معصومه علیها السلام می رفت به سخنان آن روحانی فکر می کردم که می گفت: «ما باید در زمان غیبت، کاری کنیم که زمینه ظهور فراهم شود. از مبارزه با خود گرفته تا مبارزه با آلودگی‌ها و نادرستی‌های جامعه. باید زمینه را آماده کرد تا ظهور منجی عالم تحقق یابد. باید موانع را از مسیر ظهور حضرت برداشت، نه این که خود موانعی ایجاد نموده و سنگ راه او باشیم».

اتوبوس در حال بازگشت بود و من هنوز در حال و هوای دیشب بودم. یکی از بچه‌های مسجد گفت: من که هفته دیگر هم می‌آیم. دیگری گفت: گویا این اردوی بچه‌های مسجد هر هفته انجام می‌شود و از طریق مساجد محل است. در حالی که به او نگاه می کردم، لبخندی زدم و با آرامش به صندلی تکیه دادم.

داشتم نزدیک می‌شدیم. از دور گنبد و گلدسته‌ها و چراغ‌های مسجد نمایان بود. با نزدیک شدن اتوبوس به مقصد، مردم پی‌درپی صلوات می‌فرستادند. پشت سر من، آقای با بغل دستی‌اش مشغول صحبت بود. همان طور که بیرون را نگاه می‌کردم شنیدم که می‌گفتند:

– محال است من به قم بیایم و سری به مسجد مقدس نزنم... خیلی چیزها درباره‌اش می‌گویند. از کرامات و معجزاتش...
– بله... قربان وجود مقدسش! یادش به خیر قدیما با چه مشقتی می‌آمدیم!

من – که اولین بار بود به مسجد مقدس جمکران می‌آمدم – نمی‌دانستم دقیقا به چه جور جایی نزدیک می‌شویم. در برخی کتاب‌های مهدوی مطالب زیادی در مورد کرامات آقا در این مسجد مقدس خوانده بودم. دلم می‌خواست حرکت اتوبوس تندتر می‌شد تا زودتر به مقصد برسیم. از بغل دستی‌ام پرسیدم: شما تا به حال به این مسجد آمده‌اید؟ گفت: بار سوم است که با کاروان از کرج می‌آیم. شما چطور؟

– اولین بار است که می‌آیم.

– خدا قبول کند.

– ممنونم. از شما هم همین طور.

اتوبوس از جاده کاشان به سمت جاده مسجد مقدس پیچید. گنبد سبز و گلدسته‌های نورانی هر لحظه نمایان‌تر می‌شدند. به محوطه خارجی مسجد رسیدیم. من محو تماشای مسجد بودم که معلوم بود به تازگی عمارت قدیمی آن را وسعت داده‌اند. قبل از سفر، درباره تاریخ این مسجد مطالعه کرده بودم. در حدود ۱۱۰۰ سال پیش یکی از شیعیان به نام «حسن بن مثله جمکرانی» – که اهل روستای جمکران در حوالی قم بود – این مکان مقدس را به دستور آقا امام زمان علیه السلام بنا کرد... .

در زوایای ذهنم به جست‌وجو پرداختم. نمایی مبهم از مسجد کوچکی که اول ساخته شده بود، به خاطر آمد و آرام آرام به مسجد بزرگ فعلی تبدیل شد. در همین فکرها بود که با ترمز اتوبوس و صدای راننده به خود آمدم.

– برادر! خواهش! التماس دعا، بعد از مراسم، قرارمون همین جا، به سلامت، خوش آمدید... .

با فرستادن صلوات، یکی یکی از اتوبوس پیاده شدیم. همراه با دیگر مسافران به سمت در ورودی مسجد حرکت کردم. با دیدن



تَرکِ گناه

رَمزِ ارتباطِ معنوی با حضرت مهدی

● حجت سنایی

اثرات تقوا و اعمال صالح، کم‌کم و به آرامی صورت می‌پذیرد، شاید سال‌ها طول بکشد تا چنین حالاتی در انسان در اثر گناه ایجاد شود؛ از این‌رو شخص گناه‌کار متوجه نمی‌شود که با خود چه می‌کند؟^(۱)

استمرار گناه باعث ایجاد حالاتی در آدمی می‌شود که هر چند نمی‌توان به‌طور دقیق‌تر مراحل و ترتیب آنها را بیان و بر همه افراد تطبیق نمود، اما این حالات مشابه و در غالب گناه‌کاران کم و زیاد مشهود است. از خطرناک‌ترین این حالات در اثر تکرار گناه، به‌وجود آمدن حالت «شک» در مسائل اعتقادی و دینی، همچون توحید، معاد، نبوت و قرآن است که البته در ابتدا چون شخص هنوز با ایمان است او را آزار می‌دهد. آزار دهنده‌تر از آن این که این شک با استدلال و مطالعه کتاب برطرف نمی‌شود؛ از این‌رو شخص آلوده به گناه، به این در و آن در می‌زند تا آتش شک را در قلبش خاموش کند، اما نمی‌تواند. تنها راه اصلاح از این نوع شک آزار دهنده، ترک معصیت است و الا کم‌کم این شک به گونه‌ای در قلب تثبیت می‌شود که نتیجه آن، انکار اعتقادات خواهد بود.

همه ما کم و بیش با مفهوم گناه و اثرهای آن تا حدودی آشنا هستیم. گناه - که همان تخلف از دستورهای الهی است - اثرات ویرانگری بر دنیا و آخرت انسان داشته و موجودیت و هویت معنوی او را به شدت متزلزل می‌کند. این اثرات در کتاب‌های اخلاقی نوشته شده که مطالعه آن پر سود است؛ اما در این مقاله از دو جهت به گناه و اثر آن پرداخته می‌شود: اول؛ اثر گناه بر قلب و بنیان اعتقادی انسان و دوم؛ اثر گناه بر رابطه معنوی با امام عصر^(ع).

■ اثر گناه بر قلب و اعتقاد انسان

از میان تمام آثار معاصی، مخرب‌ترین و خطرناک‌ترین اثر گناهان، اثری است که بر قلب یعنی مرکز ادراکی و اعتقادی انسان و جایگاه محبت الهی گذاشته می‌شود و باعث فساد و سرنگون شدن قلب می‌گردد. استمرار بر گناه باعث ایجاد حالاتی در انسان می‌شود که منشأ این حالات، تحول و دگرگونی قلب است. پیشاپیش بر این مطلب اصرار داریم که چون اثرات گناه، مانند



مخرب‌ترین و خطرناک‌ترین اثر گناهان، اثری است که بر قلب یعنی مرکز ادراکی و اعتقادی انسان و جایگاه محبت الهی گذاشته می‌شود و باعث فساد و سرنگون شدن قلب می‌گردد.



■ اثر گناه بر ارتباط معنوی با امام عصر (عج)

در حدیث شریفی از امام عصر (عج) آمده است: «آنچه باعث تأخیر افتادن دیدار ما با شیعیان ما می‌شود، اعمال ناشایست آنهاست. پس باید هر یک از شیعیان از اعمالی که باعث ناراحتی ما می‌شود دوری کنند».

علاوه بر آن توصیه بزرگان اخلاق، برای تحصیل رضایت حضرت ولی عصر (عج)، دایر مدار ترک گناه است. حضرت آیت‌الله بهجت (ره) می‌فرمود: «ترک واجبات و ارتکاب محرمات حجاب و نقاب دیدار ما از امام زمان (عج) است»^(۶) و در جواب این که چگونه می‌توان رابطه خویش را با اهل بیت (ع) و محضر صاحب العصر (عج) تقویت کنیم، فرمود: «اطاعت و فرمان برداری از خدا بعد از شناخت او».^(۷) همچنین مرحوم آیت‌الله حسن صافی اصفهانی می‌فرمود: «کسی که واقعا در مسیر تقوا [ترک گناه] قرار بگیرد، محال است که امام زمان (عج) به او علاقه نداشته باشد و با او ارتباط برقرار نکند، [این امر] حتمی و قطعی است»^(۸) شکی نیست که رابطه با امام عصر (عج) و رضایت حضرتش و حتی تشریف به محضر ملکوتی ایشان را فقط باید در ترک گناه جست‌وجو کرد.

■ راهی برای ترک گناه

حال که این قدر گناه اثرات بسیار بدی بر روح و جسم آدمی می‌گذارد، باید به سراغ راه‌های ترک گناه رفت. از مهم‌ترین راه‌های ترک گناه - مطابق با روایات و توصیه‌های علمای اخلاق - یاد مرگ است، اما این امر باید مرتب و مداوم باشد، زیرا ائمه اطهار (ع) فرمودند: «أَحَبُّ الْأَعْمَالِ إِلَى اللَّهِ عَزَّوَجَلَّ مَا دَوَّمَ الْعَبْدُ عَلَيْهِ وَانْ قَلَ»^(۹) این عمل مؤثر باید هر شب و در موقع خواب انجام شده و ادامه پیدا کند. یاد مرگ، دآوری بسیار قوی برای اصلاح قلب و رفع اثرات گناه است.

عاشق دیدار امام زمان (عج)، اگر حقیقتاً به دنبال مطلوب خود هست، باید به دنبال این مطلب باشد و اسباب گناه را از خود دور کند و ابزار انجام گناه مثل فیلم‌ها، عکس‌ها و آلات موسیقی مبتذل و قمار، رفیق بد و دعوت کننده به گناه را از خود دور نماید. هر شب مرگ و مسائل بعد از مرگ را یاد کرده و جهت سهولت در کار، کتاب‌هایی درباره مرگ و معاد و عواقب گناهان را مطالعه نماید و از خدا و اهل بیت (ع) با گریه و تضرع بخواهد تا کم‌کم اثر گناهان از قلبش زوده شده و میل به گناه در وی آن قدر ضعیف شود که شخص بر هوای نفسش غالب گردد، چرا که این امر، همان رضایت امام زمان (عج) و نقطه اتصال به آن حضرت است.

از دیگر آثار ویران‌گرانه گناه، پذیرش آسان شبهات و قبول نکردن جواب استدلالی به آن می‌باشد. البته نه این که نمی‌پذیرد، بلکه قلبش نمی‌تواند بپذیرد. به عنوان نمونه وقتی بر شخصی درباره یکی از مسائل مهدویت شبهه‌ای وارد می‌شود، سریعاً تشویشی در قلب او به وجود می‌آید که نکند راست باشد. اما هنگامی که به این شبهات، پاسخ‌های مستدل داده می‌شود بر دلش نمی‌نشیند، زیرا درمانش فقط ترک گناه است.

از اثرات دیگر مخرب گناه در گناه‌کار، جبهه‌گیری در مقابل حق و اهل حقیقت و دفاع از باطل و اهل باطل است؛ گرچه نمی‌توان در همه افراد این حکم را جاری کرد، ولی گاهی دیده می‌شود که شخص گناه‌کار به امام معصوم (ع) و افعال وی اشکال دارد، اما از دشمنان وی دفاع می‌کند. و بدتر از آن این که در قلبش، نسبت به دشمنان اهل بیت، محبت دارد! گاهی هم می‌فهمد و از این نوع محبت‌ها در قلبش به ترس می‌افتد، ولی نمی‌داند ریشه آن از کجاست و چه باید بکند، نمی‌داند که باید گناه را کنار بگذارد تا قلبش درمان شود. به بهانه فهم دین به کارهای پیامبر اکرم (ص) و امیرالمؤمنین (ع) و سایر معصومین (ع) چون و چرا می‌کند، اما نسبت به نویسندگان منحرفی مثل صادق هدایت، اشکالی ندارد و بلکه دفاع می‌کند.

از دیگر آثار خانمان سوز گناه، بی‌علاقگی و بی‌حوصلگی نسبت به عبادات و مساجد و اماکن مذهبی است که در بعضی مواقع با پیدا شدن سؤال‌هایی مثل این که فلسفه نماز خواندن چیست؟ چرا باید نماز بخوانیم؟ روزه گرفتن ما چه فایده‌ای برای خدا دارد و نظایر آن بروز می‌کند. البته گاهی هم این سؤال‌ها برای فهم حکمت و پابندی بیشتر به فرایض الهی پرسیده می‌شود. از آن طرف علاقه به لهو و لعب و بازی و افراط در شوخی و خنده در آنها زیاد می‌شود. انکار و مسخره کردن معاد و نبوت و مؤمنین و حرف‌هایی از این قبیل که: از کجا معلوم که بعد از مرگ خبری باشد و این خرافات آخوندهاست نیز از آثار دیگر گناه است. آیاتی نظیر آیه «ثُمَّ كَانَ عَاقِبَةُ الَّذِينَ أَصَابُوا السُّوْأَى أَنْ كَذَّبُوا بِآيَاتِ اللَّهِ وَكَانُوا بِهَا يَسْتَهْزِئُونَ»^(۱۰) سپس سرانجام کسانی که اعمال بد مرتکب شدند به جایی رسید که آیات خدا را تکذیب کردند و آن را به مسخره گرفتند! و نیز آیه «كَلَّا بَلْ رَانَ عَلَى قُلُوبِهِمْ مَا كَانُوا يَكْسِبُونَ»^(۱۱) چنین نیست که آنها می‌پندارند، بلکه اعمالشان چون زنگاری بر دل‌هایشان نشسته است! و یا آیه «فَإِنَّهَا لَا تَعْمَى الْأَبْصَارُ وَلَكِنْ تَعْمَى الْقُلُوبُ الَّتِي فِي الصُّدُورِ»^(۱۲) چرا که چشم‌های ظاهر نابینا نمی‌شود، بلکه دل‌هایی که در سینه‌هاست کور می‌شود. که در قرآن کریم آمده، بیان گر همین نکته مهم است.

در بسیاری از روایات نیز به موضوع مورد بحث تصریح شده است، به گونه‌ای که در یکی از سخنان امام صادق (ع) آمده است: «به جان خودم سوگند که مردمان نادان و خدانشناس را خدا نادان نیافریده است. آنان دلالت‌های آشکار و نشانه‌های روشن را در آفرینش خود می‌بینند و ملکوت آسمان‌ها و زمین و آفرینش شگفت‌آوری را که در کمال نظم است و بر وجود آفریدگار دلالت دارد، مشاهده می‌کنند، اما مردمانی هستند که درهای گناهان را بر خود گشوده و راه شهوت‌ها را بر خویش هموار کردند و در نتیجه هواهای نفس به دل‌هایشان چیره گشت و به سبب ستمی که بر خویش روا داشتند شیطان بر ایشان مسلط گشت و خدا این چنین به دل‌های متجاوزان مهر می‌نهد»^(۱۳).



تنها راه

اصلاح از این

نوع شک آزار

دهنده، ترک

معصیت است

و الا کم کم

این شک به

گونه‌ای در

قلب تثبیت

می‌شود که

نتیجه آن،

انکار اعتقادات

خواهد بود.



۱. از آن سو، چون اثرات تقوا و مستحبات تدریجی است، لذا غالباً انسان استقامت خود را از دست می‌دهد. به همین جهت قرآن و روایات بر استقامت تأکید ویژه دارند.
۲. سوره روم/ ۱۰.
۳. سوره مطففین/ ۱۴.
۴. سوره حج/ ۴۶.
۵. بحار الانوار، ج ۳.
۶. در محضر بهجت، ج ۱.
۷. به سوی محبوب.
۸. شوق وصال.
۹. اصول کافی، ج ۲، ص ۸۲.



ازدواجی



زندگی که
بنیان آن بر
اساس تقوا
و عبادت
الهی باشد،
شروع آن،
اتفاق در راه
خدا باشد و
معیار و ملاک
آن، تفاهم
در طاعة الله
باشد، جز این
نخواهد بود
که فرزندان
آن معصوم
باشند.



تحت لوی محمدی علیه السلام و با قلبی مملو از عشق علی و فاطمه علیهم السلام در پیشگاه ربّ سبحان، مجلسی در روی فرش به اذن او آراستیم که نورش، عرش را مزین ساخته و فرشتگان، فوج تکبیرگویان و تهلیل‌گویان مجلس را آراستند.

پیامبر، دست یگانه دختر و پاره تنش فاطمه زهرا را در دستان گرم و پر از محبت علی بن ابی طالب علیه السلام قرار می‌دهد و تا خانه علی علیه السلام آنان را همراهی می‌کند. گرچه خانه‌ای کوچک است، اما سرشار از ایمان، اخلاص، عشق به پروردگار و عبودیت، چونان تالاری است که با نور خدا و عشق به عبادت و اتفاق در راه خدا تزئین شده است.

فردای آن شب، پیامبر به دیدار آنان می‌شتابد و دیده به دیدار دختر و داماد عزیزش منور می‌سازد. پس از اندکی درنگ رو به علی علیه السلام نموده، می‌فرماید: «علی جان! همسرت فاطمه علیها السلام را چگونه یافتی؟» علی علیه السلام جواب می‌دهد: «نعم العون علی طاعة الله؛ بهترین یاور برای اطاعت خدا». سپس رو به فاطمه علیها السلام کرده و همین سؤال را می‌پرسند، ایشان در جواب فرمود: «خیر بعل؛ خداوند بهترین شوهر را نصیب من کرده».^(۱)

آری زندگی که بنیان آن بر اساس تقوا و عبادت الهی باشد، شروع آن، اتفاق در راه خدا باشد و معیار و ملاک آن، تفاهم در طاعة الله باشد، جز این نخواهد بود که فرزندان آن معصوم باشند و جانشین بر حق رسول خدا صلی الله علیه و آله همان خیر کثیری که خدا در سوره کوثر مژده‌اش را به پیامبر نوید داده بود و مهدی اُمت که اسلام، دین مرضی خدا را در عالم بر پا خواهد کرد از نسل علی مرتضی علیه السلام و فاطمه زهرا علیها السلام باشد که بالاترین هدف او از ظهور، تحقق عبودیت و بندگی خالصانه خدا در سراسر گیتی است. طبق آیه ۵۵ سوره نور، که خداوند وعده خلافت صالحان را می‌دهد و سخن از تمکین دین و برقراری امنیت مطلق به میان آورد، در نهایت هدف او از ظهور حضرت را «بعیدونی لایشرکون بی شیئا»^(۲) ذکر می‌کند. با توجه به آیه و تغییر لحن کلام در آخر آیه که به صورت متکلم بیان می‌شود و نیز جمله «لایشرکون بی شیئا» دلالت دارد بر این که در آن زمان خبری نه از شرک جلی و آشکار خواهد بود و نه از شرک خفی و پنهان، مانند ریا، خودپرستی و ...، بلکه توحید، معنویت و اخلاص حاکم خواهد شد.

از این رو همیشه باید سعی و تلاش کنیم تا با زمینه‌سازی هرچه بیشتر برای گسترش معرفت و عبودیت خدا در خود و جامعه خویش، امام زمانمان را برای رسیدن به این آرمان و هدف مقدس یاری کنیم تا زمینه ظهور فراهم شود.



اینگونه

• م. جوشقانی نائینی*

لذا برای اصلاح جامعه و تحقق عبودیت خالصانه و رسیدن به این هدف مقدس، نخست باید از خانه شروع کرده و خانواده را با افکار علوی، فاطمی و مهدوی تربیت کنیم. در این راستا بهترین خانواده و الگویی که می‌توان نام برد، خانواده علی (علیه السلام) و فاطمه (علیها السلام) است، زیرا مصداق و معیار فرد فرد این خانواده «علی طاعة الله» است و در سراسر زندگیشان کاملاً مشهود است.

خانواده‌های امروزی به جای این که در تربیت فرزندان خود از مشکلات و گرفتاری زمانه شکایت کنند و از بار عظیم مسئولیتی که دارند، شانه خالی کنند، باید الگوی خود را چنین خانواده‌ای که سرشار از محبت خداست قرار داده، زیرا خود امام زمان (عج) که آخرین سلاله و ذخیره پاک خاندان پیامبر (ص) علی (علیه السلام) و فاطمه (علیها السلام) می‌باشد، می‌فرماید: «و فی ابنة رسول الله (ص) لی اسوة حسنة»^(۱) دختر رسول خدا (ص) برای من اسوه و الگویی نیکو است» وقتی مادر، اسوه و الگوی فرزند باشد، قطعاً پدر نیز بالاترین الگوست و به دنبال آن فرزندانی هم که در دامان این چنین پدر و مادر مهربانی پرورش یافته‌اند بهترین الگو می‌باشند.

پس اگر این خانواده الگوی نیکوی حضرت مهدی (عج) باشد، قطعاً الگوی یاوران حضرت مهدی هم می‌تواند باشد که در زندگی خود از مهریه‌ها، جهیزیه‌های سنگین، چشم هم چشمی‌ها، تجمعات و مد و مدگرایی بهره‌مند و از این که رضایت مردم را به جای رضایت خدا جلب کنند، جدا اجتناب نمایند و در عوض مانند اسوه خود، اهل ایثار، انفاق در راه خدا، عفو و گذشت و اهل عبادت باشند، تا فرزندان نیز مانند پدر و مادر در راه خیر قدم بردارند.

بنابراین بر خانواده‌ها لازم است تا با استفاده از قرآن و راهنمایی‌های ائمه معصوم و از جمله امام زمان (عج) که به اعلی درجه معرفت و عبودیت حق نایل گشته‌اند، به مبارزه با مشکلات و گرفتاری‌ها که ریشه در تهافت فرهنگی دارند پرداخته و در مسئولیت خطیر تربیت فرزند که خداوند بر عهده هر پدر و مادری نهاده، طبق گفتار و رفتار آنان - که مطابق هر عصر و زمانی است - فرزندانمان را به سر منزل مقصود رسانده، تا خانواده‌ای موفق و کارآمد و یارانی نستوه و مقاوم برای امام زمان و تشکیل دولت مهدوی تربیت کنند.

* پژوهشگر مباحث مهدویت.

۱. بحار الانوار، ج ۴۳، ص ۱۱۷.

۲. آن چنان که تنها مرا می‌پرستند و چیزی را شریک من نخواهند ساخت.

۳. الغیبه طوسی، ص ۲۸۶، ج ۲۴۵.



برای اصلاح

جامعه

و تحقق

عبودیت

خالصانه و

رسیدن به

این هدف

مقدس،

نخست باید

از خانه

شروع کرده

و خانواده

را با افکار

علوی، فاطمی

و مهدوی

تربیت کنیم.



شمس الشموس

در تنگنای ثانیه‌های اضطراب و درد و هیاهو
دامن نجمه خاتون سبز می‌شود
رایحه عطر علوی، آغوش زمان را سرشار می‌کند
و زمین متبرک می‌شود به گام‌های راستین هشتمین ماهتاب عالمتاب
پدر، کام نور را میهمان آب فرات می‌کند
و تاریخ می‌نویسد
شهادت مردی که فرزندش
حجت خداوند است



به نام نامی کوثر، به نام نامی حیدر

آب و آینه و گلاب
عطر و نقل و نبات بیاورید
رسول مهربانی، خطبه شیدایی علی ابن ابی طالب (علیه السلام) را سروده است
ملائک زمین را گل باران کرده‌اند
عرشیان جشن و سرور و پایکوبی گرفته‌اند
زیباترین پیوند آسمانی زمین
میان نگاه عاشقانه علی (علیه السلام) و فاطمه (علیه السلام) بسته می‌شود
و عروس‌ترین عروس عالم راهی خانه بخت
راهی خانه امیرالمؤمنین می‌شود



السَّلامُ عَلَیْكَ يَا عَلَمَ الرُّهْدِی

سرای جود و سخاوت مولایمان طعم دلواپسی گرفته است
چشمان حضرت بی تاب می‌کنند در میان دقایق آینه سان زمانه
صدای اذان گوش مردم شهر را نوازش می‌دهد
که پیام آور قدوم مردی است از قبیله آفتاب
از تیره مهتاب
آغوش سمانه مغربیه رنگ لبخند مادرانه می‌گیرد
عطر دلربای ولایت و امامت و هدایت، ظرف زمان و مکان را لبریز می‌کند
و زمین به نام مبارک امام هادی (علیه السلام) مزین می‌شود



پرنسپل

● راضیه مس فروش

دحو الارض

حکمت روزها را من نمی دانم
فقط اسم و رسمشان را آموختم
مثل امروز
دحو الارض
روزی که پهنه زمین با تمام عظمتش
از سایه سار کعبه گسترده می شود
روز میلاد مبارک ابراهیم خلیل الله
و عیسی روح الله
اما بهانه امروز من، تویی
حضرت عشق
حکمت امروز، زیر گام های توست
که زمین را فتح می کنی از کنار کعبه



جوان الاثمه ، جواد الاثمه

ماجرا، شربت و غذا و انگور زهر آگین نیست
که ریشه واژه ها را بسوزاند
حکایت کلام جانکاه جوانی است که قلب غربت را نشانه گرفته
وقتی فرج را در مرگش جست و جو می کند
آوار انسانیت در تاریکی زمانه فرو می ریزد
و کسی چه می داند
که امام جوادمان (علیه السلام) جام زهر را جام گشایش و رهایی نامیده است
نفرین به ظلمت، جور، ستم، بی مروتی
که شیعه را داغدار ابدی تاریخ کرده است



غریب تر از خورشید

شیعه باید تا ابد غربتی را یدک بکشد
که تاریخ درد واره های عالم را بی تاب کرده است
نشانه اش همین روزهای گمشده روزگار غیبت است
وقتی فرزندان نور در خاموشی مدینه چشم روی هم می گذارد
و شکافنده علوم رخ در نقاب خاک می کشد
از زهر دژخیمان خانمان سوز تباهی و نیرنگ
حالا حتی اگر گواهی مورخین نامدار بشریت رنگی نداشته باشد
بقیع فریاد می زند
سوز و گداز جانکاه ظلمی را که در ذره ذره این خاک جاری گشته است
تا آن روز که مردی بیاید و انتقام این بغض فرو خورده آسمان را از زمین بستاند





هالیوود امپریالیسم فرهنگی

• محمد شهبازیان *



امپریالیسم
فرهنگی
تلاش دارد
تا در ذهن
انسان به
عنوان ابزاری
برای تغییر
روابط قدرت
میان دو یا
چند دولت،
غلبه نماید و
آن را کنترل
کند.



«منظور ما از امپریالیسم فرهنگی، ظریف‌ترین نوع سیاست امپریالیستی است. هدف آن تصرف ارضی یا کنترل حیات اقتصادی نیست. امپریالیسم فرهنگی تلاش دارد تا در ذهن انسان به عنوان ابزاری برای تغییر روابط قدرت میان دو یا چند دولت، غلبه نماید و آن را کنترل کند. اگر بتوان تصور کرد که فرهنگ یا به طور خاص، ایدئولوژی سیاسی کشوری (همانند واحدهای غربی) با همه اهداف انضمامی امپریالیستی خود ذهن شهروندان برخی دیگر کشورها (همانند واحدهای جهان اسلام) را تسخیر نماید، در این شرایط، جهان غرب خواهد توانست به

زندگی دنیای امروز به شدت، سنگینی سایه رسانه‌های جهانی را در خود احساس می‌کند. انحصارات رسانه‌ای، تمامی روابط و مناسبات بشری، چه در دوران جنگ و چه در دوران صلح را متأثر از خود ساخته است. به یقین حوزه‌های فرهنگی و تعاملات سیاسی - اجتماعی جوامع بشری، بیش از دیگر حوزه‌ها تحت چنبره امواج الکترونیکی و سایبرنتیک قرار دارند.

در واقع امروزه رسانه‌های نظام سلطه جهانی مهم‌ترین محمل تحمیل سلطه فرهنگ لیبرالیستی و مهم‌ترین ابزار تهدیدات نرم فرهنگی هستند که امنیت فرهنگی، سیاسی و اجتماعی کشورهای مختلف را نشانه رفته‌اند. این پدیده که همان امپریالیسم فرهنگی است، چنین توصیف گردیده است:



موفقیت کامل تری برسد و بیش از هر فاتح نظامی یا ارباب اقتصادی، زمینه با ثباتی برای تفوق خود ایجاد کند. نقش امپریالیسم فرهنگی در دوران نوین، مکمل سایر روش‌هاست.^(۱) بی‌تردید یکی از قدرتمندترین ابزار، جهت امپریالیسم فرهنگی توسط غرب، رسانه‌های آمریکایی با محوریت صنعت فیلم‌سازی هالیوود می‌باشد. این موضوعی پذیرفته شده است که جهان بینی آمریکایی پیش از آن که از هر طریق دیگری مطرح شود، از طریق هالیوود منتشر می‌شود.^(۲) امروزه نظریات و تئزهای آن دسته از اندیشمندان غربی که تابع سیاست‌های دولت خود هستند، پس از بیان شدن توسط آنان، توسط رسانه و به ویژه هالیوود به جهان القا می‌شود و آن را به عنوان ایدئولوژی برتر مطرح می‌کنند.

اگر به تعبیر «پروفسور نوام چامسکی» نخستین کارکرد شرکت‌های بزرگ روابط عمومی، تبلیغات، سینما و تلویزیون، کنترل افکار است، پس باید در پس هر سکانس، تصویر و سخنی یک تز و ایدئولوژی نهفته باشد. چامسکی این تله رسانه‌های غربی را چنین توضیح می‌دهد: «در پس ظاهر بی‌طرفانه شرح مسائل اجتماعی - از طریق گزارش‌های تلویزیونی، تحلیل‌های سیاسی یا اخبار رادیو - پیش فرض‌ها و اصول ایدئولوژیکی‌ای نهفته است که وقتی آنها را افشا می‌کنیم، فرو می‌ریزند».^(۳) از اواخر دهه نود میلادی، رشد سریع تولیدات آخالزمانی از سوی اربابان صهیونیستی و رسانه‌های غربی، به ویژه هالیوود، اراده جدی اربابان دنیای جدید را برای آفرینش مدلی از آینده آشکار کرد.

بی‌شک، ظهور انقلاب اسلامی ایران، فرو پاشی شوروی، زوال قدرت آمریکا و رویکرد نوع بشر به معنویت و معنا و نگرانی‌هایی که بشر امروز بدان دچار آمده است، دلایل اساسی این تولیدهای رسانه‌ای برای دستگاه رؤیاسازی غرب (هالیوود) بود.^(۴) در الهیات دینی، آخالزمان را به سه مرحله تقسیم می‌کنند: - برهه اول، دوره پیش از ظهور منجی و دوره فتنه‌ها و

آشوب‌هاست.

- برهه دوم، عصر ظهور منجی و دوره نبرد خیر و شر است.
- برهه سوم، دوران پس از پیروزی حق بر باطل و عصر آرامش است.

هالیوود با استفاده از قدرت تصویرگری خود، آغاز به بهره برداری سیاسی و دینی (اما قدم به قدم و آرام) از این سوژه ناب نموده و مؤلفه‌های مورد نظر خود را در فیلم‌های مختلف به کار برده است. از جمله مؤلفه‌های به کار برده شده در فیلم‌های آخالزمانی از این امور می‌توان نام برد:

۱. نزدیک شدن به پایان دوران

تلاش رسانه‌های غربی در این است که قرار گرفتن در عصر پایانی زمین و پایان دوران را به مخاطبان خود القا کنند تا مخاطبان بیش از پیش به دنبال منجی و نجات بخش پایانی گشته و خود را نجات دهند. این مطلب در سال‌های اخیر به طور جدی با فیلم‌هایی مانند «بابل پس از میلاد»، «۲۰۱۲»، مستند «پیشگویی‌های نوستراداموس ۲۰۱۲» و... به نمایش درآمد. این پیام، مقدمه‌ای جهت معرفی منجی مورد قبول هالیوود به جهانیان در پایان دوران است.

۲. پر رنگ کردن نقش دولت آمریکا در نجات از مشکلات

از زمانی که استعمار جدید با رهبری آمریکا در دنیا شکل گرفت، سردمداران این کشور خود را ارباب و نجات بخش دنیا معرفی نموده‌اند. جان آدامز (جانشین جورج واشنگتن) در سال ۱۷۶۵ چنین می‌نویسد: «من همیشه تأسیس آمریکا را خواست خداوند برای راهی بشریت از بندگی و بردگی دانسته‌ام».^(۵) همچنین «نیکسون» دیگر رئیس جمهور دولت آمریکا ادعا می‌کند: «خدا با ملت آمریکاست. خواست خداوند این است که آمریکا رهبری دنیا را به دست بگیرد».^(۶)



اگر به تعبیر

«پروفسور

نوام

چامسکی»

نخستین

کارکرد

شرکت‌های

بزرگ روابط

عمومی،

تبلیغات،

سینما و

تلویزیون،

کنترل افکار

است، پس

باید در پس

هر سکانس،

تصویر و

سخنی یک تز

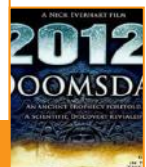
و ایدئولوژی

نهفته باشد.

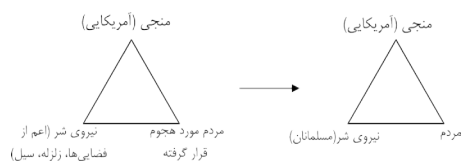




امروزه
کلیساهای
انجیلی
در آمریکا،
گسترش
الهیات
پروتستانی
خود را در
قالب تکیه
بر دولت
آمریکا دیده
و جهت تفوق
این آیین
در منطقه
خاورمیانه
به رؤسای
جمهور آمریکا
متوسل شده
و جسورانه
آنها را منتخب
خدا می دانند.



شروع نجات می دهند.
در گام بعدی این دشمن و عوامل شر مصداق عینی تر و انسانی
پیدا می کند که این افراد کسی جز چهره اسلامی و مسلمانان
نیستند



این القای تفکر در صدها فیلم و سریال هالیوودی خود را نشان
داده است؛ از آن جمله می توان به فیلم های «مجموعه دروغ ها»،
«۹۳ U»، «۲۴» و... اشاره نمود.
نکته آخر آن که لازم است نهادهای فرهنگی مرتبط به امور
رسانه ای با دادن تحلیل درست و به موقع و آگاهی بخشی سریع
به جامعه، تأثیرات ناخودآگاه این کارخانه فیلم سازی را از بین برده
و تفکر پس پرده ای فیلم ها را برملا سازند.

امروزه کلیساهای انجیلی در آمریکا، گسترش الهیات پروتستانی
خود را در قالب تکیه بر دولت آمریکا دیده و جهت تفوق این
آیین در منطقه خاورمیانه به رؤسای جمهور آمریکا متوسل شده
و جسورانه آنها را منتخب خدا می دانند: «در چنین دوره سرنوشت
سازی که شیطان به آمریکا ضربه زده، پیروان کلیسای انجیلی
معتقدند که جورج بوش منتخب خداست و در این حکمتی نهفته
است»^(۷)

از این رو هالیوود در فیلم های متعددی همچون، «آرماگدون»،
«اماگاد»، «مگیدو ۲»، «پیشگویی های مردی که فردا را دید»
و «۲۰۱۲» مغز متفکر و نجات بخش را رئیس جمهور و دولت
آمریکا دانسته و ابرمردهای دوران، به صورت یک چهره آمریکایی
مانند «آرنولد شوارتزنگر» معرفی می شوند. به گونه ای که آرنولد
خود را هم تراز با ابرمرد نیچه دانسته و می گوید: «فکر می کنم
پس از نیچه، من تنها کسی هستم که آوازه اش در کوه های آلپ
پیچیده است و من همان ابر انسانی هستم که نیچه از آن سخن
رانده است»^(۸)

۳. دشمن تراشی و دشمن بودن مسلمانان

دولت آمریکا ضعف های اقتصادی و انگیزه جنگ افروزی های
خود را در پس چهره دشمنی ترسناک و تروریست پنهان می کند،
و در میان ملت خود این احساس کاذب را پدید می آورد که هر
لحظه از طرف دشمنان ملت، مورد هجوم قرار می گیرند.
این تفکر و نظریه با توجه به مراحل ذکر شده از دوران آخرالزمان،
با شگردی خاص در هالیوود به تصویر کشیده شده است. در قدم
نخست، هالیوود پس از ترسیم مثلی که رؤوس آن (منجی،
کشور خیر و مورد هجوم و نیروهای شر) می باشد، در قالب
تصاویر القا می کند که شما (ملت) توسط عوامل فضایی و یا
طبیعی (سیل، آتش فشان، زلزله و...) مورد هجوم قرار گرفته اید
و در طی سکانس های مختلف، افرادی که توسط دولت آمریکا
انتخاب شده و مشخصاً آمریکایی هستند، دنیا را از این خطر و

*. فارغ التحصیل مرکز تخصصی مهدویت.

۱. هانس مورگنتا، سیاست میان ملت ها، ص ۱۱۴، به نقل از رویارویی غرب
معاصر با جهان اسلام، ابراهیم متقی ص ۳۷.
۲. محمد مهدی سمتی، عصر سی ان ان و هالیوود، ص ۲۹.
۳. دنیس رابرت، نگاهی انتقادی به سیاست آمریکا (گفتگو با نوام جامسکی)،
ص ۸.
۴. محمد حسنی، فرهنگ و رسانه های نوین، ص ۱۱۲.
۵. پروفیسور روژه گارودی، آمریکا ستیزی چرا؟، ص ۱۳.
۶. همان، ص ۱۴.
۷. ابراهیم متقی، رویارویی غرب معاصر با جهان اسلام، ص ۸۹.
۸. محمد حسنی، فرهنگ و رسانه های نوین، ص ۱۲۷.

اگر نبودند!

● محمدحسن دانش*

بزرگ‌ترین حمایت، هدایت و تصرف معنوی امام عصر^{علیه السلام} در جریان پیروزی انقلاب اسلامی رخ داد و نیز بعد از انقلاب شکوهمند اسلامی در جریان حادثه طبرس، کشف و خنثی شدن توطئه‌های ضد انقلاب و گروه‌های ملحد و وابسته، پیروزی در جنگ تحمیلی و هشت سال دفاع مقدس و ده‌ها توطئه دیگر کاملاً نمایان است.

پس از امام راحل و در زمان رهبری مقام معظم رهبری، پیروزی ملت همیشه در صحنه در حوادث ۱۸ تیر سال ۱۳۷۸ و شکست عوامل جیره خوار بیگانگان و همچنین پیروزی بزرگ در غائله بزرگ پس از انتخابات ۱۳۸۸ که با حمایت دشمنان خارجی هدایت می‌شد و صدها جریان دیگر که به برکت ارتباط معنوی رهبری با صاحب انقلاب که در خلوتها و جلوتها برقرار می‌شود و در سایه آن بزرگوار به‌وجود آمده و از این پس هم به‌وجود خواهد آمد، همه از عنایت ویژه آن حضرت به فقهای جامع الشرایط به ویژه ولی فقیه به عنوان «سنگربان دوران غیبت» می‌باشد؛ از این‌رو امام هادی^{علیه السلام} در وصف مدافعان جبهه حق و

«امای سنگربان» می‌فرمایند: «اگر در زمان غیبت امام قائم^{علیه السلام} عالمانی نبودند که دعوت کننده و راهنماکننده به سوبش باشند و با براهین الهی از دین او دفاع نمایند و بندگان مستضعف خدا را از دام ابلیس و اعوانش برهاند و از بند نواصب و دشمنان اهل بیت رهایی بخشند، همه مردم از دین خدا دست کشیده و مرتد می‌شدند، لکن این علماء، کسانی هستند که زمام قلوب شیعیان ضعیف ما را در دست داشته و مهار می‌کنند، همچون ناخدای کشتی که سکان آن را در دست دارد؛ آنها برترین افراد در پیشگاه خداوند عزوجل هستند»^(۱).

* دانش آموخته مرکز تخصصی مهدویت.

۱. رک: احتجاج طبرسی، ج ۲، ص ۴۹۵.

۲. رک: الکافی، کلینی، ج ۱، ص ۴۶.

۳. همان، ص ۳۸.

۴. رک: من لایحضره الفقیه، شیخ صدوق، ج ۴، ص ۳۸۴.

۵. رک: تهذیب الأحکام، شیخ طوسی، ج ۴، ص ۹۰.

۶. رک: بحار الأنوار، علامه مجلسی، ج ۱، ص ۲۰۱.

۷. همان، ج ۲، ص ۶ «لَوْ لَا مَنْ يَبْقَى بَعْدَ غَيْبَةِ قَائِمِنَا مِنَ الْعُلَمَاءِ الدَّاعِينَ إِلَيْهِ وَ الدَّالِّينَ عَلَيْهِ وَ الدَّابِّينَ عَنْ دِينِهِ بِحُجَجِ اللَّهِ وَ الْمُتَّقِذِينَ لَضَعَفَ عِبَادُ اللَّهِ مِنْ شَبَاكِ ابْلِيسَ وَ مَرَدَّتْهُ وَ مِنْ فَخَاخِ النَّوَاصِبِ لَمَا بَقِيَ أَحَدٌ إِلَّا ارْتَدَّ عَنْ دِينِ اللَّهِ وَ لَكُنَّ هَؤُلَاءِ الَّذِينَ يُمَسْكُونُ أَرْمَةً قُلُوبَ ضِعْفَاءِ الشَّيْعَةِ كَمَا يُمْسِكُ صَاحِبُ السَّفِينَةِ سُكَّانَهَا أُولَئِكَ هُمُ الْأَفْضَلُونَ عِنْدَ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ»

اگر هدایت امام را صرفاً در ارائه طریق به ره گم‌کردگان و پیران خلاصه کنیم، به خطا رفته و شأن حداقلی برای ولی خدا قائل شده‌ایم، نه این که اساساً چنین مقامی دون شأن امام باشد و یا چنین خواسته‌ای از سوی امام بی‌جواب بماند؛ خیر بلکه اگر از شئون حداکثری امام اطلاع حاصل کنیم و مقوله‌ای به نام «مراعات» - که امام در توقیع شریف فرمودند: «إِنَّا غَيْرُ مُهْمِلِينَ لِمُرَاعَاتِكُمْ وَ لَا نَاسِيْنَ لِدِكْرِكُمْ وَ لَوْ لَا ذَلِكَ لَنَزَلَتْ بِكُمْ الْأَوَاءُ وَ اضْطَلَمَتْكُمْ الْأَعْدَاءُ»^(۱) - بر ایمان قابل درک و فهم شود، معنا و مفهوم والا و بالایی می‌گیرد؛ از این رو دیگر آن را صرفاً در امور شخصی تفسیر و تأویل نمی‌کنیم، بلکه «مراعات امام» را در همه شئون فردی و اجتماعی و انسانی همه آحاد بشر جاری می‌دانیم؛ چه این که اگر ولی خدا با هدایت و راهنمایی از فرصت حضور والیان خویش به عنوان خواص جامعه استفاده ننماید، چه بسا جریان هدایت عوام نیز با اخلال جدی و اساسی روبه‌رو گردد و صد البته این هدایت را نباید به معنای دیدار و ملاقات با امام زمان^{علیه السلام} تعبیر نمود؛ زیرا غیر از طریق دیدار که نوعاً با محظورات شرعی مواجه است، طرق عقلی و معتبر دیگری برای هدایت وجود دارد.

تعییری که از رهبران معصوم، خاصه امام عصر^{علیه السلام} درباره فقها و مراجع تقلید رسیده است، از جایگاه رفیع و منبع آنان در نظر خداوند، پیامبر عظیم الشأن^{علیه السلام} و امامان معصوم^{علیهم السلام} خبر می‌دهد، همچون: «الْفُقَهَاءُ أُمَمَاءُ الرُّسُلِ»^(۲) و «الْفُقَهَاءُ حُصُونُ الْإِسْلَامِ»^(۳) و «الْفُقَهَاءُ وَرَثَةُ الْأَنْبِيَاءِ»^(۴) و «الْفُقَهَاءُ أَلَمَامُونِ مِنَ أَهْلِ وَلَايَتِهِ»^(۵) و «الْفُقَهَاءُ قَادَةُ وَ الْجُلُوسُ إِلَيْهِمْ عِبَادَةٌ»^(۶). از این تعبیر روشن می‌شود که همان وظایفی که از جانب خدای متعال بر عهده رهبران معصوم قرار داده شده است، عیناً به فقهای جامع الشرائط منتقل شده است و همان گونه که پیامبر مکرم اسلام^{صلی الله علیه و آله} و ائمه اطهار^{علیهم السلام} مورد عنایت و حمایت کامل خداوند بوده‌اند، فقهای دارای ولایت نیز مورد حمایت و عنایت کامل ائمه، به ویژه حضرت مهدی^{علیه السلام} بوده و هستند، از این رو ایشان در خط مقدم جبهه حق علیه باطل می‌رزمد و «سنگربان امین» امامت‌اند.

نمونه بارز عنایات و توجهات ویژه حضرت ولی عصر^{علیه السلام} به فقهای دارای ولایت مطلقه، امدادها و هدایت امام عصر^{علیه السلام} در طول سال‌های پر برکت حیات حضرت امام راحل عظیم الشأن رخ داد، مانند: هدایت و جهت دهی مبارزه امام^{علیه السلام} در دوران پر اختناق و تاریک پهلوی با قوانین استعماری کاپیتولاسیون و انجمن‌های ایالتی و ولایتی و نیز مبارزه بی‌امان با رژیم سفاک پهلوی و

علماء، کسانی هستند که زمام قلوب شیعیان ضعیف ما را در دست داشته و مهار می‌کنند.



مگر آنکه خود بخوانند

● محمود ابادری*

هنوز بیش از چند ماه از ماجرای غدیر خم نگذشته بود که منکران ولایت امیرالمؤمنین (علیه السلام) با یک مشکل جدی روبه‌رو شدند. آنان در رویارویی با سؤال‌ها و موضوع‌های جدید مطرح شده، پاسخ درخوری را از قرآن کریم نیافتند و چاره‌ای جز این ندیدند که به نظرات همه اصحاب پیامبر روی آورند و حتی همه دیدگاه‌ها و نظرات ضد و نقیض را به رسمیت بشناسند (مسئله تصویب).

امام علی (علیه السلام) در این باره می‌فرمایند: گاه مسئله و دعوی مطرح می‌گردد و قاضی به رأی خود در آن جا حکم می‌کند؛ سپس شبیه همان دعوا نزد قاضی دیگری عنوان می‌گردد؛ او درست بر خلاف اولی حکم می‌کند، پس آنها نزد پیشوایان که آنان را به قضاوت منصوب نموده گرد می‌آیند. او رأی آنها را تصدیق و تصویب می‌کند، در حالی که خدای آنها یکی و پیامبرشان یکی و کتابشان یکی است! آیا خداوند دین ناقصی فرستاده و در تکمیل آن از آنها کمک خواسته، یا این که آنها شریک‌های خدایند و حق دارند هر چه خواستند بگویند و بر خداوند لازم باشد رضایت دهد؟! یا این که خداوند سبحان دین کاملی فرستاد، ولی پیامبر در تبلیغ آن کوتاهی نموده است؟! حال آن که خدای سبحان می‌فرماید: «ما چیزی را در قرآن فرو گذار نکرده‌ایم». در قرآن بیان همه چیز آمده است.^(۱)

آری جدا نمودن غدیر از اسلام، همانند رها کردن نماز قبل از سلام و افطار کردن روزه قبل از وقت غروب است که تا نماز به سلام ختم نشود نماز شکل نمی‌گیرد و تا روزه به وقت افطار رسانده نشود، روزه‌ای معنا پیدا نمی‌کند و همه زحمت‌های قبلی به هدر خواهد رفت. ثامن الحجج حضرت علی بن موسی الرضا (علیه السلام) از پدرش و او از پدران‌ش از امام محمد باقر (علیه السلام) درباره آیه شریفه: «فِطْرَةَ اللَّهِ الَّتِي فَطَرَ النَّاسَ عَلَيْهَا» نقل می‌کنند که حضرت باقر (علیه السلام) فرمودند: «مراد از آن، لا اله الا الله، محمد رسول الله و علی امیرالمؤمنین است» و سپس اضافه می‌نمایند که «الی هاهنا التوحید».^(۲) یعنی وقتی پس از نبوت به ولایت ائمه: معتقد شدیم، توحید و اسلام شکل می‌گیرد.

آری غدیر یعنی اسلام کامل و در حقیقت کمال اسلام. غدیر نقطه اوج اسلام و غلبه آن بر همه ادیان و برافراشته شدن پرچم توحید ناب بر بام جهان، به دست توانای موعود امم بقیت الله الاعظم حضرت مهدی (علیه السلام) را در دل خود دارد که با در اختیار داشتن آن چه تا روز قیامت مورد نیاز بشر در عرصه هدایت و سعادت و تکامل باشد؛ عالم مرده به ظلم و تبعیض و فساد و به عدالتی را با نور عدالت، زنده می‌کند^(۳) و عبودیت خالص و پاک و منزّه از هرگونه شرک و آلودگی را در تمام زمین جاری می‌سازد.^(۴)

نبی اکرم اسلام (صلی الله علیه و آله) در غدیر خم در این باره فرمودند: «ای جماعت مردم، آگاه باشید من، بیم دهنده و علی (علیه السلام) هدایت کننده است. من پیامبرم و علی (علیه السلام) جانشین است. آگاه باشید



جدا نمودن
غدیر از
اسلام، همانند
رها کردن
نماز قبل از
سلام و افطار
کردن روزه
قبل از وقت
غروب است





همانا آخرین امام از ما حضرت قائم مهدی علیه السلام است. او غلبه کننده بر دین‌ها است (دین اسلام را بر همه دین‌ها غلبه می‌دهد). و او انتقام خون‌های اولیای خدا را می‌گیرد. بدانید او یاری رساننده دین خداست؛ بدانید او از دریای وسیع حقیقت و معرفت می‌نوشد و هر کس را به فراخور حال و استعداد و کردارش مقام و رتبه می‌دهد. او برگزیده و منتخب خداوند و وارث علوم انبیا و محیط بر آن علوم است. او صاحب عقل سلیم و ثبات در رأی و عمل است. پیامبران گذشته به آمدنش بشارت داده‌اند، او حجت باقی خدا است و پس از او حجتی نیست و حق تنها با اوست و نور تنها نزد او می‌باشد. او همیشه پیروز است و شکست در او راه ندارد. بدانید او ولی خدا در زمین و حاکم او در میان بندگان و امین به اسرار و ظواهر دین خداست»^(۵).

اکنون این پرسش مطرح است که این حقیقت، چه زمانی تحقق می‌یابد؟ پاسخ آن را به خوبی در کلام حضرت صدیقه طاهره علیها السلام می‌توان یافت. آن‌گاه که محمود بن لبید از ایشان سؤال کرد: «اگر پیامبر صلی الله علیه و آله صراحتاً علی علیه السلام را به عنوان جانشین خود معرفی نمود، چرا علی علیه السلام در خانه نشست و حق خود را نگرفت؟! حضرت زهرا علیها السلام فرمودند: از پدرم شنیدم که فرمود: «إِنَّمَا مِثْلُ الْإِمَامِ مِثْلُ الْكَعْبَةِ إِذْ تَوْتَى وَلَا يَأْتِي»^(۶) امام همانند کعبه است، همان‌گونه که مردم موظفند از راه دور و نزدیک هر کس می‌تواند نزد کعبه بروند و پروانه‌وار گرد آن طواف کنند، امت اسلام می‌بایست به سراغ امام بروند و از مقام و حریم امام دفاع کنند و پروانه شمع وجود او گردند و چون حضرت مهدی علیه السلام بقیت‌الله و آخرین امام و حجت الهی است، تا مردم حقیقتاً او را نخواهند و حرف و عملشان یکی نگردد و زمینه‌های آمدنش را فراهم ننمایند، خداوند متعال اذن ظهور آن حضرت را نخواهد داد، چرا که در قرآن فرمود: «إِنَّ اللَّهَ لَا يَغَيِّرُ مَا يَقُومُ حَتَّىٰ يُغَيِّرُوا مَا بِأَنْفُسِهِمْ»^(۷)؛ خداوند وضعیتی و سرنوشت هیچ امتی را تغییر نخواهد داد، مگر این که خود بخواهند. خواستنی نه از نوع خواست مردم مدینه از امام علی علیه السلام و مردم کوفه از امام حسین علیه السلام.

*. کارشناس و استاد مباحث مهدویت.

۱. نهج البلاغه، خطبه ۱۸.

۲. بحار الانوار، ج ۳، ص ۲۷۷.

۳. سوره حدید/ ۱۷.

۴. سوره نور/ ۵۵.

۵. احتجاج، ج ۱، ص ۶۳.

۶. بحار الانوار، ج ۳۶، ص ۳۵۳.

۷. سوره رعد/ ۱۱.



امام همانند
کعبه است،
همان‌گونه که
مردم موظفند
از راه دور
و نزدیک هر
کس می‌تواند
نزد کعبه
بروند و
پروانه‌وار
گرد آن
طواف کنند،
امت اسلام
می‌بایست
به سراغ امام
بروند و از
مقام و حریم
امام دفاع
کنند.





ما هم سربازیم؟!

● هدی مقدم*

خوب وقتی دیدیم که با ورود ما به منطقه عملیاتی، نیروها به صورت کاملاً منظم و آماده به رزم، در کنار یکدیگر می‌ایستند و با یک فرمان از مافوق خود، حاضرند به سخت‌ترین کارها، مانند عبور از حلقه آتش و موانع سخت، یا کمین و گشت شبانه در کنار میادین مین، دست بزنند؛ متوجه شدم آمادگی و مطیع‌اوامر بودن یعنی چه.

به عبارتی دیگر تازه متوجه شدم که سرباز به چه کسی اطلاق می‌شود و ما به تعارف خودمان را سرباز خطاب می‌کنیم! سرباز یعنی استقامت با امکاناتی اندک در شرایطی با سختی زیاد و همه این‌ها با روحیه‌ای که شرایط سخت و موانع را به زانو درمی‌آورد. سرباز یعنی برق شادی چشمانی که از دیدن فرمانده خود به هیجان و درخشش درآمده و سعی در نمایش اقتدار در پیشگاه فرمانده دارد تا گوشه‌ای از زحماتش را سپاس گفته باشد.

حالا فکر کنید آیا وقتی فرمانده و آقای ما بخواهد روزی سرزده از ما بازدید کند؛ نصف این مقدار آماده هستی؟ به احتمال قریب به یقین، خیلی از ماها می‌گوییم: ببخشید به لحظه اجازه بدید ببینم باید چیکار کنم! راستی فلانی تفنگ منو ندیدی؟ من الان باید کجا بایستم؟ اگر از من بپرسند از اسلحه‌ات چطور استفاده می‌کنی، چی باید بگم؟ اگر از ما گزارش بخواهند و بگویند در این مدت عملکرد خودتان برای ورزیدگی و استقامت شامل چه تمرینات و اقداماتی بوده؛ چه باید بگوییم؟ اگر...

بگذریم...

سفر ما به مناطق عملیاتی غرب کشور؛ بازدید بود از تمدنی که قدمت تاریخی‌اش، تاج افتخاری برای کشور عزیز ماست. تمدنی که بعد از گذشت شانزده قرن، هنوز نقوش زیبای حجاری شده

همیشه وقتی به محضر مقام معظم رهبری مشرف می‌شدیم؛ یک شعار ثابت ما این بود:

ما همه سرباز توایم خامنه‌ای

گوش به فرمان توایم خامنه‌ای

اما سفری که نیروی زمینی ارتش جمهوری اسلامی ایران برای خبرنگاران تدارک دیده بود؛ دید مرا در باره امر مقدس سربازی و گوش به فرمانی و تابع فرامین بودن؛ به اندازه‌ای عمیق و وسیع کرد که دیگر به راحتی این دو واژه را به زبان نخواهم آورد.

به هر حال دیدن روحیه سلحشوری مرزبانانی عاشق در خطوط ناامنی که همجوار یکی از ناامن‌ترین کشورهای دنیا است (عراق)؛ توفیقی بود که در آستانه هفته دفاع مقدس، دست داد تا مفهوم امنیت را با عمق وجود حس کنیم.

ملاقات با جنگاورانی کهنه‌کار، که متواضعانه خود را سرباز مقام معظم رهبری می‌دانند؛ شنیدن خاطرات خلبانان مجاهد هوانیروز که چشم فتنه را در مرصاد کور کردند؛ بازدید از بیمارستان و خدمات درمانی که ارتش زمان جنگ برای مداوای مجاهدین، بهره می‌گرفته؛ رفتن به مناطق مرزی نفت شهر و سومار و میمک و دیدن روحیه غیرتمدارانه و عزتمند مرزداران، همه و همه ما را به این جمله که ارتش ما یک ارتش عقیدتی است، بیشتر مصمم کرد.

نکته جالب این جاست که ما همگی خود را سرباز امام عصر (عج) می‌دانیم و هر روز دعا می‌کنیم که اماممان ظهور کند تا در رکابش باشیم؛ ولی وقتی آمادگی جوانان غیور ارتشی را دیدم، به آمادگی خود شک کردم. چرا؟



مقام معظم

رهبری

فرمودند:

اولین نظامی

که در نماز به

او اقتدا کردم

شیرودی بود.





عکس: علیرضا غفاری

زمانی که این خبر به مجلس شورای اسلامی رسید؛ حجت‌الاسلام هاشمی رفسنجانی، رییس مجلس وقت، او را «مالک اشتر زمان» خواند.

امروز پس از گذشت سال‌ها از شهادت این مجاهد بزرگ، با ایده قرارگاه عملیاتی منطقه غرب ارتش، یادمانی از این شهید در این منطقه احداث خواهد شد. یادمانی برای یادآوری شجاعت، تعهد و دلاوری خلبانی به نام علی اکبر شیروودی.

شیروودی سربازی بود که فقط ادعای سربازی نکرد و برای اثبات مدعایش، جان خود را رهبر خود کرد. رهبری که بارها او را نائب امام عصر خطاب کرده بود و با آمادگی تمام، گوش به فرمانش بود...

شیروودی تنها یکی از چهل و هشت هزار شهید نیروی زمینی ارتش جمهوری اسلام بود.^(۱)

سربازانی که در سخت‌ترین شرایط، آماده بودند؛ به وظیفه خود آشنا بودند؛ بدون چون و چرا دستورات و فرامین را اجرا می‌کردند و مهم‌تر از همه خدمات خود را نه تنها منت بر ملت نمی‌دانستند؛ بلکه وظیفه خود دانسته و حتی با وجود ایثارها و جان‌فشانی‌هایشان، از ملت و امام امت عذر می‌خواستند که آن گونه که باید، نمی‌توانند حق ملت را ادا کنند.

آنها سربازانی بودند که جاودان شدند و الگویی شدند برای سربازان امروز. سربازانی مرزدار که مرزها را از هجوم هر بیگانه‌ای حفظ می‌کنند؛ سربازانی تکاور که در حالت آماده باش دائمی قرار دارند و هر اقدام شومی را در نطفه خفه می‌کنند؛ سربازانی امدادگر که جان مجروحین را نجات می‌دهند و نیروهای ارتش اسلام را حفظ می‌کنند؛ سربازانی تیزپرواز که مانند صاعقه بر قلب دشمن فرود می‌آیند و دلیلاته آنها را وادار به فرار می‌کنند؛ سربازانی ... و تو ای منتظر:

تو هم سربازی... پس از این سربازان درس استقامت و ایستادگی و آمادگی و پایه رکابی بیاموز.

* کارشناس ارشد فقه و حقوق.

۱. هوانیروز، یکی از ارگان‌های نیروی زمینی است و چرخ‌های آن، وظیفه شناسایی؛ حمایت و امدادسانی به نیروهای پیاده و زرهی را دارد. بنابراین تفاوت آن با نیرو هوایی و جنگنده‌های آن روشن است.

بر دل کوه، چشم را می‌نوازد و اگر تنها همین یک اثر تاریخی در کرمانشاه وجود داشت؛ کفایت می‌کرد تا این نکته را درک کنیم که قدرت نظامی و سیاسی در ایران، بدون مشروعیت الهی بی‌معنا بوده. نقش اول محوطه تاریخی طاق بستان؛ نشان از عزت‌مندی ایران دارد. در این تصویر؛ اردشیر اول در حالی تاج قدرت را از دست اهورامزدا دریافت می‌کند که ارتش شکست خورده روم، زیر پای آنهاست.

شاید همین خفت تاریخی بود که باعث شد سال‌ها بعد، یک مرد بی نام و نشان به نام صدام، به تحریک غریبان سودای پیروزی بر ایران بزرگ و انتقام از ننگ‌هایی که خود باعث آن شدند؛ در سربپرواند و جان‌ها و اموال زیادی را بر سر این سوداگری بگذارد.

صدام به جنگ تمدنی بزرگ آمد و اولین نقطه حمله و تصرف خود را، مناطق غربی کشور به خصوص کرمانشاه و ایلام قرار داد. مناطقی که مجاهدانش، جان را در قبال حفظ کیان و تمامیت ارضی ناموس سرزمینشان، ناقابل می‌دانستند. شاید برای آن است که غرب کشور جایگاه عروج مردانی شد که افق پروازشان از پره‌های آهنین چرخ‌بال هوانیروز، فراتر رفت و جسم مادیشان، دیگر نتوانست همپای آن روح بلند، په پرواز درآید.

مردانی مانند شیروودی که مقام معظم رهبری درباره او فرمودند: اولین نظامی که در نماز به او اقتدا کردم شیروودی بود.

شیروودی در پروازهای عملیاتی زبانزد خاص و عام بود. او همراه شهید سهریلان و شهید کشوری، در جبهه‌های غرب چنان رشادت به خرج داد که شهید فلاحی او را ستاره غرب نامید.

سرپل ذهاب و پادگان ابوذریش، خود را وامدار شیروودی می‌داند. منطقه‌ای که تنها در یک روز، بیش از دو هزار تن شهید به خود دید و سروان خان‌محمدی را که اینک یکی از پرسنل نظامی ابوذری به شمار می‌رود در سن چهارده سالگی داغدار بیست و یک تن از اعضای خانواده‌اش کرد. شیروودی به این نقطه از ایران عشق می‌ورزید و این فاجعه‌ها را تاب نمی‌آورد. او خانواده‌اش را به پادگان ابوذری آورد و حتی اسم پسرش را ابوذری گذاشت. آن روزها شیروودی با وارد کردن خسارات فراوان به متجاوزان؛ سرپل ذهاب را نجات داد و دشمن بعضی را وادار به کیلومترها عقب نشینی کرد.



سرباز یعنی
برق شادی
چشمانی
که از دیدن
فرمانده خود
به هیجان
و درخشش
درآمده و
سعی در
نمایش اقتدار
در پیشگاه
فرمانده دارد
تا گوشه‌ای از
زحماتش را
سپاس گفته
باشد.



بسیجی، این بار در

ثُمَّ يُدْرِكُهُ الْمَوْتُ فَقَدْ وَقَعَ أَجْرُهُ عَلَى اللَّهِ وَكَانَ اللَّهُ غَفُورًا رَحِيمًا^(۳) در آیه اول اشاره به فضیلت و برتری مجاهدین بر کسانی که در خانه نشسته و در شهر مانده‌اند را بیان می‌فرماید و در آیه دوم می‌فرماید: «اگر کسی که به عنوان مهاجرت به سوی خدا و پیامبرش از خانه بیرون رود و بمیرد (اگر ابتدای هجرتش هم باشد، به مقصد هم نرسیده باشد) خداوند پاداشش را می‌دهد». این مطلب از جمله «وقع اجره علی الله» به خوبی فهمیده می‌شود، همین که قدم اول را بردارد اجرش با خداست. «هجرت» از ریشه هجر به معنای جدا شدن و ترک کردن چیزی است. گاهی از مکانی به مکان دیگر است و گاهی سیر از مرحله‌ای به مرحله‌ای دیگر است و از دیر باز موجب تحولات عظیم فرهنگی و اجتماعی و سیاسی جوامع بشری بوده است. در اهمیت هجرت همین بس که مبدأ تاریخ مسلمانان هجرت پیامبر اسلام ﷺ از مکه به مدینه می‌باشد. مهاجر، از خود گذشته‌ای است که از قید و بندهای اسارت و تعلقات این دنیایی خود را آزاد کرده و همچون پرنده‌ای سبک بال در آسمان اخلاص پرگشوده و از خود به سوی محبوب پرواز می‌کند. «جهاد» از واژه جهد بوده، به معنای مبارزه و پیکار در راه خدا می‌باشد. مجاهد، ایثارگری است که با جهد و کوشش بسیار در میدان نبرد با از خودگذشتگی همچون شمع فروزان می‌سوزد، آب می‌گردد و محیط اطراف خود را روشن می‌سازد. در اردوی

چندی است که مهاجران و مجاهدان توانسته‌اند با فعالیت‌های بی‌دریغ‌شان لبخند رضایت را بر لبان مبارک ولی امر مسلمین جاری کنند. جوانان مؤمن و مخلص که در قالب اردوهای جهادی با حضور در مناطق محروم کشور و با نیت محرومیت زدایی و خدمت رسانی، اقدام به فعالیت‌های عمرانی - فرهنگی نموده و یاد و خاطر جهادگران ایثارگر دهه اول انقلاب را در خاطره‌ها زنده کرده‌اند. در این سطور بر آن شدیم تا به مناسبت ایام بزرگداشت بسیج و روحیه مهدوی که بر این مجله حاکم است، مطالبی را هر چند مختصر درباره این ادامه دهندگان راه و سیره امام و شهید، بسیجیان مخلص و سربازان بی‌نشان امام زمان (عج) که بدون تکلف و توقع، دور از هیاهوها و جنجال‌های شهری، به دورترین و محروم‌ترین نقاط کشور کوچ کرده و به فعالیت‌های عمرانی و فرهنگی می‌پردازند، بیان کنیم.

■ ماهیت اردوی جهادی

اردوهای جهادی، تلفیقی زیبا از دو مفهوم ارزشمند هجرت و جهاد می‌باشد که در قرآن و روایات ائمه معصومین به این دو مفهوم ارزشمند توجه ویژه‌ای شده، تا جایی که در هشت آیه از آیات قرآن کریم، واژه جهاد و مهاجرت در کنار هم آورده شده است.^(۱) در فضیلت مجاهدان و مهاجران از سایرین به دو آیه زیر اشاره می‌گردد: «فَضَّلَ اللَّهُ الْمُجَاهِدِينَ بِأَمْوَالِهِمْ وَأَنْفُسِهِمْ عَلَى الْقَاعِدِينَ دَرَجَةً»^(۲) «وَمَنْ يَخْرُجْ مِنْ بَيْتِهِ مُهَاجِرًا إِلَى اللَّهِ وَرَسُولِهِ

وقتی که بیایی
ما، عاشقان همیشگی عصمت و ولایت
نام بزرگ ترا
- با دل انگیزترین نجوای آبداران همه ممالک
در گذر زمان
فریاد خواهیم کشید.
شب یلدا را خواهیم گفت:
چه زود می‌گذری در تقویم سالیان؟
و او می‌خندد:
باید که بروم... بهار آمده است... بهار
شاپرک‌ها
کلام مقدس را،
تا دورترین افق (سبز دشت) پر از افاقی
در ذهن همه مظلومین تاریخ
تکرار خواهند کرد...

در پی آفتاب

● علی شیر رضایی میرقاید / اهواز

آری! تو
می‌آیی و
انتظار از
لغت‌نامه‌ها
پاک
می‌شود...



اردوهای جهادی

● مرتضی عباسیان*

کرده‌اند و هم اطاعت از امر حضرت را قبل از ظهور تمرین می‌نمایند.

۲. فرهنگ‌سازی؛

۳. خودسازی؛

۴. مطالبه‌گری؛

۵. محرومیت‌زدایی.

■ کلام آخر

در پایان، کلام را با فرمایش حضرت امیر، علی (علیه السلام) زینت بخشیده و به اتمام می‌رسانیم: «پس از ستایش پروردگار، جهاد در راه خدا، دری از درهای بهشت است، که خدا آن را به روی دوستان خصوصی خود گشوده است. جهاد، لباس تقوا، و زره محکم، و سپر مطمئن خداوند است، کسی که جهاد را ناخوشایند دانسته و ترک کند، خدا لباس ذلت و خواری بر او می‌پوشاند، و دچار بلا و مصیبت می‌شود و کوچک و ذلیل می‌گردد، دل او در پرده گمراهی مانده و حق از او روی می‌گرداند، به جهت ترک جهاد، به خواری محکوم گشته و از عدالت محروم است.»^(۵)

* استاد دانشگاه.

۱. سوره بقره/ ۲۱۸، انفال/ ۷۴-۷۳-۷۵، توبه/ ۱۷-۲۰-۸۸، نحل/ ۱۱۰.

۲. سوره نساء/ ۹۵.

۳. سوره نساء/ ۱۰۰.

۴. الامام المهدی، صفحه ۳۷۱.

۵. نهج البلاغه، خطبه ۲۷.

جهادی این دو مفهوم به زیبایی با روحیه بسیجی - که از دوران دفاع مقدس برای ما به ارمغان مانده است - تلفیق می‌گردد. دانشجوی و طلبه جوان و بسیجی در ایام فراغت از تحصیل به تفریح و استراحت با عشق و شعور در قالب گروه‌های دانشجویی اردوهای هجرت از شهر به دورترین مناطق محروم رفته و به فعالیت‌های عمرانی - فرهنگی پرداخته و با لمس مظلومیت و چشیدن طعم محرومیت، روحیه عدالت خواهی را در خود تقویت می‌نمایند. این حرکت نورانی و پویا دارای برکات فراوانی است که به برخی از آنها اشاره‌ای گذرا می‌شود:

۱. آماده سازی زمینه‌های ظهور؛

از شاخصه‌های عصر ظهور و دولت عدالت محور مهدوی، هجرت و جهاد و آباد سازی مناطق محروم می‌باشد.

«يُفَرِّقُ الْمَهْدِيُّ (عليه السلام) أَصْحَابَهُ فِي جَمِيعِ الْبُلْدَانِ ، وَ يَأْمُرُهُم بِالْعَدْلِ وَ الْإِحْسَانِ ، وَ يَجْعَلُهُمْ حُكَّامًا فِي الْأَقَالِيمِ ، وَ يَأْمُرُهُم بِعِمْرَانِ الْمُدُنِ؛ حضرت مهدی (علیه السلام) یارانش را در همه شهرها پراکنده می‌کند و به آنها دستور می‌دهد که عدل و احسان را شیوه خود سازند و آنان را فرمانروایان کشورهای جهان گردانند و به آنها فرمان می‌دهد که شهرها را آباد سازند.»^(۴)

شرکت کنندگان در اردوهای جهادی، با حضور در این مناطق، هم به سیره معصومین (علیهم السلام) عمل



«زاینده رود» مهربان هم،

دوست بی‌قرار (گنگ) و (فرات) و (کارون) خواهد شد.

و قله‌های زاگرس سپیدترین برف خود را

به کوه‌های جوان «آلپ» هدیه خواهند کرد.

سیاهان آفریقا و زردهای شرق

با سیدی پر از شقایق‌های سرخ

به مهمانی انارستان باغهای سرزمین‌های دور خواهند رفت.

... و صد البته

به دیوانگی‌های پیشین قهقهه خواهند زد.

آمدن تو ،

چه صفایی دارد!

بیگلگی

مفهومی مجرد و غریبانه می‌یابد.

و شناسنامه‌ها

مهر «برادری» خواهند خورد،

و ترازوها

در معیاری با ریزترین ارقام وجودی همهٔ اعمار

به نفع محرومین عالم

میزان می‌شوند.

میزان می‌شوند

و دفترهای آشنایی و یکرنگی و محبت

بارها و بارها ورق خواهند خورد

آسمان، آبی تر می‌شود

و افق، قرمز و رنگی‌تر

باد، دوباره آرام خواهد گرفت

و حکومت مستضعفین

در غوغایی اساطیری و دل انگیز

تا ابد جاودانه می‌ماند

بوقت آمدنت

غوغا می‌شود.



بوقت

آمدنت

غوغا

می‌شود!



پرسه در خیال

گپ و گفتی با سید حمیدرضا برقعی؛ شاعری که چمدانش پر باران است
● به کوشش: سید مهدی هاشمی

اشاره: سرمایه هر شهر تکیه گاه مردم آن سرزمین محسوب می شود، بعضی از شهرها زراعی اند، بعضی ها صنعتی و برخی فرهنگی که سرمایه هایشان راست راست در خیابان راه می روند و در عین حال ناشناس هستند! البته سرمایه ای که این گفت و گو به او اختصاص دارد چندان هم ناشناس نیست؛ طوفان واژه هایش دهان به دهان می چرخد و نه تنها جمعه ها که همیشه طبعش احساس تغزل دارد.

یک غزل انتظار از سید حمید رضا:

جمعه ها طبع من احساس تغزل دارد
ناخودآگاه به سمت تو تمایل دارد
بی تو چندیست که در کار زمین حیرانم
مانده ام بی تو چرا باغچه ام گل دارد
شاید این باغچه ده قرن به استقبالت
فرش گسترده و در دست گلالیل دارد
تا به کی یکسره یکریز نباشی شب و روز
ماه مخفی شدنش نیز تعادل دارد
کودکی فال فروش است و به عشقت هر روز
می خرم از پسرک هر چه تفال دارد
یازده پله زمین رفت به سمت ملکوت
یک قدم مانده زمین شوق تکامل دارد
هیچ سنگی نشود سنگ صبور، تنها
تکیه بر کعبه بزن، کعبه تحمل دارد...

* خودتان را برای خوانندگان مجله امان معرفی کنید.

سید حمیدرضا برقی هستم. متولد سال ۱۳۶۲ در قم. حدود پنج سالی است که به صورت جدی درگیر ادبیات بخصوص شعر هستم و آن هم در شاخه شعر آیینی و مذهبی. تا امروز هم به لطف خدا یک مجموعه شعر به نام «طوفان واژه‌ها» به مخاطبین عرضه کرده‌ام. این روزها مشغول آماده‌سازی چند مجموعه شعر به سفارش انتشارات امیرکبیر هستم که البته تمام این مجموعه‌ها به صورت مشترک با دوستان شاعر جمع‌آوری شده است. فعلاً هم به عنوان مسئول انجمن هنرهای ادبی استان قم در خدمت دوستان شاعر و نویسنده هستیم.

همان اوایل ورودم به فضای شعر و شاعری با حلقه شعر دوستانه‌ای آشنا شدم. سخت‌گیری آن دوستان باعث شد جدی‌تر این کار را دنبال کنم؛ بعد از آن هم خداوند لطف بیشتری به من عنایت کردند و با جلسات منزل استاد محمدعلی مجاهدی بنام انجمن ادبی محیط آشنا شدم و به این دریای بیکران پیوستم و تلمذ کردم و تا به امروز که همچنان خدمت ایشان هستم.

* داستان اولین شعرتان؟ کی احساس کردید شاعری؟

اولین شعری را که بدون ایراد وزن و قافیه سرودم خاطره قشنگی را برایم داشت که قشنگ‌تر از این ارائه شعرهاست؛ یک هفته بود که شعری را در برای امام رضا (ع) نوشته بودم با این مطلع که «ای راهب کلیسا دیگر مزن به ناقوس / خاموش کن صدا را، نثاره می‌زند طوس». این شعر با اینکه خیلی هم از لحاظ فنی قوی نیست ولی استقبال خوبی از آن شد و بارها برای خودم پیامک شد. خاطرم هست مدتی بعد از گفتن این شعر رفته بودم حرم امام رضا (ع) به محض ورودم به صحن حرم، صدای مداحی را شنیدم که در صحن‌ها پیچیده بود و این بیت را خواند. این خاطره شیرین‌ترین خاطره دوران شاعری‌ام است؛ آن زمان این اتفاق برای من که هنوز خودم را شاعر نمی‌دانستم خیلی قیمت داشت که شعرم توسط یک مداح در حرم امام رضا (ع) خوانده و در تمام صحن‌ها شنیده شد.

بعد از آن کنگره‌های زیادی شرکت کردم، جایزه‌های زیادی از دست خیلی از اساتید و... گرفتم باعث افتخارم هم هست، اما آن جایزه و لذت و شیرینی آن صله‌ای که از خود امام رضا (ع) در روز ولادتش گرفتم چیز دیگری بود که در آرزوی تکرارش نشسته‌ام.

* بیشتر مخاطبین شما چه کسانی هستند؟

سعی کرده‌ام در دو فضا کارهایم را ارائه کنم. یکی فضای هیئتی که عزیزان مداح شعرم را در عزاداری‌ها و ولادت‌ها می‌خوانند. از آن طرف هم سعی کردم از فضای شعر رسمی و کنگره‌ای کشور که مخاطب خاص دارد دور نباشم؛ کم‌وبیش این محیط را می‌شناسم و آنها هم مرا. یعنی حداقلش این است که شعر مرا شنیده‌اند.

* ارتباط شما با این مخاطبین چگونه است؟ اصلاً با مخاطبین شعرتان در ارتباط هستید؟

من هم مثل خیلی از شعرای دیگر و افرادی که مخاطبین این چنینی دارند یک وبلاگ دارم که در آن وبلاگ می‌توانند شعرهایم را بخوانند و نظر دهند و تا آنجا که بتوانم به این نظرات پاسخ می‌دهم. با دوستان هیئتی هم ارتباط مستقیم دارم و در هیئات شرکت می‌کنم.

* تأثیر هیئت و مجالس روضه بر روی خودتان و شعرتان چقدر بوده؟ چطور بوده؟

یک ارتباط و تأثیر کاملاً مستقیم؛ یعنی صد در صد یقین دارم که تنفس و استشمام هوای ملکوتی هیئت، تأثیر مستقیم روی شاعر مرثیه‌سرا دارد. از دو جهت می‌شود به این مسئله نگاه کرد؛ یکی بحث عنایت و هوای معنوی است که در آن محیط می‌شود کسب کرد؛ یکی دیگر هم آشنایی شاعر با روان‌شناسی هیئت است؛ یعنی هر چه بیشتر با فضای هیئت در ارتباط باشیم بهتر می‌توانیم مؤلفه‌هایی مثل عاطفه و حماسه را که مخاطب به آن حساس است را بدست آوریم و در موردش شعر بگوییم.

* گفتید حضور در هیئت تأثیر مستقیم بر روی شاعر آیینی‌سرا دارد؛ با این حساب آیا می‌توانیم به این نتیجه برسیم که استعداد بچه‌های هیئت در شاعر شدن خیلی بیشتر است؟

صد در صد همینطور است. دوست خوبم آقای شرافت حرف خوبی می‌زند. ایشان انسان‌هایی که در مرز شاعرانگی قرار دارند را به سه دسته تقسیم می‌کند که آن دسته مهم‌اش همین بچه‌های هیئتی هستند؛ چون ارتباطی مستقیم با فضای احساس، بخصوص گریه و اشک و آن حالت بکاء دارند که این حالت یک فضای شاعرانه و بارانی‌ای است که انسان را به آن مرزهای تخیل و خیال نزدیک می‌کند که آغشته به عاطفه و احساس هم هست. اگر این احساس و عاطفه به همراه فنون شاعرانگی دست به دست هم دهند شک نکنید که به قله‌های باورنکردنی‌ای دست پیدا می‌کنند. من معتقدم همه بچه‌هیئتی‌ها شاعرند.

* خیلی از شعرهایتان را مداحان با سبک و سیاق‌های مختلف خوانده‌اند؛ شما برای سبک آنها شعر می‌گویید یا آنها برای شعرتان سبک می‌سازند؟

دو نوع شعر داریم که در فضای هیئت خوانده می‌شود. گاهی یک غزل، مثنوی، مربع ترکیب یا... را من برای دل خودم و در حال و هوای خودم می‌نویسم و مداحان می‌خوانند.

چند سال پیش حاج مهدی سلحشور به من گفت امسال که شب سوم محرم با شب جمعه مصادف شده خوب است یک بحر طویل داشته باشیم که این دو مناسبت را به هم ارتباط بدهد که من یادام است این بحر طویل «عصر یک جمعه دلگیر، دلم گفت بگویم بنویسم...» را همان بعدازظهر نشستم و نوشتم و همان شب آقای سلحشور آن را خواندند که بعدها هم در کتابم چاپ شد. این هم یک مدل کار است.

اما یک نوع دیگر که مد نظر شماست مربوط به سبک‌هاست. سبک هم دو مدل است؛ ما دوستان شاعری داریم که سبک ابداع می‌کنند و شعر هم رویش می‌گذارند و با مداح هماهنگ می‌کنند. اما من کارم سبک ساختن نیست؛ بلد هم نیستم. اما گاهی دوستان مداح سبکی را به ما می‌دهند و ما هم رویش شعری می‌گذاریم.

* یکی از شعرهایتان که مداحان و البته مردم حسابی از آن استقبال کرده‌اند؟

قبل ترها دو کار بود که استقبال خوبی از آن شد؛ یکی اش «المنه لله که دلم افتاده توی حرمت...» که البته مطلع این شعر و سبک

من معتقدم همه بچه هیئتی‌ها شاعرند.



آن کار آقای سلحشور است؛ و یکی هم شعر «تویی که تنها نگین عرشی / بوریال و پرت شده» که فایل‌های صوتی آن دست به دست بلوتوث می‌شود و در اینترنت هم می‌توانید پیدایش کنید.

*** گاهی یک مداح، در حال خواندن شعر شما در هیئتی پرجمعیت است؛ همه هم گریه می‌کنند و شما هم در گوشه‌ای از این مجلس نشسته‌اید. از این لحظات برایمان بگویید.**

شاید نشود در یک جمله گفت. واقعا غیر قابل توصیف است؛ این لحظه برای خود من اوج عشق و نهایت لذتی است که یک انسان زمینی در حد من می‌تواند داشته باشد. شاعر هیچ لحظه‌ای را با لحظه‌ای که دارد شعر می‌گوید مقایسه نمی‌کند؛ لحظه‌ای که شعر دارد فوران و جوشش پیدا می‌کند خیلی لحظه ارزشمند، شیرین و غیر قابل وصفی است؛ اما این لحظه‌ای که شما از آن صحبت کردید از آن هم شیرین‌تر است. دوستان شاعر باید تجربه کنند تا بفهمند این چه حال و هوایی است.

*** جریان شعر مذهبی امروز را چطور می‌بینید؟**

خیلی خوب. جریان فعلی شعر مذهبی و آیینی را اجازه می‌خواهم به دو دسته تقسیم کنم. یکی شعر مذهبی‌ای است که شاید بشود اسمش را «خاص‌پسند» گذاشت؛ مثل کتاب «گنجشک و جبرئیل» مرحوم سید حسن حسینی. این یک نوع کار مذهبی است که خیلی هم مورد قبول اصحاب شعر و ادبیات قرار گرفته است؛ اما دسته دوم شعرهای هیئتی است که معتقدم چه مرثیه و چه مدح به یک تشخیص خاصی رسیده است و واقعا حرف برای گفتن دارد.

*** آیا تقسیم‌بندی خاصی به نام شعر انتظار و مهدوی داریم که دارای مؤلفه‌های خاصی باشد؟**

استاد مجاهدی در کتاب «شکوه شعر عاشورا» شعر آیینی را به شعرهای علوی، نبوی، فاطمی، عاشورایی، رضوی و مهدوی تقسیم‌بندی می‌کند؛ که معتقدم واقعا شعر مهدوی غریب واقع شده است. اگر دقت کنیم خیلی از شعرهای انتظار و مهدوی ما امروز حدیث نفس یا درباره دل‌تنگی جمعه و انتظار است. ما چند تا شعر می‌توانیم پیدا کنیم که درباره مدح خود حضرت صاحب‌الزمان (عج) باشد؟ چند تا شعر مهدوی می‌توانیم پیدا کنیم که حال و هوای بعد از ظهور امام زمان (عج) را تصویر کند؟

*** اگر بعضی از اساتید بگویند آثار شهرت زودرس برایتان خوب نیست، چه می‌کنید؟**

من خیلی اعتقاد دارم به حرف اساتید؛ اگر همین فردا صبح مثلا استاد مجاهدی بگویند شعرت را فعلا ارائه نکن یا شعرت را نخوان، یا کتاب چاپ نکن ... حتما حرفشان برایم حجت است؛ به هر حال اساتید این راه را رفته‌اند...

*** داستان خوانش شعرتان نزد مقام معظم رهبری؟**

آن سال که شعر خواندم سال دومی بود که همراه شاعران به دیدار رهبری می‌رفتم. با هزار دلهره و اضطراب و امید بالاخره متوجه شدم که دعوت شده‌ام؛ غافل از اینکه آن سال قرار است

من شعر بخوانم. نمی‌دانم چه بی‌برنامگی‌ای شده بود که من از شعرخوانی‌ام بی‌خبر بودم؛ کسانی که قرار است شعر بخوانند سه چهار روز قبل یا نهایتا قبل از جلسه مطلع می‌شوند؛ اما من اصلا نمی‌دانستم که قرار است شعر بخوانم. فقط یادم است آن روز از ته دل آرزو کردم که برای ایشان شعری بخوانم؛ ده دقیقه بیشتر نگذشت که آقای قزو (مجری این دیدار) به من اشاره کرد که بیا جلو بنشین باید شعر بخوانی. حالا از بین آن صد نفری که آنجا بودند یک‌مرتبه به من گفتند بیا جلو و شعرت را بخوان؛ آماده هم که نبودم. صدایم به شدت می‌لرزید؛ ولی با اولین «احسنت» و «آفرین» گفتن رهبر همه آن دلهره‌ها و اضطراب‌ها فروکش کرد و خدا رو شکر که برایم یک شب خاطره‌انگیز شد. (یک بیت آن شعر این بود: باز این چه شورش است که در جان واژه‌هاست / شاعر شکست خورده طوفان واژه‌هاست.)

*** دیدار شعرا با رهبر، تأثیری هم در جریان شعری و شاعران دارد؟**

صد در صد. من مهمترین جریان شعری کشور را دیدار مقام معظم رهبری با شعرا می‌دانم. اکثر آن آدم‌هایی که گاهی برای نظام، کلاس می‌گذارند و مخالفت‌هایی می‌کنند دست و پا می‌زنند که در این جلسه حضور داشته باشند. جدای از اینکه حضرت آقا، رهبر مملکت هستند و دیدارشان پربرک؛ واقعا شاعر و شعرشناس همه فن حریف هم هستند و نظراتشان مورد تأیید تمام اهالی ادب است.

*** حالا چرا این حساسیتی که رهبر برای شعر و اهالی ادب دارند ارگان‌های مربوطه و متولی ادبیات را ندارند؟**

همین! (با تعجب) این سؤال را نباید از من پرسید، در تأیید این سؤال باید بگویم امسال مقام معظم رهبری تأکید کردند که بیشتر از تمام هنرها باید به شعر پرداخت و سفارش ویژه کردند که در هر شهری انجمن‌های ادبی متفاوت برپا کنید.

*** چرا این مسئله اینقدر مهم است؟**

من معتقدم چون تمام مردم ایران شاعرند و شعر در رگ و خون و پوست مردم است. مردم ما با شعر بزرگ شده‌اند و از نوزادی با لالایی مادرشان تا آمدن به هیئت و شعر خواندن مداحان و سینه‌زدن‌ها و موسیقی کلاسیک و... و حتی تبلیغات ما شعر است. شعر با ایرانی‌ها یک ارتباط تنگاتنگ دارد.

*** خیلی از جوان‌ها دوست دارند شعر بگویند؛ چکار باید بکنند؛ آیا سرایش شعر اکتسابی است یا ذاتی...؟**

همه ایرانی‌ها بالاخره یک طبع شعری دارند. اما این در بعضی‌ها بیشتر است و در بعضی‌ها کمتر. مهم این است که فرد به این طبع بیشتر بپردازد و قدر این موهبت الهی را بداند. شعر خیلی ظریف است؛ هر چه بیشتر بتوانیم نازش را بکشیم بیشتر به طرف ما می‌آید. معتقدم هر کسی سعی و تلاش کند و شعر بخواند بالاخره می‌تواند شعر بگوید (حالا خوب و بدش را کار ندارم) و هر چه بیشتر به آن بپردازد شعرهای خوبتری می‌گوید.

از اینکه حاضر شدید مصاحبه کنید پشیمان نیستید؟ خدا را شکر!



جدای از اینکه حضرت آقا، رهبر مملکت هستند و دیدارشان پربرک؛ واقعا شاعر و شعرشناس همه فن حریف هم هستند و نظراتشان مورد تأیید اهالی ادب است.





ما در کنار صحن شما تربیت شدیم

سید حمیدرضا برقعی

تقدیم به بانوی شهر آینه‌ها
حضرت معصومه سلام‌الله علیها

همسایه سایه‌ات به سرم مستدام باد
لطف همیشه زخم مرا التیام داد
وقتی انیس لحظه‌ی تنهایی‌ام توئی
تنها دلیل اینکه من اینجا‌ی‌ام توئی
هر شب دلم قدم به قدم می‌کشد مرا
بی‌اختیار سمت حرم می‌کشد مرا
با شور شهر فاصله دارم کنار تو
احساس وصل می‌کند آدم کنار تو
حالی نگفتنی به دلم دست می‌دهد
در هر نماز مسجد اعظم کنار تو
با زمزم نگاه تو دمام هزار شمع
روشن کنند هاجر و مریم کنار تو
تا آسمان خویش مرا با خودت ببر
از آفتاب رد شده شبم کنار تو
در این حرم، سینه زدن چیز دیگریست
خونین‌تر است ماه محرم کنار تو

ما در کنار صحن شما تربیت شدیم
داریم افتخار که همشهری‌ات شدیم
ما با تو در پناه تو آرام می‌شویم
وقتی که با ملائکه همگام می‌شویم
بانو! تمام کشور ما خاک زیر پات
مردان شهر نوکر و زن‌ها کنیزهات
زیباترین خاطره‌ها مان نگفتنی‌ست
تصویر صحن خلوت و باران نگفتنی‌ست
باران میان مرمر آینه دیدنی‌ست
این صحنه در برابر آینه دیدنی‌ست
مرغ خیال سمت حریمت پریده است
یعنی به اوج عشق همین جا رسیده است
خوشبخت قوم طایفه، ما مردم قمیم
جارو کشان خواهر خورشید هشتمیم
اعجاز این ضریح که همواره بی‌حد است
چیزی شبیه پنجره فولاد مشهود است
من روی حرف‌های خود اصرار می‌کنم
در مثنوی و در غزل اقرار می‌کنم
ما در کنار دختر موسی نشسته‌ایم
عمریست محو او به تماشا نشسته‌ایم
اینجا کویر داغ و نم‌زار شور نیست
ما روبروی پهنه‌ی دریا نشسته‌ایم
قم سالهاست با نفسش زنده مانده است
باور کنید پیش مسیحا نشسته‌ایم
بوی مدینه می‌وزد از شهر ما، بیا
ما در جوار حضرت زهرا نشسته‌ایم



او دعوت را

● سعید امیدیان*

جز تعالی و ابتهال نیست.^(۳) آنها تا فردای آن روز از حضرتش مهلت خواستند و پس از مراجعه به شخصیت‌های نجران، اسقف و روحانی بزرگشان به آنها گفت: شما فردا به محمد نگاه کنید، اگر با فرزندان و خانواده‌اش برای مباحله آمد، از مباحله با او بترسید و اگر با یارانش آمد، با او مباحله کنید؛ زیرا چیزی در بساط ندارد.

فردا که شد پیامبر ﷺ آمد، در حالی که دست علی بن ابی طالب ﷺ را گرفته بود و حسن و حسین ﷺ در پیش روی او راه می‌رفتند و فاطمه ﷺ پشت سرش بود. نصارا نیز بیرون آمدند، در حالی که اسقف آنها پیشاپیش‌شان بود.

هنگامی که نگاه کرد، دید پیامبر با آن چند نفر آمدند، درباره آنها سؤال کرد، به او گفتند: این پسر عمو و داماد او و محبوب‌ترین خلق خدا نزد اوست و این دو پسر، فرزندان دختر او از علی ﷺ هستند و آن بانوی جوان، دخترش فاطمه ﷺ است که عزیزترین مردم نزد او و نزدیک‌ترین افراد به قلب اوست.

سید به اسقف گفت: برای مباحله قدم پیش گذار.

وی گفت: نه! من مردی را می‌بینم که نسبت به مباحله با کمال جرأت اقدام می‌کند و من می‌ترسم راستگو باشد و اگر راستگو باشد، به خدا یک سال بر ما نمی‌گذرد در حالی که تمام دنیا یک نصرانی که آب بنوشد وجود نداشته باشد.

اسقف به پیامبر عرض کرد: ای ابوالقاسم ما با تو مباحله نمی‌کنیم، بلکه مصالحه می‌کنیم، با ما مصالحه کن. پیامبر ﷺ با آنها مصالحه کرد.

در روایتی آمده است: اسقف مسیحیان به آنها گفت: من صورت‌هایی را می‌بینم که اگر از خداوند تقاضا کنند کوه‌ها را از جا برکنند چنین خواهد کرد. هرگز با آنها مباحله نکنید که همه هلاک خواهید شد و یک نصرانی تا روز قیامت به صفحه زمین نخواهد ماند.^(۴)

نصاری نجران و یهودیان^(۵) که منطوق و استدلال حضرت را نپذیرفتند، همچنان مسیر بیراهه را پیمودند و پذیرفتند که در ذمه

«فَمَنْ حَاجَّكَ فِيهِ مِنْ بَعْدِ مَا جَاءَكَ مِنَ الْعِلْمِ فَقُلْ تَعَالَوْا نَدْعُ أَبْنَاءَنَا وَأَبْنَاءَكُمْ وَنِسَاءَنَا وَنِسَاءَكُمْ وَأَنْفُسَنَا وَأَنْفُسَكُمْ ثُمَّ نَبْتَهِلْ فَنَجْعَلْ لَعْنَةُ اللَّهِ عَلَى الْكَاذِبِينَ»^(۱)

حضرت ختمی مرتبت در جزیره‌العرب پیام‌آور آیینی بود که مهر ختام به همه ادیان و پیامبران زد و عهده‌دار رستگاری جامعه بشری تا واپسین ایام روزگار گشت. در همان ایام بود که برخی از پیروان ادیان پیشین او را باور نداشته و با وی از سر ستیز و مخالفت در آمدند. همان‌ها که در نخستین گام بندگی، یعنی اعتقاد به وحدانیت پروردگار، دچار انحراف و کجی بودند. از این روی پیام‌آور رحمت از در منطوق و استدلال با آنها درآمد که در پی به گزاشی از هیأت نجرانی به محضر پیغمبر اکرم ﷺ اشاره می‌کنم.

در روز ۲۴ و ۲۵ ذی الحجه در محلی خارج از شهر مدینه (که هم اکنون درون شهر واقع است و مسجد الاجابه نام گرفته) رخدادی عظیم به وقوع پیوست که نمادی از پیروزی نهایی اسلام در فرجام تاریخ توسط آخرین پیامبر خدا را به نمایش گذاشت. گفته‌اند که این آیه و آیات قبل از آن درباره هیأت نجرانی مرکب از عاقب و سید^(۲) و گروهی که با آنها بودند نازل شده است. آنها خدمت پیامبر ﷺ رسیدند و عرض کردند آیا هرگز دیده‌ای فرزندی بدون پدر متولد شود؟ در این هنگام آیه «ان مثل عیسی عندالله...» نازل شد و سپس پیامبر اکرم ﷺ آنها را به مباحله دعوت کرد.

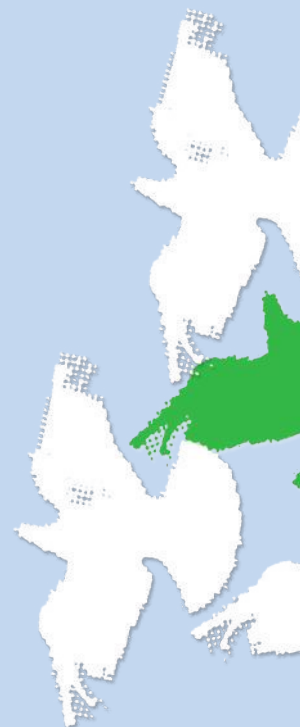
در آیه مذکور «تعالوا» اشعار بدین دارد که خصومت را پشت سر گذاریم و برتر آییم و در ساحت ابتهال با هم و هماهنگ شویم. چون مسأله توحید و شرک، نخستین اصل رسالت نفی و اثباتی «لااله الا الله» و انقلابی پیغمبران و سرنوشت انسان است. آنچه شرک و توحید به هم آمیخته و جوش خورده مسیحیت که قرن‌ها بدن دمیده شده است، نه شرک صریح و نه توحید صریح که باید باز و منفک شود و اگر با نیروی برهان باز نشود چاره‌ای



صورت‌هایی را می‌بینم که اگر از خداوند تقاضا کنند کوه‌ها را از جا برکنند چنین خواهد کرد. هرگز با آنها مباحله نکنید که همه هلاک خواهید شد و یک نصرانی تا روز قیامت به صفحه زمین نخواهد ماند.



تمام خواهد کرد



نظیر آیه ۲۰ سوره کهف و آیه ۸ سوره توبه به معنای استیلا و قدرت آمده است حال سؤال این است غلبه اسلام بر همه ادیان چه زمانی است؟ امام محمد باقر (علیه السلام) پاسخ می‌فرمایند: این جریان در زمان ظهور حضرت مهدی (علیه السلام) از آل محمد است که احدی روی زمین باقی نماند جز آن که به نبوت محمد (صلی الله علیه و آله) اعتراف کند.^(۱۱) گویی ندای توحید و یکتاپرستی محمد (صلی الله علیه و آله) در گوش همه فرو نرفته است و این پیام توسط اهل بیت او و ذریه‌اش در فرجام تاریخ به گوش جهانیان خواهد رسید و طیف عظیمی خواهند پذیرفت. و نیز امام صادق (علیه السلام) فرمودند: به خدا سوگند هنوز محتوای این آیه تحقق نیافته است و تنها زمانی تحقق می‌پذیرد که قائم (علیه السلام) خروج کند و به هنگامی که او قیام کند کسی که خدا را انکار نماید در تمام جهان باقی نخواهد ماند.^(۱۲) به امید رؤیت خورشید

مسلمین جزیه و مالیات پردازند؛ چرا که حضور نبی مکرم (صلی الله علیه و آله) با آن وضعیت که حاکی از صلابت و اعتماد او بر دعوای پیغمبریش می‌کند آنها را منفعّل نمود.

علامه طباطبایی می‌فرماید: این که به طور تفصیل موارد را یکی یکی شمرده، خود دلیلی دیگر است بر این که پیشنهاد کننده سخت به دعوت خود ایمان و به حق اعتماد و خاطر جمعی داشته، کانه پیشنهاد می‌کند که ای مسیحیان بیایید همگی ما و همگی شما یکدیگر را نفرین کنیم تا لعنت بر دروغگویان شامل همه ما و یا شما شود. به طوری که لعنت شامل حال زن و فرزند ما هم بشود و در نتیجه نسل دروغگو از روی زمین برچیده شود و اهل باطل ریشه کن شوند.^(۶)

آری پیام آور نور و رحمت با آهنگی رسا در گوش تاریخ نواخت که «الدین عندالله الاسلام» و مهر بطلان بر هر گونه خرافات دینی و دوگانه پرستی زد و بانگ توحید و یگانگی را سر داد. اما عده‌ای بر آن باور شرک و توحید به هم جوش خورده خود پافشاری می‌کنند، چه زود است که آخرین خلف و ذریه^(۷) پیامبر خاتم و حجت خدا بیاید و این دعوت به رسوایی را تمام نماید و بار دیگر به سان قرآن چهره آلوده با خرافه عیسی را بزداید و با تکیه بر نقاط مشترک و برهان و دلیل دنیا را مجاب کند، چرا که قرآن کریم فرمود: «هُوَ الَّذِي أَرْسَلَ رَسُولَهُ بِالْهُدَىٰ وَدِينِ الْحَقِّ لِيُظْهِرَهُ عَلَى الدِّينِ كُلِّهِ وَلَوْ كَرِهَ الْمُشْرِكُونَ»^(۸).

آن قدر این وعده الهی یقینی و تخلف ناپذیر است که خداوند حکیم در سه آیه بدان تصریح می‌کند.^(۹)

جمله «لِيُظْهِرَهُ عَلَى الدِّينِ كُلِّهِ» یعنی تا دین اسلام را به وسیله حجت و غلبه بر تمام ادیان پیروز گرداند، بدان سان که در روی زمین دینی به جای نماند جز آن که مغلوب حجت اسلام گردد و کسی نباشد که در حجت و برهان بر مسلمانان پیروز گردد.^(۱۰)

این غلبه هم غلبه منطقی و استدلالی است، چرا که اسلام از نظر منطق و استدلال از همه آیین‌ها برتر است و هم غلبه جسمانی و قدرت ظاهری است و این گونه کاربرد قرآنی در مواردی مشابه

* کارشناس ارشد مهدویت.

۱. سوره آل عمران / ۶۱

۲. اسامی سران و بزرگان نصاری نجران هستند.

۳. پرتوی از قرآن، طالقانی سید محمود، ج ۵، ص ۱۶۸.

۴. تفسیر نمونه، ج ۲، ص ۵۷۹.

۵. در روایتی نقل شده است: پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) از یهودیان برای مباحله نیز دعوت نمود. نور الثقلین، ج ۱، ص ۳۴۸.

۶. المیزان، علامه طباطبایی، ج ۳، ص ۳۵۲.

۷. قاضی نورالله شوشتری حدود ۶۰ نفر از بزرگان اهل سنت را نام می‌برد که گفته‌اند: آیه مباحله درباره اهل بیت (علیهم السلام) نازل شده است، مانند مسلم در صحیح، احمد بن حنبل، فخررازی، ابن اثیر، آلوسی، زمخشری، قرطبی و ... احقاق الحق، ج ۳، ص ۴۶.

۸. سوره توبه/۳۳.

۹. سوره توبه/۳۳، صف/۹، فتح/۲۸.

۱۰. ترجمه مجمع البیان، ج ۱۱، ص ۷۵.

۱۱. همان، ص ۲۶.

۱۲. نور الثقلین، ج ۲، ص ۲۱۱.



در زمان

ظهور حضرت

مهدی (علیه السلام)

احدی روی

زمین باقی

نمی ماند

مگر آن که

به نبوت

محمد (صلی الله علیه و آله)

اعتراف کند.



ای حریم کعبه، محرم بر طواف کوی تو
من به گرد کعبه می‌گردم به یاد روی تو
گرچه بر محرم بود بوییدن گل‌ها، حرام
زنده‌ام من ای گل زهرا ز فیض بوی تو
اشک‌ها از هجر تو نم نم چو زمزم شدن روان
کی رسد این تشنگان را قطره‌ای از جوی تو^(۱)

L حج که از فرائض بزرگ اسلام^(۲) و اعظم شعائر دین و ارزش‌مندترین اعمال برای قرب به خداست،^(۳) رکن وثیق و حبل متینی است که میراث فرشتگان و پیامبران^(۴) و شجره طوبای ابراهیم^(۵) در طور سینای مکه است^(۶) و فرزند برومندش اسماعیل^(۷) نیز عهده‌دار وظیفه‌ای می‌شود تا همگان به این میقات آیند و در جای جای آن حرم و حریم پاک و کانون نور، با پیوند با روح آن، یعنی «ولایت»^(۸) ضمن پذیرفته شدن اعمال، و نائل شدن به کمال، جان تشنه را سیراب، و رخسار خسته را طراوت بخشند.

حج با وجود یک عبادت بودن، جامع چندین عبادت است^(۹) و هیچ عمل و عبادتی هم‌پایه او نیست^(۱۰) و بهایی جز رضوان و بهشت جاوید ندارد.^(۱۱) با این حال، اگر شخصی همه عمرش را در بجا آوردن آن سپری کند، ولی به روح آن آگاه نباشد، حج او فاقد ارزش و اعتبار است.^(۱۲)

اصولا ارکان و احکام دین، دارای شریاطی است که رعایت آنها سبب صحت آنها می‌شود. حج نیز چنین است. انسان برای صحیح بودن حج خود باید شرایط آن را رعایت کند، ولی نسبت به روح آن، یعنی معرفت امام، همواره باید ملتزم بود.^(۱۳)

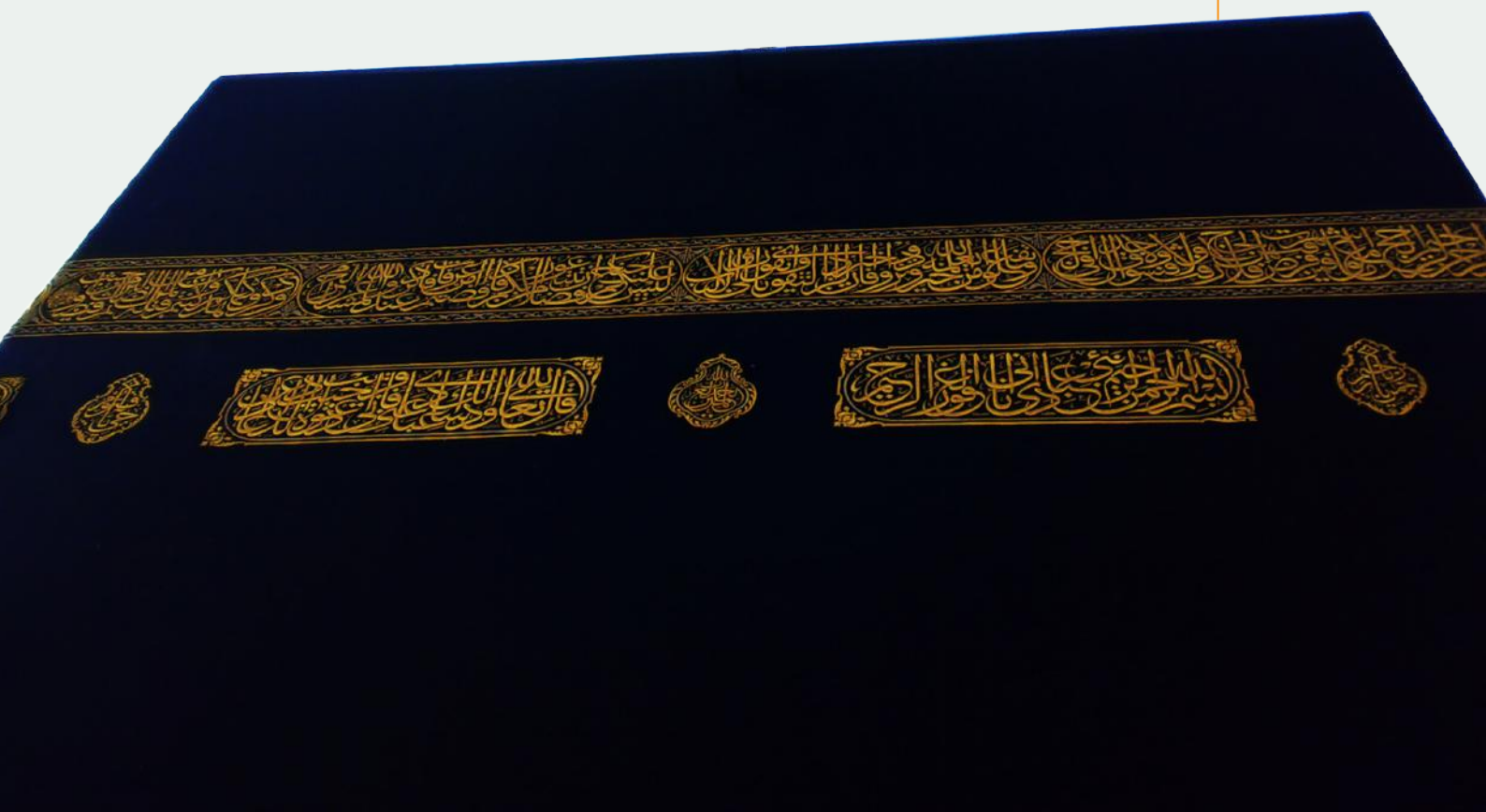
بنابراین، حج بدون «ولایت»، طواف بدون «امامت»، حضور در عرفات بدون «معرفت»، قربانی در منی بدون فداکاری در راه «ولی زمان»، رمی جمره بدون دور کردن صفات رذیله مخالف با راه «امام عصر»، سعی بین صفا و مروه بدون سعی در صراط صفا و مروت، بی‌کوشش در شناخت بهتر و اطاعت امام، بی‌حاصل است و سودی ندارد.

امام مهدی

{ عجل الله تعالی فرجه الشرف }

روح حج

• محمدرضا فؤادیان*



ساده‌ترین عمل در حرم امن الهی، نظر به کعبه است که آن نیز ثواب دارد^(۱۳) اما بر اساس این که کلمه توحید، به شرط ولایت، حصن امن و دژ نجات است^(۱۴) نگاه هماهنگ با ولایت و عارفانه به کعبه نیز مایه بخشش گناه و پایه نیل به مقامات است. امام صادق (علیه السلام) می‌فرماید: «من نظر الى الكعبة معرفة عرف من حقنا و حرمتنا مثل الذي عرف من حقها و حرمتها غفر الله ذنوبه و كفاه هم الدنيا و الآخرة»^(۱۵) هر کس با معرفت و شناخت به کعبه بنگرد و حق و حرمت ما را مثل همان که از حق و حرمت کعبه می‌شناسد، بشناسد؛ خداوند گناهانش را می‌آمرزد و او را از اندوه دنیا و آخرت کفایت می‌کند.

از این رهگذر، معنای حدیثی که درباره محبوبیت سرزمین مکه و همه آن چه در فضای آن، اعم از خاک و سنگ و درخت و کوه و آب^(۱۶) است، روشن خواهد شد؛ یعنی منطقه حرم که ادراک حق و حرمت آن آمیخته به شناخت حق ولایت و امتثال آثار ولایت است، محبوب‌ترین چیزها خواهد بود و چیزی همتای محبوبیت آن نیست.

**دل، بی تو، تمنا نکند کوی منی را
زیرا که صفایی نبود بی تو، صفا را
باز ای که تا فرش کنم دیده به راهت
حیف است که بر خاک نهی، آن کف پا را**

به عبارت دیگر، کعبه و حرمت آن، زمزم و شرافت آن، صفا و مروه و صفای آن، قربان گاه و تقوای قربانی‌اش، رمی جمرات و طرد شیطان‌اش، عرفات و نیایش خالصانه‌اش، سرزمین حرم با همه برکات‌اش، در پرتو ولایت و امامت رسول خدا و اهل بیت (علیهم السلام) است. اگر کعبه به همه شرافت‌ها مزین است، روح عمل و مناسک آن، ولایت و امامت و شناخت امام و خضوع در برابر اوست.^(۱۷) از این رو، آن گاه که فضائل امیرمؤمنان امام علی (علیه السلام) مطرح شد و عده‌ای خود را برتر پنداشتند، خداوند در بیان برتری آن حضرت به عنوان برجسته‌ترین مصداق اهل ایمان و جهاد فرمود: «أَجْعَلُنَّ سِقَايَةَ الْحَاجِّ وَعِمَارَةَ الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ كَمَنْ آمَنَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ وَجَاهَدَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ لَا يَسْتَوُونَ عِنْدَ اللَّهِ: أَبَا سِيرَابِ كَرْدَن حَاجِبَانِ وَأَبَادِ كَرْدَن مَسْجِدِ الْحَرَامِ رَا هَمَانْدَن كَسِي پَنْدَاشْتَه‌آید که به خدا و روز واپسین ایمان آورده و در راه خدا جهاد می‌کند؟ (نه، این دو) نزد خدا یکسان نیستند»^(۱۸)

بنابراین، روح آهنگ و قصد خانه‌ای که به سوی آن ره می‌سپاری، «ولایت» است و میان آن دو، پیوندی عمیق است و زائر، در تمام نقاط این حرم، خصوصاً کعبه و تمام لحظه‌های بجای آوردن مناسک آن، شمیم دل نواز و جان فزای عطر امامت و ولایت را با جان احساس می‌کند.

بارزترین جلوه این پیوند در «حجة الوداع» تجلی کرد. از این که پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) مأموریت یافت تا مناسک حج و خلافت و ولایت و امامت بلافصل خود را در آخرین سفر حج، به سمع و نظر جهانیان برساند، در می‌یابیم که این دو (حج و ولایت)، پیوندی ناگسستنی دارند.

رسول خدا (صلی الله علیه و آله) به آخرین حج می‌رود و همان طوری که درباره نماز فرموده بود: «همان طور که نماز می‌گزارم، نماز بخوانید»^(۱۹) در این حج نیز می‌فرماید: «خذوا عني مناسككم»^(۲۰) منتها در ابلاغ پیام مهم‌تر، از توطئه مخالفان و دشمنان و سرپیچی انسان بی‌سم و هراس دارد که پیک وحی از سوی خداوند متعال می‌فرماید: «يَا أَيُّهَا الرَّسُولُ بَلِّغْ مَا أُنْزِلَ إِلَيْكَ مِنْ رَبِّكَ وَإِنْ لَمْ تَفْعَلْ فَمَا بَلَّغْتَ رِسَالَتَهُ وَاللَّهُ يَعْصِمُكَ مِنَ النَّاسِ: ای پیامبر! آنچه از طرف پروردگارت

بر تو نازل شده است، کاملاً (به مردم) برسان! و اگر ابلاغ نکنی، رسالت او را انجام نداده‌ای! خداوند تو را از (خطرات احتمالی) مردم، نگاه می‌دارد»^(۲۱).

پیامبر نیز هنگام بازگشت از حج در سرزمین «غدير خم» حاجیان را جمع کرد و امیرمؤمنان را به عنوان ولی و خلیفه بلافصل خود معرفی کرد و فرمود: «من كنت مولاه فهذا علي مولاه»^(۲۲) آن گاه امین وحی الهی نازل شد و این آیه را بر پیامبر خواند: «الْيَوْمَ أَكْمَلْتُ لَكُمْ دِينَكُمْ وَأَتِمَمْتُ عَلَيْكُمْ نِعْمَتِي وَرَضِيتُ لَكُمُ الْإِسْلَامَ دِينًا»^(۲۳) امروز، دین شما را کامل کردم و نعمت خود را بر شما تکمیل نمودم و اسلام را به عنوان آیین شما پذیرفتم.

اکنون، سر این که چرا به هنگام طواف، باید بین خانه و مقام بود؟ و چرا نماز طواف را باید پشت مقام ابراهیم (علیه السلام) خواند؟ روشن می‌شود؛ زیرا این رموز، به ما می‌آموزد، طوافی با ارزش است که مابین توحید و امامت باشد. نیز نباید جلوتر از مقام ایستاد چون، سبقت بر امام، ما را به وادی حیرت و ضلالت می‌کشاند. همان طوری که به ما دستور داده‌اند، برای نماز، جلوی قبر مطهر امام نایستیم.

*. استاد و پژوهشگر مباحث مهدویت.

۱. نغمه‌های ولایت، سید رضا مؤید، ص ۲۷۱.

۲. امام صادق (علیه السلام): «ليس شئ افضل من الحج الا الصلاة و في الحج هنا صلاة». وسائل الشیعه، ج ۸، ص ۷۷.

۳. جواهر الکلام، ج ۱۷، ص ۳۱۴.

۴. علل الشرایع، کتاب الحج، ص ۳۹۹؛ کتاب من لا یحضره الفقیه، ج ۱، ص ۱۵۹.

۵. سوره حج/ ۲۷.

۶. امام صادق (علیه السلام): «بني الاسلام علي خمس: علي الصلاة و الزكاة و الصوم و الحج و الولایة و لم یناد بشيء كما نودي بالولایة». کافی، ج ۲، ص ۲۱.

لذا امام رضا (علیه السلام) می‌فرماید: «تمامیت حج به وسیله امام است». کافی، ج ۱، ص ۲۵۶.

۷. جواهر الکلام، ج ۱۷، ص ۲۱۴.

۸. امام صادق (علیه السلام): «... ما یعدله شيء...» وسائل الشیعه، ج ۸، ص ۷۸.

۹. مستدرک الوسائل، ج ۸، باب ۲۴.

۱۰. امام صادق (علیه السلام): «اما لو ان رجلا قام ليله و صام نهاره و تصدق بجميع ماله و حج جميع دهره و لم یعترف ولایة ولی الله فیوالیه و یكون جميع اعماله بدلالته الیه ما كان له علي الله جل و عز فی ثوابه و لا كان من اهل الايمان». کافی، ج ۲، ص ۲۳.

۱۱. امام باقر (علیه السلام): «بني الاسلام علي خمس... فجعل في اربع منها رخصة و لم یجعل في الولایة رخصة... و من لم یکن عنده مال فلیس علیه حج و من كان مریضاً، صلي قاعداً و افطر شهر رمضان. و الولایة صحیحاً كان او مریضاً، او ذا مال او لامال له فهي لازمة». الخصال، باب پنج گانه، ح ۲۱. در حقیقت، همان طوری که امام صادق (علیه السلام) فرمودند، آغاز و انجام حج و سایر عبادات، معرفت به ولایت است: «... فاتحة ذلك كله معرفتنا و خاتمة معرفتنا».

۱۲. «النظر الي الكعبة العبادة». وسائل الشیعه، ج ۹، ص ۳۶۴.

۱۳. بحار الانوار، ج ۳، ص ۷.

۱۴. وسائل الشیعه، ج ۹، ص ۳۶۴.

۱۵. همان، ج ۹، ص ۳۴۹.

۱۶. صهبای حج، آیت الله جوادی آملی، ص ۲۴۱.

۱۷. سوره توبه/ ۱۹.

۱۸. عوالی اللثالی، ج ۱، ص ۱۹۷.

۱۹. همان، ص ۲۱۵.

۲۰. سوره مائده/ ۶۷.

۲۱. ر.ک: الغدير، ج ۱، ص ۹ به بعد.

۲۲. سوره مائده/ ۴.

کعبه و حرمت

آن، زمزم و

شرافت آن،

صفا و مروه

و صفای آن،

قربان‌گاه

و تقوای

قربانی‌اش،

رمی جمرات

و طرد

شیطان‌اش،

عرفات و

نیایش

خالصانه‌اش،

سرزمین

حرم با همه

برکات‌اش، در

پرتو ولایت

و امامت

رسول خدا

و اهل بیت (علیهم السلام)

است.





بهانه‌ای برای یاد

موسی بن سيار می‌گوید: در مسافرتی که امام رضا علیه السلام به سوی طوس داشتند من با حضرت بودم، نزدیک دیوارهای طوس صدای شیون و فغانی بلند شد. در پی آن رفتم، ناگاه به جنازه‌ای سپس او را بلند کرده و خود را به او چسبانید (چنان که نوزاد، خود را به مادر می‌چسباند) آن گاه رو به من روزی که از مادر متولد شده است که هیچ گناهی برای او نیست.

وقتی جنازه را نزدیک قبر بر زمین نهادند، دیدم امام رضا علیه السلام به طرف میت رفت و مردم را کنار زد تا خود را به او رسانید، سپس دست خود را بر سینه او نهاد و فرمود: «ای فلان بن فلان، تو را بشارت باد به بهشت. پس از این ساعت، دیگر وحشت و ترس برای تو نیست». به این دیار نیامده‌اید؟ فرمود: ای موسی! آیا نمی‌دانی که اعمال شیعیان در هر صبح و شام نزد ما عرضه می‌شود؟ اگر در اعمال ایشان تقصیری دیدیم، از خدا می‌خواهیم که او را عفو کند و اگر از آنان کار خوب دیدیم از خداوند برای آنان پاداش نیک مسئلت می‌نماییم.^(۱)

العسکری علیه السلام اعمال ما بر آن حضرت در هر صبح و شام عرضه می‌شود. امام زمان علیه السلام عین الله و چشم بینای هستی و به مثابه دوربینی است که از همه عالم و آدم، نهان و آشکار، کوچک و بزرگ، مرئی و نامرئی، ملکی و ملکوتی، دنیوی و اخروی فیلم برداری می‌کند. خود بفشارد، اعمال را به گونه‌ای انجام ده که مورد رضایت آن حضرت باشد. امیرا هم‌نشین این گدا شو به جان مادرت از من رضا شو

*. کارشناس مباحث مهدویت.
۱. بحار الانوار، ج ۴۹، ص ۹۸.



امام

رضا علیه السلام

هر کس

جنازه‌ای از

دوستان ما

را مشایعت

کند، از گناهان

خود بیرون

آید مانند

روزی که از

مادر متولد

شده است...



آخرین سفار

● امید درویشی

سلام بر شهیدان، آنان که در قهقهه مستانه و در شادی وصولشان نزد خداوند روزی می‌خورند، سبکبالانی که ترکش‌های داغ و بران پر پروازشان بود و بهانه‌ای برای آسمانی شدنشان، شهیدانی که در قطعه‌ای از زمان، درس معرفت و محبت امام زمان (عج) را به تمام زمانیان دادند و با انتظار سبز خود، کهکشانی از زیبایی‌ها خلق کردند تا راه را به ما نشان دهند. جان بر کفانی که آن قدر در درگاه الهی خواستنی شدند که خداوند متعال مشتاق دیدارشان شد و مصداق بارز آیه «ارْجِعْ إِلَى رَبِّكَ رَاضِيَةً مَرْضِيَّةً»^(۱) شدند.

یکی از زیبایی‌های مشهود زندگی شهدای عزیزمان، عشق به امام زمان (عج) بود و در این ادعای عاشقی، غایت قدم بودند. با نگاهی به وصیت‌نامه‌های آنان کمتر وصیت‌نامه‌ای است که نامی از امام زمان (عج) در آن به چشم نخورد. آنها این عشق پاک خود را نسبت به وجود مقدس حضرتش با بیانات مختلفی به منتظران واقعی نشان داده‌اند. در ذیل به برخی از «آخرین سفارشاتشان» اشاره می‌شود.

● شهید عبدالحسین برونسی

فرزندانم! خوب به قرآن گوش کنید و این کتاب آسمانی را سرمشق زندگیتان قرار دهید؛ باید از قرآن استمداد کنید؛ باید از قرآن مدد بگیرید و متوسل به امام زمان (عج) باشید.^(۲)

● محمد رضا شفیعی نیک آبادی

از افرادی باشید که همیشه سعی در زمینه سازی ظهور حضرت صاحب الامر (عج) دارند؛ بکوشید اول خود و بعد جامعه را پاکسازی کنید. دعا کنید این انقلاب به انقلاب جهانی آقا امام زمان (عج) متصل شود.^(۳)

● شهید سید ناصر طاهری

... از همه می‌خواهم با عمل به دستورات اسلام و انجام وظایف، منتظر ظهور امام زمان (عج) باشید و تعجیل در ظهور او را از خداوند بخواهید.^(۴)

● شهید مرتضی نور صالحی

... لحظه‌ای خدای تبارک و تعالی و جمیع انبیا و ائمه اطهار (عج) را فراموش نکنید و در تمام حالات از خداوند بخواهیم فرج امام زمان (عج) و ظهورش را نزدیک بفرماید.^(۵)

● شهید محسن اسماعیل زاده

با حمد و ثنای خداوند متعال که ما را لیاقت بخشید تا در این برهه از زمان قرار گرفته تا شاید بتوانیم از زمینه سازان ظهور حضرت مهدی (عج) و از یاوران او باشیم.^(۶)

● شهید علیرضا کاشی زاده

ای مسلمانان دنیا، دست اتحاد و برادری بدهید و به ندای رهبر لبیک بگویید، بلکه مسلمانان را از دست زورگویان دنیا نجات دهید و به زودی زود، ظهور امام زمان (عج) نزدیک شود و آقا بیاید و جمال نورانیش را مشاهده کنیم.

● شهید رحمت الله هاشمی

اکنون که انقلاب اسلامی به رهبری امام عزیزمان می‌رود تا زمینه ساز ظهور امام مهدی (عج) قرار گیرد و ریشه ظالمین را از بیخ و بن برکند، بر تک تک شما برادران و خواهران - که انتظار فرج آقا امام زمان (عج) را دارید - لازم است از انقلابمان و از ولایت فقیه با تمام وجود پاسداری کنید.^(۷)

● شهید محسن فریدونی

از خواهرانم تقاضا دارم حجاب را کاملاً رعایت فرمایند و به برادرانم توصیه می‌کنم راه امام، انقلاب اسلامی و امام زمان (عج) را ادامه دهند.^(۸)

۱. سوره فجر/۲۸.

۲. خاک‌های نرم کوشک، ص ۲۶۲.

۳. هزار حنجره، آواز، ج ۳، ص ۱۵۷.

۴. همان، ج ۳، ص ۱۴۴.

۵. مرد میدان مین، مژگان شیخی، ص ۱۲۱.

۶. روح شهید، ابوالفضل سبزی، ص ۱۲۲.

۷. هزار حنجره، آواز، ج ۳، ص ۶۱.

۸. همان، ص ۱۸۱.

... لحظه‌ای

خدای تبارک

و تعالی و

جمیع انبیا و

ائمه اطهار،

خاصه امام

زمان (عج) را

فراموش

نکنید



اقامه نماز

● حمیدرضا نادری*

صادق (علیه السلام) می‌فرمایند: «بجای آوردن نماز در اول وقت موجب خشنودی خداست و بجای آوردن آن در آخر وقت گناه می‌باشد، ولی مورد عفو و مغفرت خداوند است».^(۱)

■ اهتمام امام زمان (عج) به انجام عبادات

وجود روایات فراوانی از ائمه (علیهم السلام) بیان گر آن است که امام زمان (عج) اهتمام زیادی برای راز و نیاز با معبود متعال دارند، چنان که در روایتی از امام سجاد (علیه السلام) در وصف عبادت حضرت مهدی (عج) می‌فرماید: «با آن چهره گندم‌گون، زردی بی‌خوابی شب نیز آمیخته است. پدرم فدای آن کس که شبش را در حال سجود و رکوع و ستاره شماری (کنایه از بیداری برای عبادت) خواهد گذراند».^(۲) در روایت دیگر امام موسی کاظم (علیه السلام) در خصوص توصیف عبادت امام عصر (عج) می‌فرمایند: «بر رنگ گندم‌گونش به‌خاطر بیداری شب‌ها، زردی عارض می‌شود».^(۳)

■ تأسی منتظران به امام عصر (عج)

تأکید آموزهای دینی بر این است که در روز قیامت هر کس با امام خودش می‌چسورد، کما این که قرآن کریم می‌فرماید: «يَوْمَ نَدْعُو كُلَّ اُنَاسٍ بِاِمَامِهِمْ»^(۴) به‌یاد آورید روزی را که هر گروهی را با پیشوایانشان می‌خوانیم». بنابراین بر منتظران لازم است برای محسوس شدن با امامشان، با تأسی به آن حضرت و به‌کارگیری فرمایشات ایشان، خود را از بند شیطان رها و سعی در صیقل دادن روح و جان خود نموده و از گناه و غفلت دوری کنند؛ همچنین برای این که هرچه زودتر به دیدار امام خود نائل گردند با انجام اعمال و فرایض دینی خود زمینه ساز ظهور گردند، همان‌طور که امام زمان (عج) علت غیبت خود را چنین بیان فرموده است: «علت غایب شدن ما از شیعیان چیزی جز آن چه از کردار آنان به ما می‌رسد، نیست».^(۵)

هیچ عبادتی به اندازه نماز نمی‌تواند انسان را به امام خود نزدیک‌تر کند، زیرا نماز کلید رهایی از دست شیطان، معراج مؤمن به سوی معبود و دور کننده از گناه و بدی است؛ با نور نماز، قلب و جان صفا پیدا می‌کند و تجلی گاه رحمت حق می‌شود. به همین خاطر باید سعی شود به نماز توجه و دقت بیشتری شود تا ظرف وجودی ما قابلیت دریافت انوار و الطاف بی‌کران رحمت امام عصر (عج) را پیدا نماید.

■ نقش نماز در پیشرفت و تعالی جامعه منتظر

۱. نماز باز دارنده از جرائم است

فلسفه خلقت انسان رسیدن به توحید و مقام قرب الهی می‌باشد. لذا خداوند از باب لطف برای هدایت بشر، دستورهایی را وضع و توسط رسولان خود به مردم ابلاغ فرموده است تا انسان‌ها با بکارگیری آن فرامین، راه رشد و ترقی به سوی کمال را پیدا کنند. نماز از جمله این فرایض می‌باشد که طبق آیات و روایات در تمام ادیان الهی جزء سفارشات انبیا بوده است.^(۶) در این باره امام صادق (علیه السلام) می‌فرماید: «احب الاعمال الی الله عزوجل الصلوة و هی آخر وصایا الانبیاء»^(۷) محبوب‌ترین اعمال نزد خدای متعال نماز است و همین نماز آخرین وصیت پیامبران بوده است». یکی از اصلی‌ترین کار امامان نیز اقامه و ترویج نماز در جامعه می‌باشد. بهمین دلیل پس از ظهور حضرت مهدی (عج) اقامه نماز در رأس امور ایشان است؛ چنان که قرآن کریم می‌فرماید: «الَّذِينَ اِنْ مَكَّنَّاهُمْ فِي الْاَرْضِ اَقَامُوا الصَّلَاةَ».^(۸)

■ نماز از دیدگاه امام زمان (عج)

امام زمان (عج) طبق روایات وارده سفارشات بسیاری درباره نماز دارند که در ذیل به پاره‌ای از این روایات می‌پردازیم:

■ الف. توصیه امام مهدی (عج) به خواندن نماز

چون شیطان موجب بدبختی خود را انسان می‌داند. اعلام موضع کرده و گفته است: «قَالَ فَبِعِزَّتِكَ لَأُعْوِيَنَّهُمْ اَجْمَعِينَ اِلَّا عِبَادَكَ مِنْهُمْ الْمُخْلِصِينَ».^(۹) لذا تمام توان خود را برای به انحراف کشیدن انسان به کار می‌برد. از این رو امام زمان (عج) برای مقابله با شیطان می‌فرماید: «فما ارغم انف الشیطان افضل من الصلاة فصلها و ارغم انف الشیطان»^(۱۰) هیچ چیزی به مانند نماز بینی شیطان را به خاک نمی‌ساید، پس نماز بگزار و بینی ابلیس را به خاک بمال. چنان که مشاهده نمودید از منظر امام عصر (عج) بهترین راهکار برای مقابله با شیطان و تسلط بر آن خواندن نماز است.

■ ب. سفارش امام عصر (عج) به نماز اول وقت

یکی دیگر از توصیه‌های امام (عج) خواندن نماز در اول وقت می‌باشد، چنان که در روایتی می‌فرمایند: «ملعون ملعون من آخر الغداة الی أن تنقضى النجوم»^(۱۱) ملعون و نفرین شده است کسی که نماز صبح را عمدا تأخیر بیندازد تا موقعی که ستارگان ناپدید شوند».

لازم بذکر است هر چند وقت نماز وسیع می‌باشد، ولی بهترین زمان برای اجابت دعا و اتصال با خداوند متعال، همان اول وقت است و تأخیر نماز از اول وقت مذموم می‌باشد، چنان که امام



از منظر امام

عصر (عج)

بهترین

راهکار برای

مقابله با

شیطان و

تسلط بر آن

خواندن نماز

است.





یکی از آثار و برکات نماز این است که مثل یک اهرم باز دارنده عمل می‌کند و انسان را از لغزش و گناه باز می‌دارد، چنان که قرآن کریم می‌فرماید: «وَأَقِمِ الصَّلَاةَ إِنَّ الصَّلَاةَ تَنْهَى عَنِ الْفَحْشَاءِ وَالْمُنْكَرِ».^(۱۳) طبق آمار درصد زیادی از مجرمین و خلاف‌کاران کسانی هستند که یا از نماز دور هستند و یا اگر هم نماز می‌خوانند، بخاطر سبک شمردن و بی‌توجهی به آن، اثر پذیری لازم را از نماز ندارند، چنان که امام صادق (علیه السلام) می‌فرماید: «نماز به همان مقدار که جلوی گناه را می‌گیرد پذیرفته می‌شود». لذا اگر روح نماز در جامعه‌ای دمیده شود، قطعاً جرم و جرائم در آن کاسته می‌شود و بالتبع چنین جامعه‌ای بالنده و شکوفا خواهد شد.

۲. نماز، اتحاد در جامعه را رقم می‌زند

نماز دارای دو بعد فردی و اجتماعی می‌باشد و در دین اسلام به نماز جماعت و نماز جمعه ارزش و اهمیت فوق العاده‌ای داده شده است. مسجد نیز به عنوان یک پایگاه عبادی - سیاسی از صدر اسلامی تاکنون نقش به خصوصی را ایفا کرده است. در سایه این تجمعات که برای اقامه نماز صورت می‌گیرد، تمام اقشار جامعه از هر صنف و گروهی که باشند در کنار هم، سر بر سجده می‌گذارند و مشغول راز و نیاز می‌شوند و این خود باعث همبستگی و اتحاد بیشتر بین احاد جامعه می‌شود.

۳. نماز موجب عزت جامعه اسلامی می‌گردد

با توجه به این که اکنون عصر رسانه و تبلیغات می‌باشد، هر گروه و مذهبی که در هر جای جهان زندگی می‌کند، سعی بر آن دارد که عقاید خود را به دیگران بشناساند و مروج دین خود باشد. برای شخصی که در یک جامعه اسلامی زندگی می‌کند، چه حرکت و عملی با شرافت و با فضیلت‌تر از این که اقتدار اسلام و شکوه مسلمین را زیاد کند. لذا انسان با شرکت در نماز جماعت قدمی در جهت تقویت اسلام و مسلمین بر می‌دارد و در نتیجه جامعه اسلامی مقتدر می‌گردد.

۴. نماز موجب تعاون در جامعه می‌شود

تعاون در سایه مشارکت گروهی مردم صورت می‌گیرد، لذا در جماعات مسلمین که برای خواندن نماز تشکیل می‌گردد، نماز

گزاران از مشکلات جامعه و حوایج برادران و خواهران دینی خود بیشتر اطلاع پیدا می‌کنند، از طرف دیگر چون شرکت در اجتماعات دینی حس انسان دوستی مسلمانان را تقویت می‌کند، از این رو سعی بر آن دارند در حد توان خود به رفع مشکلات جامعه و اشخاص نیازمند بپردازند، به همین دلیل شرکت در نماز جماعت و نماز جمعه موجب تعاون بیشتر در جامعه می‌گردد.

*. دانش پژوه مرکز تخصصی مهدویت.

۱. آیات زیادی در این خصوص نازل شده، از قبیل آیه ۳۲ سوره مریم و آیه ۳۴ سوره آل عمران و آیه ۸۹ سوره نور و آیه ۱۶ سوره لقمان.
۲. وسائل الشیعه، ج ۳، ص ۲۶.
۳. سوره حج/ ۴۱.
۴. سوره ص/ ۸۳-۸۲.
۵. کمال الدین، ج ۲، ص ۵۲، ص ۴۹.
۶. الغیبه طوسی، ج ۳۳۶.
۷. بحارالانوار، ج ۷۹، ص ۳۵۱، ح ۲۳.
۸. مکیال المکارم، ج ۱، ص ۲۵۲.
۹. همان، ج ۱، ص ۱۵۱.
۱۰. سوره اسراء/ ۷۱.
۱۱. احتجاج، ج ۲، ص ۳۱۵.
۱۲. سوره عنکبوت / ۴۵.



امام

صادق (علیه السلام)

می‌فرمایند:

«نماز به

همان مقدار

که جلوی گناه

را می‌گیرد

پذیرفته

می‌شود».



مرد بزرگ و کودک

(مدیریت تربیتی کودکان در حوادث)

• علی صدوقی*



هر چه کودک
در بلا و
بحران بیشتر
باشد و
نظارت مربی
بر او دقیق‌تر
صورت
گیرد، او به
شکوفایی
فطری بهتری
نائل می‌شود
و...



حضرات معصومین علیهم‌السلام در نوردن تا بر روی قله قرب و بقای الهی لطف خدا را تجربه کند. و این همه وقتی پدید می‌آید که تمامی مراحل تربیت را خوب تجربه کرده و از گردنه‌ها با سعه صدر و پایداری مراحل گذر نماید.

هر چه کودک در بلا و بحران بیشتر باشد و نظارت مربی بر او دقیق‌تر صورت گیرد، او به شکوفایی فطری بهتری نائل شده و مراتب حیات طیبیه را یکی پس از دیگری درک کرده و در آن فضای پاک و ملکوتی به هستی می‌نگرد و روابط خود با آن را در جهت درک عبودیت الهی بهتر و دقیق‌تر تعریف و تحلیل می‌کند.

این سخنان در مورد کودک شاید به ظاهر با غلو همراه باشد، اما مسئله چیز دیگری است. هیچ‌کس نمی‌تواند باور کند که سقف ظرفیت وجودی انسان به چه میزان می‌باشد و هیچ‌کس نمی‌تواند درک کند که کودک چه رفتار و عملی را از خود نشان می‌دهد، یعنی آیا توانسته تمامی ظرفیت وجودی خود را به جریان اندازد؟

والدین در ظاهر وظیفه دارند که حداقل زمینه را جهت رشد و شکوفایی فطرت کودک در اختیار او قرار دهند و آن بازی در

کودکی بخشی از مراحل رشد آدمی است که می‌تواند سکویی برای پرواز تا بی‌نهایت انسان باشد. کودکی دورانی است که می‌تواند فرد را برای فردا و فرداها آماده کند. کودکی دورانی است که استعدادها بالقوه می‌تواند به فعلیت درآمده و انسان با دو نیروی کنجکاوی و حقیقت‌طلبی راه را از چاه تشخیص دهد و زودتر از حد متعارف، خود را به ساحل امن حقیقت برساند.

هر چه کودک در بستر تربیتی الهی رشد کند و هر چه مراتب عبودیت را در سایه سار مربی فهیم و بزرگی چون امام زمان علیه‌السلام بهتر و دقیق‌تر درک نماید، می‌تواند زودتر استعدادهای نهفته وجودی خویش را به شکوفایی و فضیلت برساند. چه این که او معدنی است سرشار از ثروت بی‌متناهی که باید کاویده شود. و برای کاویدن باید با بلا و سختی و درد و بحران انس گیرد و در لابه‌لای چرخ دنده‌های بلا و سختی و آزمایش، حقیقت وجودی خویش را آشکار سازد. چرا که رسیدن به قله‌های شرف و افتخار وقتی پدید می‌آید، که انسان بتواند با شناخت راه و آگاهی به قوانین حاکم بر آن و آزادی از غیر خدا، از موانع راه عبور کرده و صخره‌ها و دره‌ها و پستی و بلندی‌ها را با توکل به خدا و توسل به

هفت سال اول است که بازی یعنی تعامل فعالی که کودک با محیط برقرار می‌نماید تا به فهم، تجربه، نشاط و انگیزه‌های جدید دست یابد و زمینه رویش جدید در وجودش پدید آید که این رویش یعنی مقدمه رشد وجودی او بر خلاف نظر مشهور والدین، اگر فرزندی با بحران‌های زمانه درگیر شده و جهت حل آنها تلاش کند، به میزانی که فهم او و درک او از حقیقت زندگی ارتقا می‌یابد، موضع‌گیری‌های او نه تنها دقیق، رقیق، لطیف و سلیم است که خود، زمینه‌ساز رویش بهتری در خویش و دیگران است. تحمل سختی‌ها و مشکلات وجودی، آدمی را صیقل داده و چشم‌انداز و اهداف جدیدی را برای او روشن می‌کند و با یک وزیدگی مناسب در جهت تحقق اهداف جدید و جدیدتر گام‌های بلند و ارزشمند را برمی‌دارد.

تربیت، تعطیل شدنی نیست و وابسته به امکانات و تجهیزات خاص نیز نمی‌باشد، که مربی و شاگرد در هر موقعیت و شرایطی و با هر امکان و استعدادی می‌تواند در جهت رشد متقابل یکدیگر گام‌های بلند را بردارند.

در تاریخ پرفراز و نشیب صدر اسلام، مسلمانان، شعب ابی‌طالب (علیهم‌السلام) را تجربه کردند. بحران‌های دوران جنگ‌های پیامبر (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) و امیرمؤمنان علی (علیه‌السلام) را تجربه کردند و بالاخره حادثه خونبار و غمناک و جانگداز کربلا را نیز به چشم دیدند و در همه این‌ها کودکان مستقیم یا غیر مستقیم، در متن یا در حاشیه حضوری فعال داشتند و مربیان در متن حوادث رسالت تربیتی خویش را ایفا نمودند.

یکی از کودکان صحنه عاشورا و حوادث بعد از آن، امام باقر (علیه‌السلام) است. بزرگ مردی کوچک که توانسته در بحران‌های مختلف با بهره‌گیری از فضای تربیتی والدین، به ویژه امام سجاد (علیه‌السلام) هویت خویش را دقیق بشناسد و در برخورد با حوادث روزگار بهترین موضع‌گیری را داشته باشد.

امام باقر (علیه‌السلام) در کربلا حدود چهار سال سن دارد. کودکی چهار ساله باید به دنبال بازی‌های کودکانه خویش - که با تخیلاتش همراه است - باشد. در این نگاه او، فهم و درایت و هدف متعالی جز رسیدن به آرزوهای کودکانه خویش ندارد، در چنین نگاهی انتظار از او بسیار کم و مسئولیت‌پذیری و درک و تحلیل مناسب از حوادث در برخورد با صلابت از او در مقابل قدرتمندان از چنین کودکی غیر قابل تصور است. اما...

اما در صحنه کربلا و حادثه خونبار عاشورا، امام باقر (علیه‌السلام) را می‌بینیم که در صف اسرا در مقابل ظالمی چون یزید چگونه می‌خروشد و حکیمانه سخن می‌گوید و از حریم امامت و ولایت پدر بزرگوار خویش دفاع می‌کند.

نقل است^(۱) که یزید به هنگام مواجه شدن با اسرای عزیز کربلا در شام، وقتی با امام سجاد (علیه‌السلام) روبرو شد و گفت‌وگوی مختصری بین آن دو رد و بدل شد، یزید از سخنان محکم و با صلابت امام سجاد (علیه‌السلام) بکه خورد و به مشاورانش گفت: با او چه باید کرد؟ مشاوران: او را بکش.

در این حال امام باقر (علیه‌السلام) این بزرگ مرد کوچک چهار ساله کربلا، لب به سخن گشود، به این مضمون: ای یزید! مشاوران تو به تو خیانت کردند.

یزید: دلیل این سخن تو چیست؟

امام باقر (علیه‌السلام) مگر در قرآن ندیده‌ای^(۲) که وقتی فرعون از مشاوران خویش در مورد موسی و هارون (علیهم‌السلام) نظر خواست، آنان فرمان به قتل آن دو ندادند، که فرمان به مسابقه دادن سحره با ایشان دادند. زیرا آنها می‌دانستند که کشتن پیامبر و فرزندان ایشان برای شخصیت فرعون بسیار هزینه می‌برد. پس باید کاری کرد که شخصیت این دو بزرگ‌مرد در نگاه ساده جامعه شکسته شود و اگر فرعون آنها را بکشد شخصیت اجتماعی فرعون شکسته می‌شود؛ زیرا قاتل پیامبر و ولی خدا فردی منفور در تاریخ می‌باشد. این‌جا بود که آنها فرمان به قتل این دو عزیز ندادند، بلکه به دنبال شکستن هویت اجتماعی موسی و هارون بودند.

ای یزید! مشاوران فرعون برای حفظ حریم و هویت فرعون تلاش کردند، ولی مشاوران تو نظری دادند تا تو در نظر مردم به عنوان یک فرد نامشروع و حرام‌زاده ظاهر شوی.

این سخنان، شخصیت امام باقر (علیه‌السلام) را - که کودکی خردسال است - نشان می‌دهد که وجودش به چه میزان متعالی است و چگونه سخنان حکیمانه را شجاعانه بر زبان می‌آورد؟ در این راستا باید گفت:

امام باقر (علیه‌السلام) اولاً: یزید را با فرعون مقایسه می‌کند.

ثانیاً: مشاوران یزید را در نظر یزید خوار و ضعیف می‌نماید.

ثالثاً: اقدام یزید بر کشتن امام معصوم (علیه‌السلام) را دلیل بر حرام زادگی معرفی می‌کند.

و در نهایت شجاعت و ذکاوت یک کودک مسلمان که در خانه وحی و ولایت تربیت شده را نشان می‌دهد.

راستی ما در امر تربیت فرزندان خویش چه کرده‌ایم، البته هیچ‌گاه ما در فضای قدسی که امام سجاد (علیه‌السلام) برای فرزندانش مهیا کرد نمی‌توانیم وارد شویم. اما اگر در مسیر آن فضا حرکت می‌کردیم، استعدادهای کودکان ما بهتر از این شکوفا می‌شد. پس باید به خود و به همه خانواده‌های مسلمان بگوییم. این تذهیب؟

کودکی چون امام باقر (علیه‌السلام) در کربلا و در متن بحرانی‌ترین حادثه تاریخ زندگانی خود، نه تنها عقیده خویش را از دست نمی‌دهد که در همان سن با اتخاذ تصمیمی اساسی از هویت خود و دیگران در مقابل ظالم دفاع می‌کند و بر او هجوم می‌برد و او را منفعّل می‌سازد.

وی پیام‌رسان کربلاست و حقیقت عاشورا را بر همه جاری می‌سازد و حقیقت هویت دین و اقتدار آن را بر همگان روشن می‌سازد.

او کمال دین را درک نمود و به همین خاطر فرمود: «الکمال کل الکمال التفقه فی الدین و الصبر علی النائبة و تقدیر المعیشة» قدرت مقاومت او در مقابل بحران‌های زمانه بسیار بالا است؛ چرا که او بحران‌های بزرگی را در کربلا پشت سر گذاشته است.

با درس‌گیری از زندگی اهل بیت (علیهم‌السلام) باید نظام تربیتی زندگی خویش را بازبینی کنیم و جواب‌گوی این سؤال باشیم که آیا تربیت به موقعیت و امکان و استعداد مناسب نیاز دارد و یا این که انسان در هر موقعیت و شرایط و با هر امکان و استعدادی باید تربیت شود.

*. استاد و محقق مباحث تربیتی مهدویت.

۱. نفس المهموم، شیخ عباس قمی.

۲. سوره اعراف/ ۱۱۱.



تربیت،
تعطیل شدنی
نیست و
وابسته به
امکانات و
تجهیزات
خاص نیز
نمی‌باشد،
که مربی و
شاگرد در هر
موقعیت و
شرایطی و
با هر امکان
و استعدادی
می‌تواند در
جهت رشد
متقابل یکدیگر
گام‌های بلند
را بردارند.



● سید روح‌الله زمانی موسوی*

جلوهای از ویژگی‌های منتظران در دعای عرفه امام سجاد (علیه السلام)

از بزرگ‌ترین نعمت‌های خدا آن است که بتوانند بدون هیچ واسطه با او سخن گفته و بی هیچ نگرانی، از او هر چه می‌خواهند طلب کنند. دعا از روش‌های تربیتی مؤثر و نافذی است که در مکتب حیات بخش اسلام به آن توجه خاصی شده است. ز میان امامان معصوم، حضرت امام زین العابدین (علیه السلام) جایگاه ویژه و منحصر به فردی داشته‌اند که به واسطه موقعیت خاص فکری، فرهنگی و خفقان سیاسی حاکم، با تمسک به زبان دعا به راهنمایی جامعه انسانی پرداخته و هر آنچه که برای رشد و کمال انسان لازم است در صحیفه گران‌سنگ سجاده بیان نموده است. متأسفانه شیعیان با وجود این که در کنار این دریای بی‌کران قرار دارند، ولی همچنان تهی دست‌اند.

از جمله دعاهایی که در صحیفه مبارکه سجاده وجود دارد، دعایی است که آن حضرت همچون پدر بزرگوارش در روز عرفه بیان نموده‌اند، که از ابعاد مختلفی قابل دقت و تأمل است. این مقاله در پی آن است تا با نگاهی گذرا، فرازهایی چند از این دعای شریف را که پیرامون ویژگی‌های منتظران حضرت مهدی (عج) است بیان نماید.

■ شاخص‌ها و ویژگی‌های منتظران

امام العارفین حضرت زین العابدین (علیه السلام) در این بخش از دعا با ذکر ده مورد به بیان این ویژگی‌ها پرداخته و به خداوند عرضه می‌دارد: «اللَّهُمَّ وَ صَلِّ عَلَى أَوْلِيَائِهِمُ الْمُعْتَرِفِينَ بِمَقَامِهِمْ»؛ پروردگارا! درود و رحمت فرست بر دوستان محمد و آل محمد (علیهم السلام) همان کسانی که به مقام جلیل‌شان سر تعظیم فرود آورده‌اند و به سیادت و برتری آنان اعتراف کرده‌اند. «الْمُسْتَعِينِ مِنْهُمْ، الْمُقْتَفِينَ أَثَرَهُمْ»؛ آنها کسانی هستند که به روش امامان رفته و از آثار آنان پیروی می‌کنند.

«الْمُسْتَمْسِكِينَ بِعُرْوَتِهِمْ، الْمُتَمَسِّكِينَ بِوَلَدِيَّتِهِمْ، الْمُؤْتَمِّينَ بِإِمَامَتِهِمْ»؛ کلمه «استمساک» که مصدر است برای فعل ماضی (استمسک) به معنای چنگ زدن و چیزی را محکم چسبیدن است، و کلمه «عروة» به معنای دستگیره... البته گیاه‌های ریشه‌دار و نیز درخت‌هایی را که برگ آنها نمی‌ریزد «عروة» می‌نامند.^(۱) بنابراین دوستداران آنها کسانی هستند که به دستگیره محکم و مطمئن ولایت چنگ زده و تنها آنان را به عنوان پیشوای خود برگزیده‌اند. «الْمُسْلِمِينَ لِأَمْرِهِمْ، الْمُجْتَهِدِينَ فِي طَاعَتِهِمْ»؛ سپس حضرت گامی فراتر رفته می‌فرماید: آنها کسانی هستند که به فرمان ولی زمان گردن می‌نهند و در اطاعت آنان از هیچ کوشش و تلاشی دریغ نمی‌کنند.

«الْمُنْتَظِرِينَ أَيَّامَهُمْ»؛ خلاصه این که دوستداران و شیعیان واقعی کسانی هستند که در یک جمله منتظر دولت ائمه اطهارند. به راستی اگر حضرت از میان تمام شرایط و ویژگی‌ها تنها این یک ویژگی را بیان می‌فرمودند کافی بود؛ چرا که منتظران واقعی کسانی هستند که به مقام و جایگاه والای ائمه، نه تنها به زبان اعتراف دارند، بلکه در مقام عمل، تسلیم محض بوده، به راه و روش آنان اقتدا کرده و در این اقتدا، از هیچ تلاش و کوششی دریغ نمی‌نمایند. و چه زیبا وضعیت این گونه افراد را به تصویر می‌کشد، آن‌جا که می‌فرماید: «الْمَادِّينَ إِلَيْهِمْ أَغْنَتْهُمْ»؛ کسانی که بدون توجه به اطراف، چشم نظر تنها به سوی آنان دوخته‌اند. البته این افراد از مواهبی نیز برخوردارند که حضرت آنها را در قالب دعا بیان می‌دارند:

«الصلوات المباركات الرآكيات الناميات الغديات الرآحات و سلم علیهم و علی أزواجهم»؛ برخوردار از صلوات و سلام ویژه در دنیا و آخرت. «و اجمع علی التقوی أمرهم، و أصلح لهم شئونهم»؛ وحدت و اجتماع بر محور تقوا و اصلاح امور.

«و توب علیهم، إنك أنت التواب الرحیم، و خیر الغافرین»؛ بهره‌مندی از رحمت و مغفرت الهی.

«و اجعلنا معهم فی دار السلام برحمتك، یا أرحم الراحمین»؛^(۲) همراهی و مصاحبت با ائمه اطهار.

نکته جالبی که در فراز اخیر وجود دارد این است که حضرت نفرد: خدا یا آنها را با ما در دارالسلام قرار بده، بلکه می‌فرماید: «و اجعلنا معهم» یعنی خدا یا ما را با آنها در دارالسلام جای بده، و این تعبیر حکایت از جایگاه رفیع این گونه افراد در نزد ائمه اطهار (علیهم السلام) دارد.



بنا بر

سفارش امام

سجاد (علیه السلام)

«دوستداران

و شیعیان

واقعی کسانی

هستند که

در یک جمله

منتظر دولت

ائمه اطهارند.»



* دانش پژوه مرکز تخصصی مهدویت.

۱. ترجمه المیزان، ج ۲، ص ۵۲۳.

۲. صحیفه سجاده، دعای ۴۷، دعای امام سجاد (علیه السلام) در روز عرفه.

انتظاری از جنس خلاقیت

● فاطمه حیدری

◀ ایستگاه اول: حرکت

- الو سلام، خوبی؟ جمعه این هفته میای بریم کوه؟
نه بابا حالش نیست، دلم می‌خواد تا ساعت ده بخوابم.
- الو سلام، برنامه‌ات برای جمعه این هفته چیه؟
صبح یه کله پاچه حسابی، بعدشم بزنیم به دل جاده بریم صفا.
- الو سلام، میای بریم پیاده روی خانوادگی؟
نه خسته می‌شم، اون وقت دیگه حال نماز جمعه رو ندارم... شرمنده.
- الو سلام، بچه‌ها قراره جمعه برن بوستان... تا شب هم می‌مونن... میای؟
بستگی داره کیا باشن... به خصوص اگه فالانی باشه من نیستم.
- الو سلام، دانشگاه جمعه این هفته، اردوی یه روزه جهادی گذاشته میای بریم؟
آره ولی چه کاری از من بر میاد.
- بابا اونقدر کار زیاده که هر کی بیاد می‌تونه یه گوشه کار رو بگیره.
قبول ولی باید حسابی برام توضیح بدی که دقیقاً می‌خوای من چه کاری انجام بدم.

◀ ایستگاه دوم: ایست!

جمعه‌ها برای بعضی‌ها روز تعطیل و استراحت است و برای بعضی‌ها پر مشغله‌ترین روز هفته. جمعه بعضی‌ها پر از عبادت است و جمعه بعضی‌ها پر از ورزش و هیجان و مسافرت. اما جمعه بعضی‌ها با دیگران بسیار تفاوت دارد. بعضی‌ها جمعه‌ها می‌آیند تا وقف صاحب جمعه شوند، جمعه‌ای هدفمند، جمعه‌ای پر از پر فعالیت و نشاط، پر از تحرک و هیجان و مسافرت، پر از عبادت و انتظار، جمعه‌ای تمام عیار و همه چیز تمام. بعضی‌ها اردوهای جهادی را بهانه می‌کنند، بعضی‌ها تدریس و بحث و درس و کلاس، بعضی‌ها کانون و یاد ماه و کلاس فرهنگی برپا می‌کنند و بعضی‌ها خلاقانه انتظارشان را هدفمند می‌کنند. از محدودیت‌ها خلاقیت را کشف می‌کنند، برایشان فرقی نمی‌کند که چه کاری را انجام می‌دهند، فقط با هدف انتظار رشد و شکوفایی را به بار می‌آورند... پویا نگاه می‌کنند و پویا زندگی می‌کنند و پویا منتظر هستند.

◀ ایستگاه سوم: تأمل

انتظار خلاقانه همراه با تولید فکر و علم و جنبش نرم‌افزاری از مباحث مهمی است که باید در میان منتظران ظهور برای پربایی دولت کریمه مورد توجه قرار گیرد. انتظار خلاقانه یعنی تکاپوی رسیدن به اهداف متعالی برای برقراری عدالت و یافتن مسیری برای نزدیک کردن امر فرج. منتظر خلاق از انتظار تک بعدی فرار می‌کند و برای او فرقی ندارد که فرد در چه لباس و شغل و مقامی است؛ وارد عمل می‌شود و رویکردی پر از تحول را برای فرد به ارمان می‌آورد. فرد خود را می‌شناسد و مختصات مکانی خود را در دایره حضور امام می‌یابد و هر جمعه منتظر ارائه گزارش کارهایی است که در طول هفته انجام داده است.

در انتظار خلاق، فرد منتظر مدیر جهان هستی است، مدیر مدبری است که گفته‌اند شاید این جمعه بیاید و شما باید آماده ارائه تمام فعالیت‌های خود باشید. در انتظار خلاق، فرد به علت تسلط کامل بر فعالیت تمام زوایای پنهان و آشکار کارها را شناسایی کرده و با توجه به نیازمندی موجود قدم در راه تولید فکر گذاشته است. مسئولین در انتظار خلاقانه اثر گذار و اثر پذیر هستند و تمام انرژی قدم‌هایشان به جمعه ظهور ختم می‌شود. انتظار خلاقانه برای فعالیت‌های گوناگون، برنامه می‌خواهد...



بعضی‌ها

جمعه‌ها

می‌آیند تا

وقف صاحب

جمعه شوند،

جمعه‌ای

هدفمند،

جمعه‌ای پر

از پر فعالیت

و نشاط،

پر از تحرک

و هیجان و

مسافرت، پر

از عبادت و

انتظار...





تعامل حوزه و دانشگاه

از گذشته‌های نه چندان دور، عده‌ای غرب زده که در برابر شکوه تصنعی غرب هویت خود را گم کرده و همه چیز را از بیگانه طلب می‌کردند، هر بحث و ایده‌ای و لو باطل را در چمدان اندیشه خویش نهاده، به عنوان سوغاتی فرنگ به جوانان و مردم ایران عرضه می‌کردند. ایجاد ضدیت و اختلاف میان حوزه و دانشگاه از جمله رهاوردهای منور الفکرها به جامعه ایران است.

■ دستاوردهای وحدت حوزه و دانشگاه

۱. انقلاب مشروطه

انقلاب مشروطه نقطه عطف مهمی در تاریخ معاصر ایران شمرده می‌شود، که محصول وحدت نخبه‌های حوزه با نخبگان دانشگاه است. اما متأسفانه با دسیسه‌های استعمار، این وحدت طولی نکشید و بعد از آن شاهد مصیبت‌های تلخی در تاریخ معاصر ایران بوده‌ایم.

۲. نهضت ملی شدن نفت

یکی دیگر از دستاوردهای وحدت حوزه و دانشگاه در نهضت ملی شدن نفت است؛ این نهضت که به رهبری آیت الله کاشانی به عنوان نماینده حوزه، و دکتر مصدق نماینده دانشگاه بود، توانست نفت را از دست استعمار که سالیان درازی آن را به غارت می‌برد به ملت بازگرداند؛ ولی متأسفانه دخالت‌های دوباره استعمار مانع از ادامه نهضت شد.

۳. پیروزی انقلاب اسلامی ایران

بدون تردید انقلاب شکوهمند ایران به رهبری امام خمینی ره، محصول پیوند حوزه و دانشگاه بود. حوزویان و دانشگاهیان با همدلی و اتحاد توانستند با بسیج توده‌های مردم و ارشاد آنها حکومت طاغوت را ریشه کن کرده و نظام مقدس انقلاب اسلامی را به پیروزی برسانند، در طول دوران جنگ نیز دانشگاهیان و طلاب حوزه، با اتحاد خود توانستند از این نهال تازه به خوبی نگهداری کنند. البته استعمار مثل گذشته دست به توطئه و اقداماتی برای ایجاد تفرقه میان این دو نهاد مهم و تأثیر گذار زد که با رهبری مدبرانه امام خمینی ره نتوانست به مقاصد شوم خود برسد ولی متأسفانه رگه‌هایی از اختلاف را توانست

از گذشته‌های نه چندان دور، عده‌ای غرب زده که در برابر شکوه تصنعی غرب هویت خود را گم کرده و همه چیز را از بیگانه طلب می‌کردند، هر بحث و ایده‌ای و لو باطل را در چمدان اندیشه خویش نهاده، به عنوان سوغاتی فرنگ به جوانان و مردم ایران عرضه می‌کردند. ایجاد ضدیت و اختلاف میان حوزه و دانشگاه از جمله رهاوردهای منور الفکرها به جامعه ایران است. این سوغاتی ریشه در یک نزاع تاریخی در فرهنگ غرب دارد؛ و آن نزاع علم و دین است، از وقتی که یافته‌های چشمگیر و روز افزون دانشمندان در عصر جدید، با برخی معتقدات علمی تحریف شده کلیسا آشکارا در تعارض قرار گرفت، در این راستا، طرفداران ماتریالیسم علمی، در کنار پوزیتیویست‌های منطقی، کل دین را اساطیر و داستان‌هایی پوچ و بی‌فایده دانسته، یگانه بها را به علم دادند. آنها دین را محصول احساس انسان‌ها دانسته و معتقد هستند که فقط ایمان تجربی مرجع معناداری است. چون زبان دین ناظر به موضوعات غیر تجربی می‌باشد، فاقد معنا و غیر قابل اعتنا می‌باشد.

این بحث‌ها و نزاع‌ها که در فرهنگ غرب رشد کرده بود، با ورود به فضای دانشگاه‌های ایران، نوعی حس حوزه ستیزی را در میان دانشگاهیان تولید نمود، البته باید دانست که این نسخه ساخته و پرداخته همان استعمارگران است که به دست جیره خورهای خود در ایران، چه قبل از انقلاب و چه بعد از انقلاب، پیچیده شده. این تباین و دوگانگی در بنیاد، همیشه عامل افتراق‌های بسیار در کنش و منش حوزه و دانشگاه و برخاستگان از آن دو بوده و آن دو را در صحنه تعامل و بازسازی نظام اجتماعی خود، از همکاری و هماهنگی و کارایی لازم بازداشته است.

استعمار با علم به این که وحدت حوزه و دانشگاه عامل مهمی بر سر راه اهداف شوم خود است، همواره در صدد بوده است که به این نزاع دامن زده و از نزدیکی این دو نهاد تأثیرگذار همیشه بیم داشته باشد. چرا که طعم شکست و ناکامی را آن گاه که حوزه



یکی دیگر از دستاوردهای وحدت حوزه و دانشگاه در نهضت ملی شدن نفت است.





راه؛ وحدت زمینه ساز

● سید محمد موسوی*

■ جایگاه حوزه و دانشگاه در زمینه سازی ظهور

با توجه به اهمیت پیوند این دو کانون تأثیرگذار در طول تاریخ و نیز نظر به اهمیت دورهای از زمان که در آن به سر می بریم، همچنین با توجه به ضرورت بستر سازی برای ظهور امام زمان (عج) به عنوان جامعه زمینه ساز و منتظر، پیوند و اتحاد این دو نهاد می تواند گام مهمی در زمینه سازی ظهور تلقی شود. دانشگاهیان و حوزویان به عنوان فرهیختگان جامعه، با خود سازی و نزدیکی بیشتر، با توجیه کردن افراد جامعه و تشکیل جنبش انتظار، همان طور که انقلاب اسلامی ایران را به پیروزی رساندند، می توانند زمینه ساز تحقق مدینه فاضله مهدوی شوند.

حوزه و دانشگاه اتاق فرمان نهادهای علمی کشور هستند و می توان با مدیریت مناسب و هدفمند از این پتانسیل قوی نهایت استفاده را نمود. حوزویان و دانشگاهیان به عنوان متفکران جامعه با روشننگری و هدایت مردم می توانند با ایجاد نهضت همگانی انتظار و آمادگی توده ها، جامعه منتظر را محقق نمایند و با مطالبه از دولت زمینه های عملی دولت زمینه ساز و جامعه منتظر حقیقی را جامعه عمل ببوشانند. و زمینه ساز تشکیل حکومت حضرت مهدی موعود (عج) باشند.

با وحدت این دو نهاد مهم و تأثیرگذار می توان با تفکر و اندیشه از انقلاب اسلامی پاسداری کرد و با برنامه ریزی درست و منسجم آن را به دست امام مهدی (عج) رساند، و این امر جز با وحدت و همدلی آنها امکان پذیر نخواهد بود.

همچنان در این میان جا بگذارد.

با مطالعه سسطور بالا متوجه اهمیت دو نهاد حوزه و دانشگاه در طول تاریخ معاصر ایران شده و اذعان می کنید که هر وقت این دو نهاد مقدس با هم متحد بوده اند شاهد پیروزی های بزرگی در تاریخ ایران بوده ایم، و هر وقت این دو نهاد از هم فاصله گرفته اند، جز شکست چیزی حاصل ما نشده است.

رهبران نهضت وحدت حوزه و دانشگاه با علم به این توانمندی و پتانسیل، نزدیکی این دو نهاد، تمام تلاش خود را جهت تحقق این آرمان بزرگ انجام داده اند. شهید آیت الله دکتر محمد مفتاح یکی از این روشنفکرانی است که نقش مهمی در نهضت اسلامی مردم ایران به رهبری امام خمینی (ره) ایفا نمود. ایشان، همچنین گام های مؤثری در راه ایجاد وحدت بین حوزه و دانشگاه و دو قشر روحانی و دانشگاهی برداشت. تلاش هایی که تأثیر بزرگی در اتحاد وحدت حوزه و دانشگاه داشت، تلاش هایی که برای استعمار و ایادی آنها گران آمد، و سرانجام خون این عالم مجاهد روی سنگ فرش های دانشگاه تهران ریخته شد^(۱) تا نهال وحدت حوزه و دانشگاه رشد کند.

اهمیت وحدت حوزه و دانشگاه به اندازه ای است که اگر نخبگان و عالمان حوزوی و دانشگاهی یک جامعه که در رأس هرم اجتماع قرار دارند، با یکدیگر دچار تضاد و تعارض شوند، این مشکل در روح و روان جامعه تأثیر منفی گذاشته و جامعه را دچار یک تعارض روانی می کند. دقیقاً مثل این که فردی دچار مشکل روانی شود، زیرا نخبگان جزو مهم ترین و تأثیرگذارترین افراد جامعه هستند و از نظر روان شناسی اجتماعی وحدت، همکاری و انسجامشان جامعه را سالم نگه می دارد. از سویی دیگر همان طور که اشاره شد تاریخ نشان داده است که از نظر اجتماعی و سیاسی، جدایی این دو موجب آسیب پذیری ملت و نزدیک شدن آنها موجب شکوفایی و ایجاد تحولات بزرگ می گردد.



هر وقت این دو نهاد مقدس با هم متحد بوده اند شاهد پیروزی های بزرگی در تاریخ ایران بوده ایم، و هر وقت این دو نهاد از هم فاصله گرفته اند، جز شکست چیزی حاصل ما نشده است.



*. کارشناس ارشد فلسفه و کلام اسلامی.

۱. شهید دکتر محمد مفتاح در روز ۲۷ آذر ۱۳۵۸ در حیاط دانشکده الهیات دانشگاه تهران، با شلیک چند گلوله توسط منافقین کوردل که از وحدت حوزه و دانشگاه هراس داشتند، به درجه رفیع شهادت نائل شد. این روز به پاس تلاش های آن بزرگوار روز وحدت حوزه و دانشگاه نامگذاری شده است.



فوری‌ترین مسئله ام

به عنوان یکی از کانون‌های تحریک طالبان به شمار می‌رود. فرقه مشهور طالبان به سرکردگی ملا عمر، در شهرهای کشور پاکستان، دروس حوزه (فقه حنبلی) را می‌گذراندند و پس از ماجراهایی که از حوصله بحث خارج است، به عنوان جهاد واقعی، مسلح شده و کل افغانستان را زیر سیطره خود گرفتند. هر چند پاکستان هنوز هم از حمایت رسمی طالبان، خودداری می‌کند، ولی ایالت‌های خود مختار در پاکستان، جولانگاه حضور طالبان در آن است. ایالت‌هایی که انواع اسلحه و مهمات، مانند گوجه فرنگی و خیار که میوه فروش‌ها جلوی مغازه‌هایشان می‌گذراند؛ در آن جا فروخته می‌شود!

در این اواخر اخبار پاکستان چند بار در صدر خبرهای ایران آمده بود. بار اول که احساسات شیعیان به ویژه اعتراض علما را بسیار برانگیخت، قاتله پاراچنار بود. ایالتی شیعه نشین که شیعیانش به راحتی کشتار می‌شدند و متأسفانه دولت پاکستان درباره این قضیه سکوت اختیار کرده بود و دست وهابیان را برای انجام اعمال شرورانه‌شان باز گذاشته بود.

اوایل سال جاری هم دستگیری «ریگی» به عنوان یک قاتل حرفه‌ای که انسان‌ها را قصاصی می‌کرد، دوباره پاکستان را وارد خبرها کرد. گروهک ریگی از پاکستان تغذیه می‌شدند و این مطلبی بود که دولت پاکستان نتوانست به راحتی آن را انکار کند. اما آیا تا به حال فکر کرده‌اید این کشور، چرا تا این حد، محل جولان گروه‌های مسلح، عناصر شرور، فرقه‌های تروریستی و ... است؟ برای دانستن این جواب، چند مقدمه ضروری است:

تنها فیزیکی‌دان مسلمانی که جایزه نوبل را دریافت کرد، پرفسور عبدالسلام، فیزیکی‌دان پاکستانی است. برای همین، خیلی هم دور از ذهن نیست که این کشور، دارنده بمب اتم باشد و در رقابت‌های هسته‌ای با هند، خود را از تک و تا نیندازد. به خاطر دارم که حتی لقب بمب اتم اسلامی نیز به این کشور داده شد!

بحران سیاسی در این کشور و عدم ثبات دولت‌ها، مسلمان بودن مردم این کشور و تکنولوژی بالای تسلیحاتی‌اش، باعث شد که آمریکا از این فرصت به وجود آمده استفاده کند و پاکستان را به عنوان یک شریک راهبردی و نظامی معرفی کند و نیروهایش را در پاکستان پیاده کند. واقعه یازده سپتامبر هم مزید بر علت‌های

گوشی همراه، دوباره تکانی به خود داد و رسیدن یک پیامک دیگر را اعلام کرد. کلید نمایش را فشار دادم. یکی از دوستان نوشته بود:

رهبرم! آیا دلیل بغض‌هایت سیل پاکستان نبود؟

این لطافت در خیالم از کسی ممکن نبود...

این پیامک، به صورت‌های مختلف و با گرایش‌های گوناگون سیاسی، دوباره و دوباره از طرف دوستان برایم ارسال شد. به آقا افتادم. وقتی در خطبه‌های عید فطر، بحث به سیل پاکستان رسید، چنان بغضی را فرو داد که جگر ما پاره شد. توصیه‌های اکید ایشان درباره اهمیت دادن به موضوع سیل پاکستان و آوارگی بیست میلیون نفر از این کشور مسلمان، آن هم در زمانی که همه مسلمانان به خاطر رسیدن عید فطر، در شادی به سر می‌بردند؛ باعث شد که کمک‌های نقدی ایران برای این کشور بحران زده، به بیش از هشت میلیارد تومان برسد و کمک‌های غیر نقدی نیز چیزی در همین حدود باشد.

کلیدی‌ترین نکته‌ای که آقا پیرامون پاکستان در این خطبه‌ها مطرح کردند، این جمله بود: «امروز فوری‌ترین مسئله جهان اسلام، سیل پاکستان است».

شاید در نگاه اول فقط بحث کمک‌های انسانی به مردمی بحران زده مطرح باشد، ولی عمق این دیدگاه، و رای این سخن‌هاست. به نظر می‌رسد بررسی موقعیت فعلی پاکستان، در شفاف شدن این سخن حکیمانه به ویژه برای ملت و دولت ایران، ضروری باشد.

در جوار مرزهای شرقی و جنوب شرقی ایران؛ کشور پاکستان قرار گرفته است. پاکستان به معنی سرزمین مردمان پاک است و بعد از فتنه مذهبی که انگلیس در زمان استقلال شبه قاره به نمود، به صورت یک کشور مسلمان، از هند بزرگ جدا شد و هندوهای پاکستانی به هند مهاجرت نمودند و مسلمانان هندی به پاکستان نقل مکان کردند.

سابقه نفوذ و تأثیر فرهنگ ایرانی در این کشور چنان است که هنوز مردمان ایالت‌هایی مثل پیشاور و حتی کشمیر - منطقه‌ای که هنوز محل مناقشات سیاسی نظامی بین هند و پاکستان است - تسلط بالایی روی زبان فارسی دارند.

پاکستان از شمال با افغانستان مرز مشترک دارد و متأسفانه



آیا ما که هر روز، فرج ولی غایب از نظر را از خدا می‌خواهیم، نباید خود حرکتی عملی انجام دهیم، آن هم برای فرج و آسایش یک ملت بلای زده؟ آیا منتظر مصلح نباید خود صالح باشیم؟





عکس‌ها از فارس‌نور و جامجم آنلاین



روز جهان اسلام

● هدی مقدم*

مراسم صبحگاه مدرسه و مؤمنین شان پس از هر فریضه، دعای فرج آقایان را می‌خوانند؟ آیا باید این ملت مسلمان رها شوند تا ثروت باد آورده وهابی‌ان، فرج و گشایش را برایشان تعبیر کنند؟ مگر نه این است که در زمان سختی، گرایش ملت‌ها به سمتی متمایل می‌شود که راه‌های نجات را برایشان می‌گشاید؟ آیا ما که هر روز، فرج ولی غایب از نظر را از خدا می‌خواهیم، نباید خود حرکتی عملی انجام دهیم، آن هم برای فرج و آسایش یک ملت بلا زده؟ آیا منتظر مصلح نباید خود صالح باشد؟ آیا ما که خودمان را سرباز امام عصر می‌دانیم؛ نباید مطیع اوامر نایب برحق او باشیم؟

به هر حال اگر امروز پاکستان از طرف مسلمانان جهان به فراموشی سپرده شود و رها گردد، بعدها کسانی به اسم مسلمان دست به تخریب و ترور می‌زنند که می‌توانستند انسان‌هایی عالم و آزاده باشند. کسانی که اسلام و مسلمانی را به قهقرا می‌پزند. و همه اینها، تنها یک قسمت از ابعاد وسیع فرمایش مقام معظم رهبری است.

و تو ای منتظر امام عصر عج!

اگر بدانی این سیل غیرمنتظره و پیام رهبر انقلاب مبنی بر توجه فوری به این حادثه، میدانی است برای مشق و تمرین، آن‌گاه دیدگاهت به این جمله کلیدی چگونه خواهد بود؟ مشقی برای همکاری کشورهای اسلامی و انسجام و همدلی آنها در یک موضوع خاص. وقتی جامعه بین الملل و مسلمانان در چنین موضوعی، متحدانه نقش آفرینی کنند و مدیریت صحیحی را برای اداره یک کشور بحران زده به کار گیرند؛ این اقدام، تجربه‌ای خواهد بود برای مدیریت دنیای بحران زده در زمان انقلاب جهانی، به امامت منجی کل.

پاکستان مدلی کوچک است برای مدیرانی که ادعای مدیریت جهانی دارند، جهانی که روزی رایحه خوش ظهور در آن خواهد پیچید و آن روز، روز درخشش مدیران با تجربه خواهد بود.

پیشین آمریکایی‌ها شد و به بهانه پیدا کردن بن لادن، حتی این روزها پس از نه سال، هنوز هم مناطق شمالی پاکستان را بمباران می‌کند و زن‌ها و کودکان بیگناه این منطقه را به خاک و خون می‌کشد.

حضور آمریکایی‌ها در پاکستان، دست آوردهای زیادی برای شیطان بزرگ داشت. به عنوان مثال یک کشور قدرتمند مسلمان را درگیر مسائلی کرد که در صورت فقدان آن، گرایش‌های شیعی آنها باعث می‌شد به یاران امام عصر عج، شیعیانی شیفته و سخت کوش افزوده شود. مردمانی که امروزه تحت تعالیم انحرافی وهابی‌ان کور دل، حاضرند جان خود را از دست بدهند و با بستن یک کمربند انفجاری، هر چه زودتر به خدمت اربابانشان مشرف شوند.

این جاست که سیاست چهره پلید خود را نشان می‌دهد؛ چرا که آمریکا نمی‌توانست تنها با تکیه بر ماشین نظامی، همه اهداف خود را در منطقه عملی کند. رشد روزافزون وهابیت در این کشور و حمایت‌های بی دریغ مالی از این گروه‌ها، نشان می‌داد که شیطان بزرگ می‌داند باید نسلی تربیت کند که بدون زور اسلحه، در راستای اهداف مستکبرین قدم بردارد و زجرآور این که گام‌های خود به سوی باطل را حق بیندارد. به اول بحث برگردیم و سیل پاکستان و اندوه رهبر.

هیچ اندوهی برای ملت سیل زده پاکستان بالاتر از آوارگی و از دست دادن خانه و کاشانه و حتی نابودی زمین‌های کشاورزشان نیست. ملتی که هر خانواده‌اش، داغدار یکی از عزیزان خویش است و در بحرانی‌ترین شرایط، روزگار می‌گذرانند و اندوه رهبر معظم انقلاب، جلوه‌ای بود از درک عمیق ایشان از آن‌چه در پاکستان می‌گذرد. شرایطی که شاید آینده مذهبی این کشور را نیز دستخوش دگرگونی سازد و به جای تربیت یارانی مخلص برای نهضت جهانی حضرت مهدی موعود عج؛ سربازانی سیاه دل متولد شوند که با تبر ریشه‌های اسلام ناب محمدی را به اسم اسلام مورد هجوم قرار دهند.

در غررالحکم از قول امیرالمؤمنین علی ع می‌خوانیم: «لَکَلِّ هَمٍّ فَرَجٌ، از برای هر اندوهی گشایشی باشد»؛ چه کسانی باید فرج را برای این مردمان تعبیر کنند؟

آیا اینان نباید همان کسانی باشند که فرزندان‌شان هر روز در



پاکستان

مدلی کوچک

است برای

مدیرانی

که ادعای

مدیریت

جهانی دارند،

جهانی که

روزی رایحه

خوش ظهور

در آن خواهد

پیچید و آن

روز، روز

درخشش

مدیران با

تجربه خواهد

بود.





ابوالفضل حمزه بیگی

دیر زمانی بود که چشم‌هایم خیره بر آسمان، دلواپس و نگران، گمشده‌ای از سلاله پاک محمد و آل محمد علیهم‌السلام را جست‌وجو می‌کردند و در انتظار طلوع خورشیدی حقیقی، از پس ابرها بودند، البته ابرها که نه! بهتر است بگوییم که نگارمان، پشت گناهان ما آدمیان قرار گرفته و این معاصی، مانعی بزرگ برای طلوع آفتاب تابان آخرین منجی، حضرت مهدی علیه‌السلام شده است. مهدی جان! شما خوب می‌دانی که باران، مجازی بیش نیست و تویی حقیقت باران که می‌بایست بر دل‌های چنان کوبی ما بباری و طراوت و سر سبزی ایمان و اخلاص را در ضمیر آدمیان برویانی. بگذار باران صدایت کنم!

گل‌های ناز اقا قیا و اطلسی رنگ از رخسارشان رخت بر بسته و گویی کمرشان شکسته است. دیگر نایی در نفس چکاوکان باقی نمانده، باغچه‌هایمان یکی پس از دیگری میل به تعالی و زندگی را از دست می‌دهند. این روزها دل گندم‌زار مثل دل کویری من، سوخته و خشکیده و سوزان است.

خداوند گارا! بگذار باران ببارد، بگذار زشتی‌ها را بشوید و پاکی‌ها را جایگزین کند، بگذار کویر قلوب و دل‌های آدمیان را جان و طراوتی دوباره بپخشاید و سیراب کند. بگذار بیارد و باغ‌های حسرت زده را بسان گلستان کند، بگذار بوستان‌ها را پر از نغمه هزار کند.



طاهره جعفری

سلام بر تو ای پیر عدالت. سلام بر تو آن لحظه‌ای که به نماز می‌ایستی. سلام بر تو ای پدر آزادی. سلام بر تو ای تنها باقیمانده خدا بر روی زمین تشنه.

ای امام زمان! نمی‌دانم چه بگویم و چه بنویسم یا چگونه با تو صحبت کنم که دچار اشتباه و لغزشی نشوم، واقعا سخت است. وقتی اسمت را نزد خودم تکرار می‌کنم و یا بر روی کاغذ می‌نویسم، تمام وجودم پر از شور و هیجان می‌شود.

مهدی جان دل‌های همه ما از انتظارت سوخت و چشمانمان از انتظارت نابینا گشت. دیگر صبرمان سر آمده و آرزوی طلوع آفتاب روی نازنین تو را داریم. ای کاش به ساحل غم گرفته دل‌هایمان سری بزنی. ای کاش روزی، همه عاشقانت را بر سر سفره کرمت میهمان کنی.

یا صاحب الزمان! تو خودت شاهد هستی که ظالمان و ستمگران چه قدر ستم‌دیدگان را مورد آزار و اذیت قرار می‌دهند و تمام زمین را ظلم و ستم فراگرفته است، هر روز عاشورایی پیاپی می‌شود و همه تو را صدا می‌کنند و منتظر تو هستند که بیایی و عدالت را در سراسر زمین برقرار و ظالمان را نابود کنی و امنیت را به جهان برگردانی.



فاطمه خزانل

نام زیبایی: م ح م د،

م: معرفت شیرین، ح: حسرت دیدارت، م: مانده بر، د: دل سوخته من.

لقب نوارنی‌ات: مهدی، م: مهتاب بی‌غروب ه: همه وجودم، د: دوست دارم، ی: یار مستضعفانی. منم فاطمه، ف: فخر من این است که عاشق توأم، آ: آرزوی من خدمت به تو و محبت، ط: طاقت دوریت برایم مشکل است، م: مرا بپذیر که سرباز توأم، ه: همراه تو می‌مانم تا آخر راه. مهدی جان: ای میم محبت بی‌پایان، ه: هدایت دل‌هایی، دال: دلیل بودن مایی، ی: یاور مستضعفانی، می‌دانم که می‌آیی اِنْهَمْ یَرْوُثُهُ بَعِیداً وَ تَرَاهُ قَرِیباً.

همه جا مال توست اما حتی در مملکت خود هم غریبی، ای غریبه آشنا، نباشد روزی کنارم باشی و شناسمت، ای عشق نمی‌خواهم در طوبی و شرق و غرب و کربلا و مدینه و مکه دنبالت بگردم، آخه از من به من نزدیک‌تری، در هر جا باشی در قلب من ساکنی، پس در قلب خود می‌جویمت. ای غریبه غصه نخور، من هم غریبم. ای غریب همیشه حاضر، مرا هم با درد آشنا کن. این دنیا را به خاطر وجود تو دوست دارم. ای وجود بی‌وجودها، ای غریب‌ترین غریب‌ها.

درخشش

فصل‌های سبز - زرد - خاکستری می‌گذرد
زمین، چرخ می‌دوباره می‌زند
می‌چرخد، می‌چرخد، می‌چرخد
و تقویم به جمعه می‌رسد
دوباره افسوس
دوباره مرگ واژه‌ها
و انگشت نیلوفری‌اش جوهری می‌شود
چشم‌ها رمقی برای مردن ندارند
و انتظار در آغوش جاده ساییده می‌شود.

مریم مدرس



مرضیه کریمی

در کوچه باغ، انتظار بوی امید به مشام
می‌رسد. کی می‌شود به میهمانی بیدهای
مجنون که در این باغ به انتظار نشسته‌اند،
بیایی؛ ای صفای چشمه‌سار وجودم و ای
هوای پرواز پرنده زندانی روحم، کی می‌شود
گام‌های سبز آمدنت در گوش و جانم
آهنگ ظهور را به صدا درآورد تا در آن
هنگام گل‌های نرگسی را که در باغچه قلبم
کاشته‌ام، با تمام وجود تقدیمت می‌دارم.



فاطمه میرزائی

وقتی باران از پشت شیشه دلم می‌بارد؛
وقتی گریه در بغض گلویم می‌شکند؛
وقتی صدای طپش پرتلاطم قلب کوچکم
درون سینه‌ام می‌پیچد؛ وقتی شاپرک‌های
باغ نگاهم پر زدن را از یاد می‌برند؛ وقتی
تاریکی، سراسر وجودم را فرا می‌گیرد؛ باز
می‌یابم که یک ناجی بیشتر ندارم و او کسی
جز مهدی موعود عج نیست. پس عاجزانه
از درگاه خداوند منان مسئلت می‌نمایم که
به حق و حرمت یاس کبود، فاطمه زهرا ع
ظهور حضرت را نزدیک‌تر بگردان.



حسین زارع

تو انتهای نگاه هر خسته دلی، ای فردای
هر روز! در طلوع هر صبح، نگاهمان را
بر بلندای آسمان می‌دوزیم و با پیمانی
که با سرخی افق در هر غروب می‌بندیم
دوباره برای یک روز پر از امید و روشنایی
می‌اندیشیم.
ای سفید افق بیکران و ای قبله گاه
آرزوهایمان! پرنده امید، در بلندای وجودمان
آشیانه می‌گزیند و حیاتمان را به آن سوی
افق می‌برد. و چشم‌هایمان را در جاده
انتظار روشن نگه می‌دارند، کشتی وجودمان
در دریای پرتلاطم بی‌ساحل انتظار، لنگر
می‌اندازد و هستی به وسعت انتظار، مأمن
سبز می‌گستراند. پس ای مسافر شفق!
به امید فردای روشن به افق سرخ چشم
می‌دوزیم.



اگر تصویر درست و جامعی از فرهنگ اصیل مهدوی نداشته باشیم و امام زمان علیه السلام واقعی را معرفی نکنیم، گروهی شیاد با شیوه‌ها و شگردهای عوام فریبانه وارد عرصه شده و منتظران حضرت مهدی علیه السلام را به بیراهه می‌برند.



مهریه‌ات را به من بده

● محمدرضا نصوری*

خود می‌افزایند، از این رو باید مدعیان دروغین را ضمن ارشاد و راهنمایی، در صورت ادامه با آنان برخورد قاطع شود تا اصل جریان مقدس مهدویت به انحراف نرود و همچنین مردم متدین و عاشقان به ساحت مقدس حضرت مهدی علیه السلام را با شیوه‌ها و شگردهای جذاب افراد مدعی آشنا کرد تا آنان را در مقابل دیگر شیادان و مدعیان واکسینه نمود و جامعه مهدوی را از افراد سست ایمان و شیادان پاک کرد تا مبادا دستاویزی برای دشمنان اسلام و برخی به اصطلاح روشنفکران وهابی^(۱) و غیر وهابی قرار گیرند.^(۲)

■ ضرورت بحث

یکی از راه‌هایی که دشمنان به راحتی به مبنای اصیل ما آسیب وارد می‌کنند، تقویت و دامن زدن به بدعت‌ها و خرافاتی است که در قالب ادعاهای دروغین وجود دارد و اگر تصویر درست و جامعی از فرهنگ اصیل مهدوی نداشته باشیم و امام زمان علیه السلام واقعی را معرفی نکنیم، گروهی شیاد با شیوه‌ها و شگردهای عوام فریبانه وارد عرصه شده و منتظران حضرت مهدی علیه السلام را به بیراهه

اندیشه مهدویت و انتظار منجی از دیرباز همواره در تمام جوامع اسلامی و غیر اسلامی بوده، به ویژه در جوامع اسلامی این واقعیت به گونه‌ای مشهود شده است که کسی نمی‌تواند به سادگی منکر آن گردد. متأسفانه در طول تاریخ، امر مقدس مهدویت دچار آسیب‌هایی بوده و هست و دستاویزی برای برخی از دشمنان اسلام شده است تا با کم رنگ کردن اصل جریان مهدویت و نا امید کردن پیروان از ظهور و وجود امام زمان علیه السلام تلاش‌های زیادی کرده‌اند.

یکی از این آسیب‌ها ادعاهای افرادی است که مدعی مهدویت و یا ارتباط مستقیم با حضرت مهدی موعود علیه السلام می‌باشد، اگر چه ارباب معرفت و تقوا و مؤمنین آگاه در هر عصری با درایت، افراد مدعی را از اطراف خود دور می‌کنند. اما عنصری که با ایمان و اعتقادات ضعیف و سست با جهل و نادانی که بر آنان غلبه کرده، در دام مدعیان جاه‌طلب و دنیاپرست گرفتار می‌شوند و اگر اطلاع رسانی به موقع و منطقی انجام نگیرد، مدعیان با شیوه و شگردهای خاص با وارونه کردن حقیقت اصیل، بر مریدان

۲. باز بودن دکان مدعیان دروغین

ادعاهای دروغین مهدویت، مسئله‌ای نیست که به تاریخ برگردد، بلکه مسئله این است که همچنان ادامه دارد و به تعبیر مقام معظم رهبری که فرمودند: «... مواظب باشید توی دام عنکبوت‌های دنیا دار و دکان دار (وارد) نشوید. الآن این روزها از این چیزها زیاد است و دکان دارهایی که به اسم معنویت ادعا می‌کنند امام دیدیم، فلان دیدیم هیچ واقعیتی هم ندارد، حواستان باشد که اسیر آنها نشوید».^(۵) این هشدار رهبری نشان از این است که شیادان فعال هستند و از خلأ معنویت و مهدویت سوء استفاده کرده و افراد غافل و ناآگاه را با نشان کردن به انحراف می‌کشانند و برای رسیدن به اهداف نامشروع خود هر کاری را انجام می‌دهند و در مقابل یک اصل که همان حقیقت وجودی امام عصر^(ع) است افرادی تقلبی هم وجود دارد و با دکان داری سعی می‌کنند خودشان را مطرح کنند و مریدانی پیدا کنند و جامعه را با اهدافی که دارند به انحراف می‌برند.

۳. تشابه حق و باطل در اثر طرح این ادعاها و فریب خوردن برخی ناآگاهان

علت این امر نیز این است که در این گونه موارد معمولاً باطل خود را با لباس حق جلوه گر می‌نماید و از این طریق دل‌های غافل و ناآگاه و عمدتاً احساسی را فریب می‌دهد و در نتیجه برای تمایز حق و باطل لازم است مدعیان دروغین شیوه و شگردهایشان برای مخلصین و مریدان واقعی روشن گردد و ضمن پرداختن به مباحث معرفتی و اثباتی، به موارد سلبی، از جمله مدعیان اشاره گردد تا مخاطب بعد از کسب معرفت لازم موارد تقلبی و شیطانی را هم آگاه گردد و به دیگر مؤمنین انتقال داده شود تا مباد ناخواسته محفلی را گرم نگه دارند و دیگران نیز با حضور آنان اعتماد کرده و آنها هم به انحراف کشانده شوند. و افراد مدعی با تلاش زیاد سعی می‌کنند با وارد کردن بدعت و خرافه‌های باطل، حق را طوری جلوه دهند که در نگاه انسان‌های مشتاق و کم ایمان حق تصور می‌کنند.

می‌برند. با بررسی شگردها و شیوه‌های جذب و معرفی مدعیان دروغین مهدویت می‌توان از آفات درونی و بیرونی و آسیب‌های تدریجی جلوگیری کرد. یعنی در مقام رفع یا پیشگیری بر آمد که هزینه‌ای بس کمتر از درمان و چاره اندیشی در مقابله با آنان دارد و اگر بر پایه اصیل فرهنگ مهدویت با نگاه راهبردی داشته باشیم قطعاً موفق خواهیم بود.

ضرورت مطالعه و معرفی مدعیان دروغین را می‌توان در عوامل ذیل جست‌وجو کرد:^(۶)

۱. هشدار امامان معصوم^(ع) به ویژه امام زمان^(ع) از مدعیان دروغین

دروغ پردازی افراد نابکار و شیاد - که با معرفی نمودن خود به جای رهبر و امام حقیقی - سعی می‌کنند به‌جای این که مردم و مریدان را هدایت کنند، در پی کسب منافع و مطرح کردن خودشان هستند و وجود افراد فریبکار که با قصد تخریب عقاید حقه، خود را در لباس اصیل جا می‌زنند، بسیار خطرناک و گمراه کننده هستند؛ از این رو اهل بیت^(ع) در طول تاریخ نسبت به جایگاه رفیع امامت و معرفی امام زمان^(ع) اقدامات فراوانی انجام داده‌اند. امام عصر^(ع) هم در دوره غیبت صغری با کمک نواب خاص خود با مدعیان فریبکار به مبارزه با آنها برخاسته است و در توقیعی که به نایب چهارم خود صادر نمودند نکاتی را اشاره فرمودند، از جمله هشدار نسبت به مدعیان دروغین و فرمودند: «... و سیأتی لشيعتي من يدعي المشاهدة، الا فمن ادعي المشاهدة قبل خروج السفیانی و الصیحه فهو كذاب مفر».^(۷) حضرت با صراحت کسانی که ادعای مشاهده حضرت را می‌کنند دروغگو خطاب می‌کنند و به منتظران دروان غیبت کبری هشدار می‌دهند که مبادا در دام افراد مدعی مشاهده گرفتار گردند. متأسفانه در طول تاریخ غیبت کبری نمونه‌هایی از این افراد وجود داشته‌اند که به طمع مال و جاه و یا برخاسته از اشاراتی که بیگانگان و استعمارگران داشته‌اند، ادعاهای دروغین بابت، مهدویت حتی ادعای مقام نبوت و الوهیت داشته‌اند و گروهی را دور خود جمع می‌کردند.

حضرت با
صراحت
کسانی
که ادعای
مشاهده
حضرت
را می‌کنند
دروغگو
خطاب
می‌کنند





هشدار
رهبری نشان
از این است
که شیادان
فعال هستند
و از خلأ
معنویت و
مهدویت سوء
استفاده کرده
و افراد غافل
و ناآگاه را با
نشان کردن
به انحراف
می کشانند.



■ اهداف شوم مدعیان دروغین

۱. مادی و اقتصادی: عده زیادی از مدعیان فقط به دنبال منافع مالی و مادی هستند و سعی می کنند با طرح مسئله ارتباط با حضرت مهدی عج و ائمه علیهم السلام از سادگی مردم سوء استفاده کرده و با توجه به روحيات معنوی مردم و علاقه آنها به مسائل معنوی آنها را فریب بدهند، به عنوان نمونه یکی از مدعیان با نام مستعار «س.ح.ا» با برپایی جلسات سیر و سلوک با هدف ارتقای معنوی و دیدار با امام زمان عج بخشش گناه می کرد.

و خانم «ش.ج» به مریدان خود اعلام می کرد که باید از همسران خود جدا شوند چون آقا امام زمان عج دستور داده و مهریه خودتان را به من بدهید جهت هزینه برای زمینه سازی ظهور حضرت مهدی عج.

۲. عاطفی و روانی: گروهی از مدعیان دارای عقده های روحی و روانی زیادی هستند و در دوران زندگی خود مورد بی مهری های عاطفی اطرافیان قرار گرفته اند و این محرومیت ها باعث شده تا این افراد دچار استرس روانی و افسردگی و مانند آن شوند. آنها می کوشند تا به نحوی این کمبود عاطفی خود را جبران کنند. در این حالت روانی است که چنین افرادی بروز می کنند و برای ارضای روحی خود ادعای رؤیت امام زمان عج و ارتباط با ایشان را مطرح می کنند تا مردم به آنان اظهار علاقه کنند و به آنها احترام گذاشته و به این طریق سرپوشی برای عقده های روانی آنان شود. مانند «عبدالرضا.د» که ادعا می کند امام زمان عج است با استدلال به این که خواب های زیادی دیده که به او الهام شده و چون امام زمان عج در زمان ظهور چهل ساله به نظر می رسد و او هم الان در چهل سالگی قرار دارد، پس امام زمان است.

۳. سیاسی و تخریبی: برخی از مدعیان چون با مبانی نظام اسلامی دشمنی و کینه دارند، با حمایت دشمنان داخلی و خارجی می کوشند تا اسلام و جامعه اسلامی را به چالش بکشند و خودشان را صاحب تشرف و ارتباط با عالم غیب معرفی می کنند و با شیوه های مختلف و عوام فریب مریدان زیادی که دارای

مشکلات اساسی زندگی هستند، دور خود جمع می کنند و با مظلوم نمایی می گویند چون ما عالم سیاسی نیستیم نمی گذارند مطرح شویم، مانند سید حسین کاظمینی بروجردی، به طوری که حتی از خواندن قرائت صحیح نماز هم عاجز بود و سواد چندانی نداشته و مدعی می شد، که می تواند با شیوه قرآن درمانی جامعه گرفتاران را هدایت نماید و استکبار هم با تبلیغات بسیار او را از نوادگان مرحوم آیت الله العظمی بروجردی رحمته الله معرفی می کند، در حالی که اصلاً هیچ نسبتی با آن مرجع بزرگوار ندارد.

۴. مرید پروری و ایجاد دکان معنوی: برخی چون از مسائل علمی و مباحث نظری عاجز هستند، خود را به سوی معنویت سوق می دهند و چون مردم، تشنه مسائل معنوی هستند با دادن راه کارهایی که هیچ دلیل شرعی و عقلی در آن وجود ندارد و فقط برای جذب مرید می باشد، جلساتی برگزار می کنند با عناوین سیر و سلوک، جلسات و حلقه های معنوی... و نسخه هایی به مخاطب می دهند تا او را به جای این که به خدا دعوت کنند، به سوی خودشان دعوت می کنند و او را خود محور و مرید خود می کنند، حتی در برخی از امور نسبت به مسائل شرعی و مشکلات شرعی مریدان طوری جواب می دهند که او را خوشحال کنند و اگر بخواهد از حلقه مرید بازی او خارج شود، به او تلقین می کنند که برای او مشکلی ایجاد می شود و دیگر نظر شده حضرت نخواهد بود.

در شماره بعدی به بازخوانی پرونده برخی از مدعیان خواهیم پرداخت.

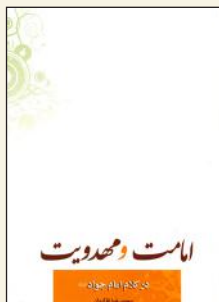
✽ معاونت تبلیغ و ارتباطات مرکز تخصصی مهدویت.

۱. عثمان بن محمد الخمیس در کتاب عجیب ترین دروغ تاریخ و دکتر ناصر القفاری در کتاب اصول مذهب الشیعه الامامیه و الاثنی عشریه عرض و نقد. ۲. رک: مقاله مدعیان دروغین مهدویت و متمدیان، محمدرضا نصوری، فصلنامه انتظار، ش ۱۰-۹ و ۸.

۳. رک: بازخوانی عوامل پیدایش مدعیان دروغین مهدویت و گرایش مردم به آنان، امیر محسن عرفان، فصلنامه انتظار، ش ۳۰.

۴. کمال الدین و تمام النعمه، شیخ صدوق، ج ۲، ص ۵۱۶؛ الغیبه، شیخ طوسی، ص ۲۴۲؛ بحار الانوار، ج ۵۱، ص ۳۶۱.

۵. فرمایشات مقام معظم رهبری در جمع دانشجویان بسیجی، اردیبهشت ۸۶.



امامت و مهدویت در کلام امام جواد (علیه السلام)
تألیف: محمدرضا فؤادیان
ناشر: انتشارات سبط النبی

محتوای این کتاب در چهار بخش تنظیم شده است. در بخش اول که به کلیات مباحث می‌پردازد، پس از نیم‌نگاهی به ولادت امام محمدتقی (علیه السلام) به زمینه‌سازی امام نهم برای امامت حضرت مهدی (عج) در سه محور اشاره می‌کند.

در بخش دوم که مربوط به مهدویت در کلام امام جواد (علیه السلام) است، به ذکر نه روایت اکتفا می‌کند و توضیحاتی پیرامون این روایات‌ها به خوانندگان تقدیم می‌نماید.

درباره روایت اول، توضیح این نکات را مورد توجه قرار می‌دهد. اطاعت از امام بر حق زمان لازم است. ندبه، شور و اشتیاق یکی از سیره‌های مشترک ائمه معصومین (علیهم السلام) درباره امام مهدی (عج) است. وجه نامگذاری امام دوازدهم به قائم و منتظر. غیبت و ویژگی آن. انتظار از وظایف ماست. شک در وجود حضرت منجر به انکار ایشان می‌شود. توقیت و تعیین زمان برای ظهور کار دروغگویان است و تعجیل کنندگان در عصر غیبت هلاک می‌شوند. آنان که در برابر قضا و قدر الهی تسلیم باشند نجات می‌یابند.

در روایت دوم حضرت می‌فرماید ولادت ایشان مخفیانه بود و غیبت حضرت دو ویژگی دارد. حضرت هم نام و هم کنیه پیامبر است و دو ویژگی برای ظهور: تعداد یاران و اصحابشان، حضرت برای ظهور و قیامش چه تعداد نیرو می‌خواهد؟ قهر الهی یکی از جلوه‌های حکومت مهدوی است. در روایت سوم هشت موضوع مورد توجه قرار می‌گیرد: قائم همان مهدی است. انتظار واجب است. در ظهور حضرت، اطاعت لازم است. نسب حضرت و طولانی شدن همان یک روزی که از عمر دنیا باقی مانده. گسترش عدالت، ناگهانی بودن ظهور. انتظار با فضیلت‌ترین اعمال شیعه.

روایت چهارم به پنج موضوع می‌پردازد: تشبیه امام به چراغ، ریشه طرح مسأله غیبت به زمان پیامبر باز می‌گردد و شکاکین از آسیب‌های عصر غیبت‌اند. تمجید از فرار کننده با دین خود و در عصر غیبت، تأثیر فتنه‌های آخرالزمان بر افراد متدین و مذهبی.

روایت پنجم هم ضمن اشاره به سردرگمی و حیرت عصر غیبت، به پناهگاه بودن حضرت مهدی (عج) اشاره‌ای می‌کند.

روایت ششم خروج سفیانی را از علائم حتمی ظهور دانسته که احتمال بقاء در آن وجود دارد. خروج سفیانی از وعده‌های الهی است که در آن خلاقی صورت نمی‌گیرد.

روایت هفتم هم به مانند روایت‌های یک، دو و سه مربوط به غیبت حضرت است. در روایت هشتم با معرفی یتیم واقعی به سراغ علمای شیعه به عنوان سرپرست ایتام آل محمد (علیهم السلام) می‌رود.

روایت نهم هم مربوط به دعاهای حضرت امام محمدتقی (علیه السلام) است که در قنوت و تعقیب نماز خوانده می‌شود.

در ادامه این بحث سه فایده دعا برای سلامتی حضرت بیان شده است. در خاتمه این بحث، از رجعت امام جواد (علیه السلام) بحث می‌شود.

بخش سوم کتاب مربوط به احادیث امامت است که به نه مورد اشاره می‌کند. بخش چهارم که آخرین بخش است، با اشاره به عنایت حضرت مهدی (عج) و تشرفات، مصادیقی را ذکر می‌کند که آنها مورد توجه و عنایت حضرت بقیت‌الله الاعظم قرار گرفته‌اند. مطالعه این کتاب را به همه مهدی باوران توصیه می‌نماییم.



شور و

اشتیاق یکی

از سیره‌های

مشترک ائمه

معصومین (علیهم السلام)

درباره امام

مهدی (عج)

است.



مسیحیت و دو چهره از مسیح موعود

• دکتر روح‌الله شاکری زواردهی*

یهودی - مسیحی، نجات انسان از آثار گناه اولیه و رساندن انسان به مقام پسر خواندگی و به هدایت ابدی است.

■ گونه‌شناسی موعود یهودی - مسیحی

این موعود متشخص و در آغاز راه، انسان است، اما بعد حیثیت انسانی را از دست می‌دهد و خدا می‌شود. از سال ۷۵ میلادی به بعد فرا ملی می‌گردد. نجات‌بخشی او نیز ویژگی‌هایی دارد: اولاً: شخصی است؛ هر شخصی با اتصال به مسیح می‌تواند نجات پیدا کند. ثانیاً: کیهانی است؛ کار خارق‌العاده نمی‌کند، در چهارچوب کیهانی عمل می‌کند. ثالثاً: فرا زمان است؛ هر کسی در هر زمانی، به مسیح به عنوان ماشیح ایمان بیاورد و این ایمان اطمینان بخش باشد، نجات می‌یابد. رابعاً: مشروط است؛ یعنی باید به او ایمان آورد و ایمان باید به کیفیت خاص باشد، مثلاً ایمان زبانی نباشد، رهایی بخش باشد و...^(۱)

■ چهره دوم موعود: موعود مسیحی

این نگاه ویژه مسیحیت است و ربطی به یهودیت ندارد. این چهره دارای خصوصیتی چند است: این موعود، بازگشت دوباره عیسی به جهان تفسیر شده است. براساس این باور، ماشیح که همان عیسی بود، پس از آن که بر صلیب شد، دوباره به جهان باز خواهد گشت؛ زیرا وقتی عیسی مصلوب شد، دو تفکر به وجود آمد: یکی آن که اشتباه کردیم چون عیسی آن عزت را به وجود نیاورد. دیگر این که اشتباه نکردیم بلکه دوباره باز خواهد گشت. براساس این باور، عیسی خود به صورت ناگهانی و بدون اطلاع قبلی، در جلال و هیبت پدر، به همراه فرشتگان و همراه با پیروزی و فتح خواهد آمد؛ نه آن که طبق نظر یهود، شخصی از

اشاره: در قسمت قبل به دنبال بحث از منجی در آیین مسیحیت، مفاهیم و کلیات آن بیان شد و مسیحا در «عهد جدید» مورد کنکاش قرار گرفت. گفته شد که در عهد جدید با دو چهره موعود روبه‌رو هستیم. در این نوشتار این دو چهره تشریح خواهد شد.

■ چهره اول: موعود یهودی - مسیحی

اصل این باور، یهودی بوده است، ولی با موعود یهودی اختلاف مصداقی دارند، یهودیان برخلاف مسیحیان، عیسی (علیه السلام) را مصداق موعود نمی‌دانند؛ زیرا ابتدا معتقد بودند: آن کسی که آمده شاهزاده است و حکومت تشکیل می‌دهد؛ اما چون دیدند عیسی (علیه السلام) حکومت تشکیل نداد، لذا کارکرد ماشیح را از آن جدا کردند و گفتند: نجات می‌دهد، اما نه نجاتی که ما فکر می‌کنیم، بلکه انسان را از عواقب گناه اولیه که آدم ابوالبشر مرتکب شده است، نجات می‌دهد.

مسیح دانستن عیسی (علیه السلام) را جامعه یهودیان به راحتی نپذیرفتند، از این رو عیسی و آن گروه از یهودیانی که عیسی را ماشیح می‌دانستند، مورد آزار شدید قرار دادند و در حقیقت بر سر دار شدن عیسی (به زعم مسیحیان) کار همین کاهنان یهود است. در مورد اوصاف منجی بودن عیسی (علیه السلام) بین یهودیان مخالف و طرفدار عیسی (علیه السلام) اختلاف نظر جدی وجود داشت. یهودیان می‌گفتند: این عیسی با آن اوصاف ماشیح که در کتب اشعیا و ذکریا و دانیال آمده، سازگار نیست، و برعکس یهودیانی که به عیسی ایمان آوردند، تلاش میکردند آن اوصاف ماشیح در کتب فرق را بر عیسی (علیه السلام) تطبیق دهند. لذا در تعریف موعود یهودی - مسیحی می‌توان گفت: چون بخشی از یهودیان بر اساس یک باور یهودی گفته‌اند که عیسی همان ماشیح است؛ آزار و شکنجه دیدند، در حالی که حدود سی یا چهل سال خودشان را جامعه یهودی میدانستند، در نتیجه در سال‌های ۷۵ - ۸۰ میلادی تصمیم گرفتند از پیکر یهودی جدا شوند.

■ علت تفاوت کارکرد ماشیح یهود، با کارکرد موعود یهودی - مسیحی

در هیچ جای کلام عیسی (علیه السلام) از ابتدا تا انتهای آن، وعده ایجاد حکومت نیامده است. تعالیم عیسی (علیه السلام) نگاه سیاسی ندارد و در هیچ یک از تعالیم آن حضرت چیزی به نام تر سیاسی و رسالتی سیاسی مشاهده نمیشود. از این رو نمی‌تواند کارکرد اجتماعی؛ تشکیل حکومت و بحث درباره نجات داشته باشد. با این توصیف کارکرد موعود یهودی - مسیحی با ماشیح تفاوت دارد: در کلام عیسی (علیه السلام) بیشتر خودسازی و فردگرایی مد نظر است و اصلاً کاری به حکومت ندارد. حضرت عیسی (علیه السلام) تفکر نجات‌بخشی خود را در هیچ جا بر تشکیل و تأسیس حکومت اجتماعی و سیاسی و حتی یک نهاد حکومتی بنا نکرده است. وی هر چه گفت، با عوام مردم گفت. اگرچه پاره‌ای از شاگردان عیسی مسیح گرایش‌های سیاسی داشتند و تلاش کردند از گفتار عیسی (علیه السلام) کارکرد سیاسی به‌وجود آورند. کارکرد این موعود



یهودیان
برخلاف
مسیحیان،
عیسی (علیه السلام)
را مصداق
موعود
نمی‌دانند؛
زیرا ابتدا
معتقد بودند:
آن کسی که
آمده شاهزاده
است و
حکومت
تشکیل
می‌دهد؛ اما
چون دیدند
عیسی (علیه السلام)
حکومت
تشکیل نداد،
لذا کارکرد
ماشیح را از
آن جدا کردند.



نسل داوود خواهد آمد.

بر خلاف موعود چهره اول، موعود مسیحیت در چهره دوم، دارای حکومت است و برای پادشاهی می‌آید.

■ برخی ویژگیهای موعود مسیحی

۱. از مفاهیم کلیدی و پر اهمیت کتب مقدس است و بیش از ۳۰۰ بار به آن اشاره شده است.

۲. در عهد جدید چندین باب کامل به آن اختصاص داده شده است.^(۳)

۳. رساله‌هایی که صرفاً به بیان اهمیت همین مفهوم همت کرده‌اند، مثل رساله تسالونیکای اول و دوم.

۴. بسیاری از مفاهیم کلیدی عهد جدید بدون درک مفهوم رجعت مسیح قابل فهم نیستند، مثل پادشاه بودن عیسی اگر بازگشت عیسی نباشد، فهم آن مبهم خواهد بود، چون عیسی قبل از مصلوب شدن پادشاهی و سلطنتی نداشت. و یا مثل واژه نجات در آینده؛ این که در آینده توسط چه کسی نجات مییابد، مبهم است.

۵. موعود چهره دوم، آرمان همه مسیحیان است و امید بزرگ آنان، مظهر تجلی و عظمت خداوندی و نجات دهنده آنهاست.

■ معنای بازگشت دوباره مسیح

در اصل بازگشت عیسی مسیح اختلافی نیست، ولی در مورد نحوه بازگشت او اختلاف نظر وجود دارد:

الف) برخی انجیل می‌گویند: مسیح بر خواهد گشت، منتهی این بازگشت، فرا زمینی است، یعنی آسمانی است و این یعنی به زمین بازگشت نخواهد کرد، آن چنان که در تسالونیکای اول آمده است: «زیرا صدای فرمان الهی و آوای تکان دهنده ربیب فرشتگان و نوای شیپور خدا شنیده خواهد

شد و ناگاه خود خداوند از آسمان به زمین خواهد آمد. آن گاه پیش از همه، مسیحیانی که مرده‌اند زنده خواهند شد تا خداوند را ملاقات کنند».^(۳)

ب) اما برخی از این آیات اصرار دارند که عیسی یک بار دیگر حیات زمینی را تجربه می‌کند. در «اعمال رسولان» آمده است: همین عیسی که از سوی شما به آسمان بالا برده شد، باز خواهد آمد (به حیات زمینی) «ایشان گفتند: ای مردان انجیلی، چرا این‌جا ایستاده‌اید و به آسمان خیره شده‌اید؟ عیسی به آسمان رفت و همان گونه که رفت یک روز نیز باز خواهد گشت».^(۴)

■ اهداف و ثمرات بازگشت مسیح

۱. پذیرش ایمان داران: انجیل یوحنا در این باره می‌گوید: «تزد پدر من (خدا)، جا بسیار است، من می‌روم تا آن جا را برای شما آماده کنم. وقتی همه چیز آماده شد باز خواهیم گشت و شما را خواهیم برد تا در جایی که من هستم شما نیز باشید...».^(۵)

۲. بازگشت دوباره عیسی مسیح (علیه السلام) برای دادرسی و دادن پاداش: در انجیل آمده است: «زیرا من با فرشتگان خود در شکوه و جلال پدرم خواهیم آمد و هر کس را از روی اعمالش داوری خواهیم کرد».^(۶) البته جزا و داوری به معنای محاکمه کردن نیست، بلکه فقط می‌خواهد بیند مؤمن‌اند یا نه و سنجش استعدادی آنها را بیان کند.^(۷)

۳. نجات بنی اسرائیل: این تداوم ماشیح یهودی است که در مسیحیت تأثیر گذاشته است. نجات به معنی اتحاد و تشکیل حکومت برای بنی اسرائیل است. این مطلب در برخی فرقه‌های مسیحی خیلی نمایان است. چنان که آمده: «همگی بنی اسرائیل ایمان خواهند یافت...».^(۸)

۴. داوری در میان همه امتها: در انجیل متی آمده: «هنگامی که من، مسیح موعود با شکوه و جلال خود و همراه با تمام فرشتگانم بیایم، آن گاه بر تخت با شکوه خود خواهیم نشست. سپس تمام ملت‌های روی زمین در مقابل من خواهند ایستاد و من ایشان را از هم جدا خواهم کرد، همان طور که یک چوپان، گوسفندان را از بزها جدا می‌کند، گوسفندها را در طرف راستم قرار می‌دهم و بزها را در طرف چپم».^(۹)

۵. آزاد ساختن و برکت دادن: در اشعیا نیز آمده است: «زمین و درختان پر برکت و سر سبز می‌شوند...».^(۱۰)

۶. برقراری ملکوت: وقتی عیسی (علیه السلام) می‌آید ملکوت خدا را برقرار میکند. مراد از آن حکومتی است که نمایاننده جلال و جبروت خداوند باشد، در سایه چنین حکومتی تعالیم خداوند توسط عیسی (علیه السلام) در زمین عملی گردد. ملکوت خداوند در حقیقت همان حکومتی است که خداوند به داوود وعده داده بود.

ادامه دارد...

*. استاد حوزه، عضو هیئت علمی دانشگاه.

۱. موحیدیان، عطار، هفت آسمان، مقاله گونه‌شناسی، شماره ۱۲ و ۱۳.

۲. متی باب‌های ۲۴ و ۲۵ و مرقس باب ۱۳ و لوقا باب ۲۱.

۳. تسالونیکان اول، باب ۴، آیه ۱۶.

۴. اعمال رسولان، باب ۱، آیه ۱۱.

۵. یوحنا، باب ۱۴، آیه ۳.

۶. متی، باب ۱۶، آیه ۲۷.

۷. ر. ک: متی، باب ۲۵، آیات ۳۱ و ۳۲؛ یوحنا، باب ۵، آیه ۲۳.

۸. رومیان، باب ۱۷، آیه ۲۶.

۹. متی، باب ۲۵، آیات ۳۳-۳۱.

۱۰. اشعیا، باب ۳۵، آیات ۱-۱۰.



آرمان همه

مسیحیان

است و امید

بزرگ آنان،

مظهر تجلی

و عظمت

خداوندی و

نجات دهنده

آنهاست.



ویروس ترک‌زدگی

● جواد اسحاقیان *

ل فکر نمی‌کنم این روزها با وجود انواع کرم‌ها و پمادهای رنگارنگ، دست و پای حساس آدم‌ها ترک بخورد. اما قبل‌ها که جای خالی آب‌گرمکن و آب گرم و انواع آب‌میوه‌ها و تقویتی‌ها و همین کرم‌های پوستی، واقعا احساس می‌شد، چنان شکاف عمیقی ایجاد می‌شد که آدم فکر می‌کرد بناست که مثلا کف پایش به چند قسمت نامساوی تقسیم شود! یکی نبود بگوید که آخر خوش انصاف، خدا که تو را این‌طوری زخمی و پاره پاره خلق نکرده که با این ترک‌ها و درد و سوزش، خواب و خوراک را از ما گرفته‌ای! البته راستش را بخواهید حقیقت هم همین است! شاید هم آن درد و ناراحتی زبان بی‌زبان‌ها این‌گونه ترجمه می‌شود که ای بابا ما اندام بدن شما صاف و سالم خلق شدیم، شما این بلا را سر ما آورده‌اید.

حکایت، حکایت بعضی افراد و گروه‌هاست که به هر نحو ممکن می‌خواهند از پیوستگی بکاهند و بر جدایی بیفزایند، در ظرافت و شگفتی ویروس جدید ما همین بس که برخلاف ویروس‌های قبلی کاملاً تحمیلی است و به زور آمپول هوا و هوس وارد بدن مشترک مورد نظر می‌شود. یعنی راستش را بخواهید این ویروس خیلی واگیر ندارد، بیشتر تزریقی است!

جای دور نرویم، همه می‌دانیم که یکی از دلایل ذکر شده برای غیبت امام زمان (عج) و مخفی بودن ولادت ایشان این است که تحت بیعت و حاکمیت ستمگران و طاغوت‌ها نباشد^(۱) و همین که اصلاً از برنامه‌های اصلی ایشان - که کسی نیست که نداند - آوردن و برقراری عدالت به جای ظلم و جور است و برقراری حکومت جهانی اسلام و غلبه برنامه‌های حکومتی اسلام بر تمام عالم^(۲).

اما چشمتان روز بد نبیند که بعضی‌ها پایشان که هیچ! دست‌هایشان را هم توی یک کفش کرده‌اند و در خانقاه فکری خودشان چنبره زده‌اند که چه؟! که این زمینه‌سازی‌ها برای ظهور و حکومت‌های ظهور و... را عالمان اختراع کرده‌اند و الا اثری از سیاست و حکومت و قدرت در برنامه‌های امام نیست. این جاست که حتی داد خود ویروس ترک‌زدگی هم در می‌آید که همین دین اسلام که شما از آن دم می‌زنید، با طی دوران انتظار و غیبت و بعد هم جهاد همه جانبه، جهانی و مستقر می‌شود، چطور دلتان می‌آید بین دین و سیاست آن شکاف جعلی، آن هم در روز روشن حقیقت، ایجاد کنید!

حق داشتند مدرّس‌ها به‌خاطر عینیت دین و سیاست فریاد بزنند و تن به شهادت با زبان روزه بدهند، چون که می‌دانستند سرور و مولایشان علی (علیه السلام) هم در ماه روزه بر سر امضای عدالت و سیاست صحیح اسلامی از دست این ویروس زدگان، خون دلی که سال‌ها خورده بود را در فرق سر، هویدا کرد. شاید تاریخچه بیماران ترک‌زدگی در صدر اسلام به خوارج برگردد که با شعار «حکم فقط برای خداست» به جنگ حاکم مشروع الهی و حکم خدایی ولایت رفتند.

کار ویروس ترک‌زدگی آن است که گاهی هم ترک می‌زند و هم دیگران را دور می‌زند! مثلاً کم نبودند کسانی که در قالب فرقه‌های انحرافی به نام جدا بودن دین و سیاست، خود را در ظاهر کنار کشیدند! اما در واقع عضو افتخاری استعمارگران و مستکبران شدند که بهتر است برای این که ویروس ترک‌زدگی پیوستگی مطالب ما را هم از بین نبرد و حوصله شما را پاره پاره نکند به پاورقی رجوع کنید.^(۳)

در برخی ایستگاه‌های تأمل، آن قدر صدای صوت حقیقت بلند است که، این مسافر و میهمان ناخوانده، یعنی جناب ویروس ترک‌زدگی که اصلاً در بین اسلام و مسلمانان جایی نداشته^(۴) هم، هنگ می‌کند که چطور برخی این همه آیات مربوط به جهاد و حکومت و قضاوت را توجیه کند، چگونه امام زمان ۴ را که درهم شکننده پشت ستمگران و ظالمان معرفی شده و بناست اعوجاج و کجی‌های جامعه را اصلاح کند و حتی به عنوان انتقام گیرنده نهضت امام حسین (علیه السلام) و اهل بیت (علیهم السلام) معرفی شده است،^(۵)



حکایت،
حکایت
بعضی افراد
و گروه‌هاست
که به هر
نحو ممکن
می‌خواهند
از پیوستگی
بکاهند و
بر جدایی
بیفزایند.



او و نهضت جهانی او را غیر سیاسی جلوه می‌دهند، حتی ویروس تَرک زدگی هم شاخ در می‌آورد. وقتی پای معرفی برخی از اینها می‌نشیند او با اخلاص (!) می‌گوید: اگر برای آقا و امام زمان علیه السلام کاری کنی، به زید و عمر و حاکمان و سیاست کاری نداشته باش و فقط برای خود آقا و دین کار کن و درد دین داشته باش!

اما حقیقتش را بخواهید بنده فکر می‌کنم مطلب همان است که اول گفتیم؛ تَرک زدگی، علی‌رغم آن که خود را غیر سیاسی نشان می‌دهد و خیلی مظلوم و بی‌خطر معرفی می‌کند، همه را دور زده و سیاست خود را در بی‌سیاستی می‌داند، چرا که سیاسی بودن و احیای حقوق الهی و حقوق واقعی مردم، سیلی خورده در کوچه و بازار می‌خواهد، فرق شکافته می‌طلبد، اسارت و غل و زنجیری لازم است تا کاخ‌های سبز به تیرگی کشانده شود و حصر و اسارت و غیبت و خون دل‌های زمان انتظار را می‌طلبد تا زمینه ظهور فراهم شود و دنیا با اسلام حقیقی آشنا گردد و هر کسی اهل خطر نیست!

ویروس نو رسیده ما راهش را بلد است، برای آن که بیمارش بهانه‌ای برای بلند نشدن و عدم حرکت و اقدام داشته باشد، پای رفتن او را می‌شکافد تا بگوید من مجروح و بیمار هستم و از دخالت در امور معذورم و در شأن من نیست! در حالی که از آن به بعد دنبال ویروس خود حرکتش به راه است، هر کجا بخواهد می‌رود. اما بیمار تَرک زده روی زمین می‌نشیند و او را هر کجا بخواهند می‌برند.^(۶)

*. کارشناس ارشد مهدویت.

۱. اشاره است به روایت: «ان القائم منا اذا قام لم تكن في عنقه بيعة فلذلك تخفي ولادته و يغيب شخصه؛ همانا قائم ما (اهل بیت) هنگامی که قیام می‌کند بیعت احدی برگردن او نیست، به همین دلیل است که ولادتش پنهان نگه داشته می‌شود و شخص او غایب است». کمال الدین و تمام النعمه شیخ صدوق، ج ۱، ص ۳۰۳، اعلام الوری طبرسی، ص ۴۲۶.

۲. با توجه به آیات (سوره فتح/ ۲۸، توبه/ ۳۳، صف/ ۹). ر.ک: تفاسیر آیات در منابعی مثل تفسیر نور الثقلین. ۳. اشاره است به فرازهای ادعیه مهدوی مثل دعای ندبه: «ليقطع دابر الظلمه ... لاقامة الامت و العوج... این معز الاولیاء و مذل الاعداء، این الطالب یدم المقتول بکربلاء». و زیارت عاشورا: «طلب تارک مع امام منصور من اهل بیت محمد صلی الله علیه و آله» و دعاها و روایات دیگر در این زمینه.

۴. مراجعه کنید به اعترافات برخی دین پژوهان غربی که پیوستگی و اتحاد دین و سیاست را از مطالب اسلام و تشیع می‌دانند، به کسانی که می‌خواهند این جدا انگاری را اعتراض می‌کنند و می‌گویند: این جدایی فقط در حکومت‌های اروپایی و رنسانس و آن‌هم در مسیحیت تحریف شده وجود داشت و اسلام و مسلمانان از اول با مفاهیم ولایت امر، خلافت، عهد، ولی امر و دارالولایت و... عجین بودند. از جمله مراجعه شود به مهدویت از دیدگاه دین پژوهان غربی، سید رضی موسوی.

۵. مانند سردمداران فرقه‌های بابیه و بهائیه که هر چند بارها رسماً اعلام کردند که نباید در سیاست دخالت کرد، علاوه بر خدمتی که به استعمار در راستای تضعیف فرهنگ مهدویت انجام دادند، عملاً به جاسوسان روس و انگلیس تبدیل شدند و برخی مانند عبداله‌اء مدال لیاقت گرفتند و حتی در جریان‌هایی مثل نهضت مشروطه، نهضت تنباکو، انقلاب اسلامی، منافع دینی و ملی را به نفع استعمار به خطر انداختند. مراجعه شود به منابع تاریخ معاصر، مثل مجله تاریخ معاصر، شماره‌های ۲۰-۷. و برخی از گروه‌های صوفیه که علی‌رغم ادعای زهد و دوری از دنیا و سیاست، در واقع به نفع متجاوزان نظامی و سیاسی، عمل کرده‌اند که در منابع مربوط به فرقه‌ها می‌توانید مطالعه کنید، مانند فرهنگ فرق اسلامی، محمد جواد مشکور؛ در کوی صوفیان.

۶. با توجه به این که انسان یا در ولایت اولیای الهی است، یا در ولایت شیطان و راه میانه و بی‌طرف وجود ندارد، مراجعه شود به آیاتی مانند آیه‌الکرسی «و الذین کفروا اولیائهم الطاغوت یخرجونهم من النور الی الظلمات...؛ کافران، اولیایشان طاغوت است که آنها را از نور به تاریکی‌ها خارج می‌کنند». بقره/ ۲۵۵-۲۵۶.



کافران،
اولیایشان
طاغوت است
که آنها را
از نور به
تاریکی‌ها
خارج می‌کنند





۲۸ آبان

شهادت محمدحسین فهمیده، روز نوجوان و روز بسیج دانش آموزی

در چنین روزی از سال ۱۳۵۹ محمد حسین فهمیده که نتوانسته بود از راه قانونی عازم جبهه شود، خود را به صورت مخفیانه به صحنه‌های درگیری و خط مقدم جنگ رساند و در یک حرکت فداکارانه با بدن نارنجک بسته به زیر تانک دشمن رفت و حماسه‌ای عظیم آفرید، چه قدر زیباست چنین روزی به دو مناسبت نامگذاری شود روز نوجوان و روز بسیج دانش آموزی.



۲۶ مهر / ۱۰ ذیقعدة

ولادت امام رضا (ع)

در این روز حضرت علی بن موسی الرضا (ع) قدم به دنیا گذاشتند و موجبات سرور امام کاظم (ع) و مادرشان نجمه خاتون را فراهم آوردند. حضور این امام همام در ایران - که با نیرنگ مأمون محقق شد - باعث سرازیر شدن برکات و نعمات فراوانی برای سرزمین‌مان گردید و تا به امروز ادامه پیدا کرده و در آینده نیز خواهد داشت. قدر این حضور را در کشورمان ایران بیش از پیش بدانیم.



۱۷ مهر / ۱ ذیقعدة

ولادت حضرت معصومه (ع)

در چنین روزی از ماه ذیقعدة فرزندی از پدر و مادری بزرگوار متولد شد تا عظمت قم و مرکز علوم اهل بیت را در آینده بالا ببرد. امام صادق (ع) فرمودند: به زودی فرزندی از مادر قم مدفون می‌شود و علوم اهل بیت (ع) از نجف به قم منتقل خواهد شد و از آنجا به سراسر دنیا منتشر می‌گردد. این روز را به نام روز دختران نامگذاری کرده‌اند. باشد که چنین دختر با کرامتی الگوی همه دختران ایرانی و مسلمان باشد.



۱۷ آبان / ۱ ذیحجه

سالروز ازدواج حضرت علی (ع) و حضرت فاطمه (ع)

در چنین روز مبارکی پیوند امامت و نبوت رقم خورد و ازدواجی آسمانی صورت تحقق پیدا کرد. ثمرات این ازدواج تا قیامت نمودار است، چرا که نسل سادات همگی با واسطه‌های متعدد به این پیوند و ازدواج بر می‌گردد.



۱۶ آبان / ۳۰ ذیقعدة

شهادت امام جواد (ع)

توطئه‌های مأمون خلیفه عباسی درباره حضرت امام محمد تقی (ع) در حکومت معتصم عباسی اثر کرد و این امام همام به دست دختر مأمون و با دسیسه معتصم به شهادت رسید تا مظلومیت ائمه شیعه در تاریخ ادامه پیدا کند.

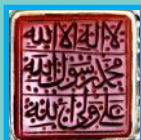


۱۰ آبان

شهادت آیت الله قاضی طباطبایی

آیت الله قاضی طباطبایی - که نماینده امام در استان آذربایجان شرقی بود - با اقدامات وحدت بخش خود خشم و کینه دشمنان و منافقین را به دنبال داشت و آنان این شخصیت را - که امام جمعه تبریز هم بود - مورد حمله ناجوانمردانه خود قرار دادند و به شهادت رساندند. ایشان به عنوان اولین شهید محراب برگ زرین دیگری در اثبات حقانیت جمهوری اسلامی ایران در تاریخ انقلاب اسلامی چه زیبا درخشید.

* ۷ آذر: روز نیروی دریایی * ۱۰ آذر: شهادت آیت الله مدرس * ۱۰ آذر (۲۴ ذیحجه): روز مباحله * ۲۵ آبان (۹ ذیحجه): روز عرفة * ۲۲ آبان (۶ ذیحجه): شهادت مظلومانه زائران خانه خدا به دست مأموران سعودی * ۱۳ آبان: وقوع سه واقعه: تسخیر لانه جاسوسی و روز دانش آموز و روز ملی مبارزه با استکبار جهانی





۱۵ آذر / ذیحجه ميلاد امام هادی (ع)

در این روز امام جواد (ع) صاحب فرزندی شدند که نام علی را بر ایشان گذاشتند. این شخصیت بزرگوار در سامان دادن به سازمان وکالت قدم‌های مؤثری برداشتند تا زمینه برای پذیرش غیبت امام عصر (ع) از سوی جامعه شیعه فراهم شود.



۲۶ آبان / ۱۰ ذیحجه عید سعید قربان

یکی از بزرگ‌ترین اعیاد مسلمانان است که قربانی کردن برای حاجیان یکی از شرایط قبولی این عبادت بزرگ به حساب می‌آید. همه ساله در این عید باشکوه مسلمانان با ذبح گوسفند با این عمل از اعمال حج حاجیان همراهی پیدا می‌کنند.



۲۳ آبان / ۷ ذیحجه شهادت امام محمد باقر (ع)

شهادت حضرت امام محمد باقر (ع) در چنین روزی به دست خلیفه اموی - هشام بن عبدالملک - داغی تازه و ابدی بر دل شیعیان و محبان آن حضرت گذاشت. شهادت مردان خدا با هیچ چیزی جبران نخواهد شد، به ویژه هنگامی که مردان خدا امامان معصوم (ع) هم باشند.



۱۶ آذر روز دانشجو

حرکت اعتراض آمیز دانشجویان همزمان با حضور نیکسون - رئیس جمهور وقت آمریکا - در ایران در سال ۱۳۳۲ که منجر به شهادت سه تن از این عزیزان شد به عنوان نماد روشنگری و روحیه بیداری این قشر جوان و تحصیل کرده تلقی می‌شود. اثرات این حرکت بعدها در جنبش دانشجویی نمود خود را نشان داد و در روز سیزده آبان ۵۸ در حرکت تسخیر لانه جاسوسی به اوج خود رسید.



۵ آذر روز بسیج مستضعفین

در پنجم آذر، امام خمینی (ع) در یک حرکت مبتنی بر فهم و درک عمیق و بالای سیاسی، دستور تشکیل بسیج را صادر نمودند تا کمبودی که در این زمینه حس می‌کردند پر شود. حضور پر رنگ بسیج در میادین جنگ و در پشت جبهه‌ها و بعد از جنگ در عرصه سازندگی ارزش و اهمیت این نهاد مردمی را صد چندان کرده است.



۴ آذر / ۱۸ ذیحجه عید غدیر خم

بزرگ‌ترین عید شیعیان، همانا عید سعید غدیر خم است که علاوه بر نشان دادن ریشه دارترین مذهب اسلامی در میان دیگر مذاهب اسلامی، بیانگر غنای بالایی در حوزه معرفتی و شناختی و اعتقادی است که امروزه به بسیاری از شبهات گسترده در این عرصه با کمال تواضع و ادب و احترام به مطرح کنندگان آنها پاسخ قانع کننده‌ای می‌دهد، به طوری که گروه بسیاری از مسلمانان مذاهب اسلامی به این مذهب روی می‌آورند و شیعه می‌شوند و غیر مسلمانان هم با پذیرش این مذهب مسلمان می‌شوند.

* ۱ آبان: روز آمار و برنامه ریزی * ۴ آبان: اعتراض امام خمینی (ع) علیه کاپیتولاسیون * ۱۸ آذر: معرفی عراق از سوی سازمان ملل به عنوان آغازگر جنگ * ۱۹ آذر: تشکیل شورای عالی انقلاب فرهنگی به فرمان امام (ع) * ۲۰ آذر: شهادت آیت الله دستغیب، سومین شهید محراب * ۲۷ آذر: شهادت آیت الله مفتاح و روز وحدت حوزه و دانشگاه



قسمت نهم:

ویژگی‌های پایه‌گذار فرقه شیخیه

• احمد حاج‌قلی*

در جلسه قبل استاد حقیقت‌گو وارد بحث شیخیه شد و بعضی از ویژگی‌های شیخ احمد حسایی بنیانگذار این مسلک را ذکر کرد. که از جمله آنها ارتباط شیخ احمد با قاجار و خواب‌گرایی ایشان بود که بنا شد تأثیر این روحیه در رفتارهای او در این جلسه مورد بررسی قرار گیرد و حالا ادامه بحث...

اتاق جلسات کانون فرهنگی مکتب الثقلین باز هم مثل جلسات قبل پر از جمعیت بود و استاد حقیقت‌گو هم مانند همیشه منتظر اشاره تصویر بردار جهت شروع جلسه بود که با اشاره دست او با گفتن بسم‌الله ... و خواندن دعای اللهم کن لولیک... سخنان خود را آغاز کرد و از حضار خواست یکی از آنها خلاصه‌ای از بحث گذشته را بیان کند. بعد از کمی تعارفات خانم ناصری این کار را برعهده گرفت و در آخر هم گفت: و اکنون منتظریم ببینیم خواب‌گرایی شیخ احمد چه میزان در زندگانی وی نقش آفرین بوده است؟ استاد حقیقت‌گو پس از تشکر گفت: «خواب‌گرایی شیخ احمد تأثیرات شگفتی در زندگانی او داشته است و ظاهراً آغاز یا اوج این تأثیرات از زمانی است که او خود ادعا کرده است در اوائل کار - که به ریاضت کشی مشغول بوده است - شبی در عالم

رویا دوازده امام (علیهم‌السلام) را یک‌جا می‌بیند و به حضرت امام حسن مجتبی (علیه‌السلام) متوسل می‌شود و عرض می‌کند که چیزی به او بیاموزد تا هر وقت مشکلی برایش رخ داد، با خواندن آن بتواند در خواب خدمت هر کدام از ائمه (علیهم‌السلام) را که خواست برسد و مشکلش را حل کند و آن حضرت چند بیت شعر به او می‌آموزد و همین خواب مقدمه‌ای می‌شود تا این که شیخ طبق ادعای خودش هر وقت هر امامی را اراده کرد بتواند خدمتش برسد و مسائل خود را با او در میان بگذارد»^(۱).

وقتی سخنان آقای حقیقت‌گو به این‌جا رسید، آقای جلیلی پرسید: «آیا شیخ ادعا داشته که این حالت برای او همیشگی بوده یا این که در مقطع خاصی این حالت را داشته است؟» استاد گفت: «شیخ مدعی است قبل از ارتباطش با دربار قاجار این حالت در او قوی بوده، اما در اثر ارتباط با قاجار و استفاده کردن از امکانات دربار، توفیقاتش کم‌تر شده و پس از آن کم‌تر ائمه (علیهم‌السلام) را در خواب می‌دیده است»^(۲).

سپس آقای رضایی گفت: «استاد ببخشید اگر ممکن است نمونه‌هایی از تأثیرات خواب در رفتار و افکار شیخ احمد را بیان بفرمایید».

استاد گفت: «هدف این بحث نیز همین است که به اقتضای وقت به گوشه‌هایی از آن اشاره شود؛ یکی از این تأثیرات این بود که شیخ با توجه به این که معتقد بود هر وقت بخواهد خدمت هر یک از ائمه برسد می‌تواند به این فوز نائل شود و سؤالاتی را بپرسد و جواب بگیرد، گفتن کلمه «تمی‌دانم» را بر خود حرام می‌دانست»^(۳).

مطلب دیگر این که همین خواب‌ها پایه و اساس آرا و اندیشه‌های او را تشکیل می‌داد، چنان که بعضی از محققان نسبتاً خوش‌بین به شیخ گفته‌اند: «... بعد با توسل به ارواح پاک بزرگان دین در خواب چیزهایی می‌دید و یا می‌شنید که پایه آراء و معتقدات او را تشکیل می‌داد. اگر پرسش می‌شد که این سخن را از کجا می‌گویید؟ با نهایت وارستگی پاسخ می‌داد: از حضرت امام صادق (علیه‌السلام) شنیدم!!»^(۴).

با شنیدن این جمله ایجاد سؤال را از نگاه همه حضار در جلسه می‌شد فهمید و گویا همه منتظر بودند کسی بپرسد: چطور چنین چیزی ممکن است؟ در این حال آقای روح‌اللهی به این انتظار پایان داد و گفت: «استاد ببخشید مگر شیخ احمد در زمان امام صادق (علیه‌السلام) زندگی می‌کرد یا خیر معمرین بود که از آن حضرت سخنی شنیده باشد؟!»

آقای حقیقت‌گو با تبسم گفت: «شیخ احمد در زمان قاجاریه می‌زیست و صدها سال با زمان امام صادق (علیه‌السلام) فاصله زمانی داشته است. اما گویا توجه لازم را مبذول نفرمودید. از عبارتی که از بعضی محققان نقل کردم معلوم بود که منظور شیخ از «شنیدن از امام صادق (علیه‌السلام)» شنیدن به صورت عادی نبوده، بلکه مراد او شنیدن در خواب بوده است. اما اثر دیگر این رؤیاها بر شیخ احمد این بود که او در اثر این خواب‌ها مسیر زندگی خود را عوض کرد و آرا و اندیشه‌هایی را مطرح کرد که باعث شد خود او مورد تکفیر قرار گیرد و شیعیان دچار تفرقه شوند و بدتر از همه، عده‌ای از پیروان او با سوء استفاده از آراء او، باییت و بعد بهائیت را مطرح کنند».



در اینجا خانم ناصری گفت: «استاد ببخشید! آیا واقعاً شیخ احمد ائمه علیه السلام را در خواب می‌دیده است یا این که فقط ادعایش را داشته است؟»

استاد پاسخ داد: «بنده هم مثل شما شیخ را ندیده‌ام و از آنچه در درون او می‌گذشته اطلاعی ندارم. بنابراین نه من و نه کس دیگری نمی‌تواند قضاوت کاملی در این خصوص داشته باشد. هر چند بعضی‌ها مثل آقای مدرسی چهاردهی بر این باورند که شیخ قطعاً دروغ نمی‌گفت و واقعاً ائمه علیهم السلام را در خواب می‌دید. اما آنچه برای ما مهم است این است که اولاً: ما از کجا مطمئن شویم که او واقعاً چنین رؤیاهایی می‌دیده است؟ ثانیاً: بر فرض این که او در ادعای دیدن این گونه خواب‌ها صادق بوده، ولی از کجا معلوم که اشخاصی را که او می‌دیده واقعاً امام بوده‌اند؟» سپس آقای علوی گفت: «ظاهراً طبق بعضی از روایات، شیطان به شکل معصوم علیه السلام نمی‌تواند در بیاید. بنابراین اگر کسی در خواب امامی را ببیند واقعاً امام را دیده است. بنابراین اگر صداقت شیخ را در نقل این خواب‌ها بپذیریم باید قبول کنیم که او ائمه علیهم السلام را در رؤیا می‌دیده است.»

■ حجت نبودن خواب در امور شرعی

آقای حقیقت‌گو گفت: آری روایت مورد اشاره را مرحوم علامه مجلسی ذکر کرده است^(۶) و آراء مختلف را در تفسیر آن آورده است^(۷) اما همه را واهی دانسته است و خود، این روایت را حمل بر مبالغه و مجاز کرده و فرموده است: معنی حقیقی آن مراد نیست و پس از آن حجت خواب در امور شرعی را رد کرده و می‌نویسد: «با سندهای صحیح از امام صادق علیه السلام روایت شده است که ایشان فرموده‌اند: «ان دین الله اعز من ان یری فی النوم»^(۸) دین خدا عزیزتر (برتر) از آن است که در خواب دیده شود». و هرگز می‌دانید که منابع تحصیل احکام شرعی را همه علما چهار چیز می‌دانند که عبارت است از عقل، قرآن، سنت معصومین علیهم السلام و اجماع و کسی خواب را منبع نمی‌داند.

آقای اندیشهور گفت: استاد ببخشید، به نظر من می‌رسد در جایی خوانده‌ام که یکی از علما پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله را در خواب می‌بیند و در مورد شیخ احمد سؤال می‌کند، حضرت شدیداً شیخ را مذمت می‌کند.

آقای حقیقت‌گو گفت: نمی‌خواستم این بحث را مطرح کنم تا تصور شود که می‌خواهم به شیخ احمد توهین کنم، ولی شما وادارم کردید که برخلاف میل باطنی‌ام جریان رؤیای مرحوم ملا محمد صالح برغانی - برادر شهید ثالث و از علمای معروف قزوین - را در این خصوص نقل کنم؛ مرحوم تنکابنی نقل کرده است که ایشان پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله را در خواب می‌بیند و سه سؤال از حضرت می‌پرسد که یکی از آنها این بوده است که درباره شیخ احمد و ادعایش چه کنیم؟ حضرت در پاسخ می‌فرماید: «شیخ احمد غلط می‌کند که این سخنان را می‌گوید»^(۹). آقای روح‌اللهی وقتی این خواب را شنید با خنده گفت: استاد اگر خواب شیخ احمد حجت باشد باید خواب آقای برغانی هم حجت باشد.

استاد گفت: ما خواب را حجت نمی‌دانیم، چه خواب شیخ احمد باشد و چه خواب مرحوم برغانی. اما اجازه بدهید جریان خوابی را

که شیخ احمد در پی آن اقدام به انتشار برخی از عقاید نادرست کرد برایتان ذکر کنم و پس از آن به بعضی آراء و اندیشه‌های مهم او گذری داشته باشیم.

■ خوابی عجیب و سرنوشت ساز

حاج محمد کریم خان کرمانی بنیانگذار شیخیه کرمان مدعی است که شیخ احمد به مقتضای آیه «وَيُؤْتِرُونَ عَلَىٰ أَنْفُسِهِمْ وَلَوْ كَانَ بِهِمْ خَصَاصَةٌ»^(۱۰) اموال خود را انفاق می‌کرد و دو بار تمام اموالش را مواسات کرد تا این که امام زمان علیه السلام را در خواب دید که می‌فرماید: «چرا مال خود را متفرق کردی ما به جهت مصلحتی این اسباب را برای تو مهیا کردیم. بعد از این ما از برای تو اسباب می‌فرستیم آنها را متفرق مکن و نگاه دار» که پس از آن از جاهایی که گمان نمی‌رفت اسباب دنیوی برایشان می‌رسید تا آنکه پیامبر صلی الله علیه و آله را در رؤیا دید که فرمود: «باید بروی و علم خود را که ما به تو [در خواب] انعام کرده‌ایم در میان خلق آشکار کنی که مذاهب باطله در عالم شیوع گرفته است. باید بروی و آن باطل‌ها را براندازی». اما شیخ در خواب‌های متعدد به ائمه علیهم السلام متوسل می‌شود تا نزد رسول خدا صلی الله علیه و آله شفاعت کنند تا حضرت این مسئولیت را از دوش او بردارد، ولی همه ائمه اظهار صلی الله علیه و آله اصرار می‌کنند که بایستی شیخ از امر پیامبر صلی الله علیه و آله اطاعت کند. و پس از این خواب بود که به قول حاج محمد کریم خان، شیخ احمد علم خود را آشکار کرد^(۱۱) که البته مقاومت شیخ در برابر امر پیامبر صلی الله علیه و آله و اصرار ائمه علیهم السلام می‌تواند شخصیت و میزان وفاداری او به اوامر معصومین علیهم السلام را زیر سؤال ببرد.

در هر حال پس از این خواب بود که شیخ احمد آراء و اندیشه‌هایی را مطرح کرد که همان طور که گفتیم باعث تکفیر او توسط فقها شد و بدین ترتیب بین شیعه دوازده امامی تفرقه ایجاد شد و بعدها عده‌ای از پیروان شیخ احمد با سوء استفاده از بعضی افکار شیخ باییت و بهائیت را به وجود آوردند. در گفتار بعدی باید ببینیم آراء انحرافی شیخ چه چیزهایی بوده است؟

*. فارغ التحصیل مرکز تخصصی مهدویت.

۱. ر.ک: فهرست، ابوالقاسم خان ابراهیمی (از رهبران شیخیه)، ص ۱۷۳؛ قصص العلماء، میرزا محمد تنکابنی، ص ۳۷؛ بهائیان، سید محمد باقر نجفی، ص ۳۶.

۲. ر.ک: قصص العلماء، میرزا محمد تنکابنی، ص ۳۷؛ بهائیان، ص ۳۶.

۳. شیخ‌گیری و بایبگری، مرتضی مدرسی چهاردهی، ص ۲۲۹؛ و تحقیق در تاریخ و فلسفه بایبگری، بهائیت‌گری و کسروی گرای، یوسف فضایی، ص ۲۸-۲۹.

۴. شیخ‌گیری و بایبگری، ص ۸۰.

۵. همان.

۶. بحار الانوار، علامه مجلسی، ج ۵۸، ص ۲۳۴.

۷. ر.ک: همان، ص ۲۳۴-۲۳۷.

۸. همان، ص ۲۳۷.

۹. قصص العلماء، ص ۵۲.

۱۰. سوره حشر، ۹.

۱۱. ر.ک: هدایه الطالبین، حاج محمد کریم خان کرمانی، ص ۱۱۹-۱۲۲.



آنچه برای

ما مهم است

این است که

اولاً: ما از

کجا مطمئن

شویم که او

واقعاً چنین

رؤیاهایی

می‌دیده

است؟ ثانیاً؛

بر فرض

این که او در

ادعای دیدن

این گونه

خواب‌ها

صادق بوده،

ولی از کجا

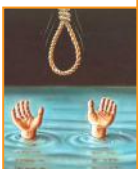
معلوم که

اشخاصی را

که او می‌دیده

واقعاً امام

بوده‌اند؟





امامت

استمرار
نبوت است،
که تحقق
اهداف الهی
در سعادت

انسان و
رسانیدن
او به کمال
مطلوب و
مراتب قرب و
رضای الهی،
بدون آن
ممکن نیست.



پرسش‌ها و پاسخ‌های مهدوی

پرسش: چه اصراری است که امامان معصوم علیهم‌السلام در دوازده تن منحصر شوند تا لازم آید خداوند، قوانین طبیعت را به خاطر امام دوازدهم به تعطیل درآورد؟

زمین خارج می‌شود، اگر ما روی زمین نبودیم، اهلش را فرو می‌برد. سپس فرمودند: از روزی که خدا آدم را آفرید تاکنون هیچ‌گاه زمین از حجت خدا، چه ظاهر و مشهود، چه غایب و مستور، خالی نبوده است، و تا روز قیامت نیز از حجت خالی نخواهد بود و اگر چنین نبود خدا پرستش و عبادت نمی‌شد.^(۱)

با توجه به این مقدمه کوتاه، به بیان مسئله‌ای که ناشی از اراده و مشیت الهی است می‌پردازیم و آن این‌که: چرا تعداد امامان از دوازده نفر بیشتر نیست؟

باید دانست که مسئله امامت، لحظه‌ای به زمان واگذار نشد. بدین معنی که هرگاه امامی از دنیا رفت، یا به شهادت رسید، امامی دیگر جای او را گرفت. زیرا وا گذاشتن امامت به زمان، در آینده موجب خواهد شد که امامت در هاله‌ای از ابهام قرار

پاسخ: یکی از اصول اصیل شیعه امامیه، اصل امامت می‌باشد، امامت استمرار نبوت است، که تحقق اهداف الهی در سعادت انسان و رسانیدن او به کمال مطلوب و مراتب قرب و رضای الهی، بدون آن ممکن نیست. امام، فرد کامل انسانیت، و رابط میان عالم مادی و عالم ربوبی است و بنا بر روایات اسلامی، چنانچه امام و حجت خدا نباشد، نوع انسان منقرض خواهد شد.

امام سجاد علیه‌السلام می‌فرمایند: «ما پیشوای مسلمین، و حجت بر اهل عالم، و سادات مؤمنین و رهبر نیکان و صاحب اختیار مسلمین هستیم. ما امان اهل زمین هستیم، چنان‌که ستارگان، امان اهل آسمانند. به واسطه ماست که آسمان بر زمین فرو نمی‌آید، مگر وقتی که خدا بخواهد. به واسطه ماست که باران رحمت خداوندی نازل می‌گردد و برکات

گیرد و برنامه الهی اسلامی را در معرض خطر جدی قرار دهد. از سوی دیگر، موجب تشویش اذهان و سرگردانی مردم و گمراهی و پراکندگی آنان و ظهور اباطیل نابجای فراوان به نام دین و اسلام و به حساب راه صواب و حق و حقیقت می‌گردد.

همچنین فرصت به دست طمع ورزان هواپرست و مدعیان دروغین امامت خواهد افتاد تا به گمراهی مردم و بازی با دین و احکام آن و ظهور بدعت‌های ناروا و تباهی حق بپردازند، تا آن‌جا که راه وصول به آن به صورت امری محال و ناممکن درآید.

از طرفی دیگر هرگاه حاکمان احساس کنند کسی هست که آنان را به پیشگیری، ملایمت و دوری از سختگیری و فشار ملزم سازد و از سوی دیگر قدرت کافی را برای نابودی منبع خطر آن، در اختیار دارد، بدان مبادرت خواهند کرد و تمامی منابع خطر را از سر راه خود بر خواهند داشت و تندبادهای حقه و کینه، وزیدن خواهد گرفت و تمامی دستاوردهای جهاد پیامبران و اوصیای الهی و همه بندگان با اخلاصی که در راه خداوند کوشیده‌اند، را چنان ریشه‌کن نمایند که گویی اصلا چنین چیزی نبوده است.

برای این منظور و با توجه به مطالبی که گفته شد و بر اساس مقتضیات و به لحاظ هماهنگی با ضروریاتی که این عینیت و سایر اعتبارات تربیتی موجب می‌شود، رسول اکرم ﷺ در روایاتی، تعداد و اسامی امامان بعد از خود را دقیقاً بیان نموده که اولین آنها امام علی (علیه السلام) و آخرین آنها امام مهدی (علیه السلام) است. باری، اقتضای حکمت الهی است که عمر امام دوازدهم ﷺ آن قدر طولانی شود که فرصت را برای انجام حرکت اصلاحی جهان شمول اسلام آماده کند. حتی با این تعیین دقیق و آن نص صریح هم، صحنه اجتماع اسلامی از ادعاهای دروغین مدعیان امامت در امان نماند. این مقام برای محمد بن حنفیه، اسماعیل فرزند امام صادق (علیه السلام) و دیگران ادعا شده است. اما از اهمیت و تأثیر چندانی برخوردار نبوده‌اند.

بنابراین منحصر کردن تعداد امامان ﷺ به دوازده نفر، کاملاً ضروری بوده است؛ تا به نیازی که در عینیت جامعه هست، مطابقت کند. اگر برهه‌ای از تاریخ را - که امامان: ما در سه قرن اول پس از وفات رسول اکرم ﷺ در آن بسر بردند - به طور دقیق مطالعه کنیم، در خواهیم یافت که امت اسلامی در این مدت توانست تمامی جوانب تشریع و اهداف مختلف آن را در سطح عمومی فراگیرد و برزمینه‌های گوناگون زندگی

اشراف یابد. آری، اگر غیبت امام غایب (علیه السلام) در کار نباشد، فرصت عمل و حفظ دستاوردهایی که ثمره جهاد و تلاش پیامبران و مخلصان فداکار در طول تاریخ است، کم‌کم از دست خواهد رفت، تا جایی که به صفر برسد.^(۳)

اما در جواب این که چرا برای حفظ امام دوازدهم (علیه السلام) قوانین طبیعت را تعطیل کرده است، باید گفت که این اولین مرتبه نیست که خداوند متعال برای نگهداری از فردی که حکمش اقتضا می‌کند، قانون طبیعت را تعطیل می‌نماید؛ در ذیل به چند نمونه اشاره می‌شود:

* در آن هنگام که ابراهیم (علیه السلام) را در آتش افکندند، تنها راه جلوگیری از نابودیش، تعطیل این قانون بود. پس به آتش گفته شد که «بر ابراهیم خنک و سلامت شو!» و این چنین شد.

* دریا برای موسی (علیه السلام) شکافته شد.

* کار بر رومیان مشته شده و پنداشتند که عیسی (علیه السلام) را دستگیر کرده‌اند، در حالی که دستگیر نکرده بودند.

* حضرت محمد (صلی الله علیه و آله) از خانه خود که در محاصره انبوه قریشیان بود و آنان ساعت‌ها در کمین او بودند تا بر وی بتازند، بیرون رفت و کسی او را ندید، زیرا خداوند می‌خواست پیامبرش را از چشم‌های آنان پوشیده دارد.

از این رو هر گاه پاسداری از زندگی یکی از حجت‌های خداوندی، برای ادامه کارش و پایان بردن نقش سازنده‌اش ضروری باشد، الطاف خداوند دخالت کرده و برای حفظ او، یکی از قوانین طبیعی را به حالت تعطیل درمی‌آورد و برعکس، اگر مدت مأموریت او سرآمده باشد و وظیفه الهی تعیین شده‌اش را به انجام رسانده باشد، هماهنگ با قوانین طبیعی حیات با مرگ روبه‌رو می‌شود، یا به شهادت می‌رسد. جای بسی شگفتی است که گروهی همه این مطالب را در جای خود - که پیرامون تعطیل شدن قانونی از قوانین طبیعت است - پذیرفته‌اند، اما هنگامی که با عقیده شیعه، در مورد طول عمر امام زمان (علیه السلام) روبه‌رو می‌شوند، انگشت حیرت به دهان می‌گیرند و این گونه عقاید را غیر عاقلانه و غیر منطقی می‌دانند؟!^(۴)

۱. بنایح الموده، قندوزی، ج ۳، ص ۱۴۷.

۲. جزیره خضراء، افسانه یا واقعیت؟ علامه جعفر مرتضی عاملی، ترجمه سپهری، ص ۳۵.

۳. برگرفته از کتاب یکصد پرسش و پاسخ پیرامون امام زمان، علیرضا رجالی تهرانی، ص ۸۸-۸۵.

منحصر کردن

تعداد

امامان

به دوازده

نفر، کاملاً

ضروری

بوده است؛

تا به نیازی

که در عینیت

جامعه هست،

مطابقت کند.



ز حال خسته و زارم تو هم خبرداری
 ز باغ مرده بهارم تو هم خبرداری
 تمام دار و ندارم محبتت باشد
 ز کل دار و ندارم تو هم خبرداری
 ره وصال تو نزدیک و پای من زخمی
 گره فتاده به کارم تو هم خبرداری
 درختم و بر سر کویت نشسته‌ام اما
 بدون میوه و بارم تو هم خبرداری

۰۹۱۳***۹۷۰۲

ما منتظر صبح شب یلدا ایم
 آماده برای فرج فردا ایم
 روزی که عزیز فاطمه می‌آید
 با خامنه‌ای به کربلا می‌آیم آسمان غرق
 خیال است کجایی آقا
 آخرین جمعه سال است کجایی آقا
 یک نفس عاشق اگر بود زمین می‌فهمید
 عاشقی بی تو محال است آقا

۰۹۱۳***۲۱۹۴

پیامک‌های مهدوی

برنده این شماره،
 به قید قرعه شماره
 ۰۵۸۲۲***۹۱۹ است
 که با ایشان تماس گرفته
 و هدیه‌ای تقدیم ایشان
 خواهد شد.

همیشه امام زمان عج را با

یک فهرست بلند بالا پر از حاجات رنگ و وارنگ و
 کوچک و بزرگ صدا می‌زنیم و بعد، سرگرم آرزوهای
 دور و درازمان می‌شویم. آن قدر اطراف خودمان را شلوغ
 کرده‌ایم که صدای امام مهربانمان را هم نمی‌شنویم که
 می‌گوید: «انا غیر مهملین لمراعاتکم؛ ما شما را رها نکرده و
 فراموشتان نمی‌کنیم».

پیامک‌های انتظار، تلنگری است تا در دنیایی که سرگرم
 آن هستیم، چند لحظه‌ای به یاد حجت خدا باشیم. شما
 هم می‌توانید برای ما درباره امام مهربانی، وظیفه ما
 در دوران انتظار و هر آنچه شایسته می‌دانید؛ پیامک
 بفرستید. با شماره ۰۴۹۶***۹۳۵۳۱۳ منتظر شما هستیم.
 امان به بهترین‌ها به قید قرعه هدایایی تقدیم خواهد
 کرد.



در تمنای نگاهت بی قرارم تا بیایی
من ظهور لحظه‌ها را می‌شمارم تا بیایی
خاک لایق نیست تا به رویش پا گذاری
در مسیرت جان فشانم گل بکارم تا بیایی
۰۹۱۷***۷۰۲۳

آقا روزی هزار بار دلت را شکسته‌ام
بی خود به انتظار وصال نشسته‌ام
هر بار قول می‌دهم آدم شوم ولی
هم عهد خویش هم دلتان را شکسته‌ام
۰۹۱۷***۷۴۹۴

چشمم به انتظار تو تر شد نیامدی
اشکم شبیه خون جگر شد نیامدی
خسران زده کسی است که از (یار) غافل
است
بی تو دعا بدون اثر شد نیامدی
۰۹۱۲***۱۶۹۷

صدها گله پیش یار بردن عشق است
با عشق تو چوب طعنه خوردن عشق است
ای قلب تپنده جهان یا مهدی
یک بار تو را دیدن و مردن عشق است
۰۹۱۴***۳۸۴۶

ای کاش شکوه لاله زاران برسد
ای کاش که آن حامی قرآن برسد
ای کاش که با بانگ انا المهدی
آدینه انتظار به پایان برسد
۰۹۱۹***۲۸۱۶

اللهم ادبنا بأدب المهدی
و خلقنا بأخلاق المهدی
و جعلنا من انصار المهدی
بحق المهدی بحق المهدی
۰۹۱۶***۵۲۷۲

بی تو دلگیر است عصر جمعه‌ها
بوی نرگس می‌دهد پس کوچه‌های شهر
ما
از کلاس عمرمان یک جمعه دیگر گذشت
باز غیبت خورد پای اسم زیبایی شما
۰۹۱۹***۲۲۸۵

نشسته‌ام سر راحت که تا ظهور کنی
تمام اهل جهان را تو غرق نور کنی
در انتظار تو بودن چه مشکل و سخت
است
دلی که با تو نباشد همیشه بدبخت است
۰۹۱۶***۰۷۴۴

پرده بردار ز رخ چهره‌گشا ناز بس است
عاشق سوخته را دیدن رویت هوس است
دست از دامنیت ای دوست نخواهم برداشت
تا من دل شده را یک رمق و یک نفس است
۰۹۱۴***۲۷۶۳

چشم در راهیم اما قاصدی در راه نیست
جمعه هم آمد ولی این جمعه دلخواه
نیست
تک سوار قصه‌ها یک روز می‌آید ولی
جز خدا از پشت پرده هیچ کس آگاه نیست
۰۹۱۶***۵۰۵۲

ای آشنای غربت و غم‌ها ظهور کن
یک مرتبه ز کوچه ما هم عبور کن
حک شد به روی بال قنوت نمازمان
یک خواهش قدیمی «آقا ظهور کن»
۰۹۱۵***۵۶۸۱

سجده بر سجاده عشاق، چون کردی
سحر
جان الله زیر لب آهسته نامم را ببر
۰۹۱۹***۵۶۱۱۹

اگر با آمدن آفتاب از خواب بیدار شویم
نمازمان قضا است
۰۹۱۲***۳۹۰۳

آرامترین تپش قلبم را تقدیم میکنم تا
بدانی که آرام بخش همه وجودم تویی
۰۹۱۵***۴۶۱۶

می‌دانم هر صبح جمعه در ناله‌های ندبه‌ات
مروارید اشک از صدف چشمت می‌غلند و
انتظار جمعه آخر را می‌کشی
۰۹۳۷***۰۶۷۴

پیامک‌های

انتظار،

تلنگری است

تا در دنیایی

که سرگرم آن

هستیم، چند

لحظه‌ای به

یاد حجت خدا

باشیم.



* مهرانه‌ها

* آرزو تیموری، تبریز:

نشریه از لحاظ علمی هر شماره بهتر از شماره قبلی است. البته تمام شماره‌ها از لحاظ علمی عالی هستند ولی وقتی مطلبی جدید اضافه می‌شود یک نوع شادابی در ذهن خواننده به وجود می‌آید و این مسئله واقعا زیباست. از راه دور برای سلامتی و موفقیت تمام عزیزانی که در تهیه این نشریه تلاش می‌نمایند سلام و سپاس می‌فرستم.

* زهرا تقی‌زاده - ایلام:

خداوند کریم را سپاسگزارم که پس از سال‌ها بالاخره مجله‌ای پیدا شد تا به جای زندگی نامه بازیگران و بازیکنان مطالبی را در مورد گل زهرا (ع) که جان‌ها فدایش باد تهیه کند و در روشنگری این مردم عزیز تمام تلاش خود را به کار گیرد. امیدوارم مجله شما روز به روز موفق‌تر شود.



«با یاران امان»، بل ارتباطی ما، با دوستان صمیمی مجله است؛ پلی که یک طرف آن، نامه‌های پرمهر، همراه با پیشنهادها و انتقادهای راهگشا و مطالب خوب و زیبای شماست و سوی دیگر پاسخ‌ها و قدردانی‌های ما در حد توان و بضاعتمان است.

امان: اینها بخشی از نامه‌های محبت آمیز شما بود. با تشکر از همه شما یاران صمیمی که با نظرات سازنده خود، در هر چه بهتر شدن نشریه سهیم هستید، تمام تلاش خود را برای استفاده از پیشنهادات و رفع کاستی‌ها به کار خواهیم بست، ان شاء الله.

نامه‌های شما رسید (اسامی به تفکیک استان‌ها می‌باشد)

* **آذربایجان غربی:** امیرمحمد علیزاده، فاطمه منثوری، سعید، حمید، حسن، رقیه، ملاحت، احمد، مهدی و مجید رحیم‌لو، یونس خلیل پور، مریم قربانعلی‌زاده، قربان، زهرا، سوینچ و ابوالفضل رضایی، فاطمه، علی و اسماعیل اسدلو، مریم روستایی، میرحسن و میرناصر حسینی، مرضیه بوذرجمهری، میرولی سیداشرف، رویا علیاری، صدیقه دانشیار، اعظم ایلاتی، سارا خوشدل، مهسا میکائیلی. * **آذربایجان شرقی:** طلیه حبیبی اصل، رقیه و آرزو تیموری غرب، هادی و عقیقه خادم حسینی، زهرا قندکاران، سعید زینالی، یونس خلیل پور، رقیه آتش صبح، افسانه کاظم زاده گلشن، شاهین و جلال معالی، هادی و عقیقه خادم حسینی، ناهیده سلیمانی، زهرا قندکاران، سعید زینالی، ناصر عدلی کلوانق، مستوره کریم‌پور، صفر کریم‌پور، محبوبه وحیدی‌مقدم، لیلا تقی‌پور، زهره حسینی، جواد، عباس، صغری، صبا و میثم دولتی، فاطمه، محمد، اکبر، سجاد و حسین شایان‌مهر، نادر اسدی، حمیده محمدی، امیر محمدمحکم، حسینیہ ریخته‌گر. * **ایلام:** زینب کاوتی، سوگند زاهدیان‌فرد، فاطمه زنگنه، رحیم و سجاد ترکاشوند، محدثه پوستین‌دوز، فاطمه تاجیک، غلامرضا شریف، فاطمه شایان‌فر، مهدی عزتی، پروین اسلامی، زهرا حضوری. * **اصفهان:** محبوبه ترکی، مینو طاوسی شهرضا، پرویز امید، اعظم سلطان محمدی، سعید حاجی حیدری، احمد علی قدیری، برات علی

سلیمانی، حدیثه شریفیان‌نژاد، زهرا کریمیان، سعید حاج عنایتی. * **بوشهر:** عبدالحسین کمالی. * **تهران:** فاطمه مداح، فاطمه و زهرا علی‌مرادی، فریا محمد بیگی، معصومه محرابی، غلامرضا شریف، مصطفی زارعی، مریم و سمیه کرمانی قهی، فرزانه فتاحی، ابوالفضل مرادی فروتن، محمد افشہ، منیره آجرو، فاطمه خدابخش، زهرا موسی‌رضا، زهرا سادات اعلائی، سیدرضا میرنیا، بتول سلمان، زهره مرتضی‌بیگی، فاطمه امرالهی، اختر علم‌الهدی، لیلا و بهاره حاج عباسی، وجیهه قدیری، لیلا محمدی، زهرا ایوبی، غزاله ظریف‌کار، عفت السادات موگویی، سید مهدی حسینی، زهرا علی‌نژاد، مریم و محبوبه رحمانی مقدم، خدیجه و زهرا رشوندی، امید حسین‌زاده، اکرم محمدی، نسرين سلیم‌زاده، سید عباس هاشمی، سمیه السادات میرعباسی، سکینه سلگی، رضا حسین‌نیا، الهام نظام‌جو، فرشته محمودیه، معصومه زارع، میترا اعوانی. * **چهارمحال و بختیاری:** امیر رضامانی بروجنی، خراسان شمالی: سیدعبدالوهاب میرعلوی، محترم و محمد حسین‌نیا، مونا و تقی ربانی، مرضیه اسکندری، امان گرمایی‌نیا، حنیف محمدی، مریم حسین‌نیا، فاطمه، معصومه و احمد حسین‌زاده، حسین امامی، زکبه شهسوار، سلمان وحدانی، محمد مومنی، علیرضا شرافتی، عالیہ و فاطمه حسین‌نیا، حسن ابراهیم‌نیا، احسان، حوریه، فاطمه و زهره حسن‌زاده. * **خراسان رضوی:** معصومه کهنسالی استاجی، حسینعلی زیدآبادی، حسین تاج آبادی، حسن و زهرا علوی، محمد علوی، ناهید حکیم، مریم نوری‌آذر. * **خوزستان:**



رونق و فروغ مجله را مدیون مطالب، انتقادهای پیشنهادهای شماایم، آنها را از ما دریغ نورزید.



* پیشنهادها و انتقادات *

* غلامرضا محسنی، تهران:

نشریه امان مطالب بسیار مفید و خواندنی دارد، اما نکته‌ای که به عنوان پیشنهاد عرض می‌کنم این است که بعضی از صفحات رنگ تیره دارند و برای مطالعه نمودن کسانی که چشمشان ضعیف است مشکل است. اگر از رنگ‌های روشن‌تر استفاده گردد بهتر خواهد بود.

* سکینه شکاری، قم:

لطفاً اگر می‌شود مطالب بیشتری در زمینه مسائل روز درباره مهدویت به مخاطبین ارائه دهید. چون این حق ماست که بدانیم در اطراف ما چه می‌گذرد و دشمنان نسبت به امام زمان ع دست به چه حربه‌های شیطانی زده‌اند و این وظیفه نشریه امان است که ما را نسبت به مسائل اطراف روشن و بیدار کند.

* زینب رضائزاد کلایی، قم:

اگر صفحه‌ای را مختص به نقاشی‌های امام زمانی ع می‌گذاشتید شاید نقاشی‌های قشنگی به‌دستتان می‌رسید. نگاه کردن به نقاشی می‌تواند شرح‌های زیبایی داشته باشد که در شماره‌های بعدی شرح نقاشی قبلی را هم بخواهید تا ایده‌های زیبایی به‌دستتان برسد.

* کلامی با آقا *

* فاطمه طباطبایی امیری، قم:

سلام بر مهدی ع، امید انسان‌ها و بهار جان‌ها و جهان و موعود امت‌ها و احیاگر دین و عزت بخش مسلمین، سلام بر آخرین ذخیره الهی برای نجات بشریت و درمان دردهای آدمیت! سلام بر حجت موعود که ظهورش روز تجلی اسلام و زدودن کینه‌ها از دل‌ها و فراگیری آرامش و امنیت در گستره تاریخ است. سلام بر آن گل نرگس و فرزند زهرا ع که همه پیامبران وعده ظهور و آمدنش را نوید داده‌اند! روز آمدنش دیدنی و گل حضورش چیدنی است!

* لیلا همتیان، کرمانشاه:

بارها ناله سرداده‌ام که «یا اباصالح المهدی ادرکنی، مرا دریاب آقا جان» ولیکن غافل بودم از این که شما مرا رها نمی‌کنید، و مراقب من هستید، در لحظات غم و شادی در کنار منی. اما چشم بینا و گوش شنوایم نبود تا کلام گهربار تان را بشنوم که «ما مراعات حال شما را می‌کنیم و از شما غافل نیستیم».

* نصیر نخعی سرو، یزد:

زمین بی‌تاب است، آسمان ضیحه می‌زند، ابرها اشک می‌ریزند، رودها به جنب و جوش در می‌آیند، انگار که همه منتظرند تا کسی بیاید و در گوشه‌ای ناله جانسوز جوان منتظری بلند است که: «اللَّهُمَّ إِنَّا نَشْكُوا إِلَيْكَ فَقَدْ تَبَيَّنَا صِلَاَتَكَ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَ غَيْبَةً وَلَيَّنَا...».

سجاد نریموسائی، کریم ستاوی، زهرا اهوازیان، محبوبه باسیری، هدیه راشدی، خدیجه عباس دمی، اسماعیل حمیدلوی، خدیجه جورابی، سجاد شجریان، مرجان مودت، مرضیه پیرموردی، مینا و میترا جابری، عادل مطوری، معصومه مکی‌داودی، لیلا ملا، فاطمه و سمیرا دریس، سرور باوی، *** زنجان:** بهروز بابایی، ابوالفضل افضلی، *** سمنان:** ناهید تبریزی مطلق، *** سیستان و بلوچستان:** صدیقه نوری، فاطمه میر، حسن مهاجری، مهدی عارفی، *** فارس:** محمد جواد شریف زاده، علی اصغر مختاری، حمید رضا راسخی، محمود نجفی، عبدالحمید رامشی، مهری گردشی، زهرا پرن، الهه جباریان جهرمی، فاطمه خانی، خدابخش تابع بردبار، زری آشنا، سهیلا دارایی سنگری، روح‌الله شجاعیان، محب علی نور محمدی، حمیدرضا و عباس کشاورزی، مینا دارایی سنگر، لیلا کریمی میمندی، زینب صابری زاده، هاجر مرادی، *** قزوین:** منیره امینی، قم: فاطمه نجفی، محمد بربری، حمیده صرفی، سید حامد مومن، فاطمه قمی، عذرا خاتون، زینب و محمد معروفی تبار، حسین حمزه، زینب رضائزاد کلایی، فاطمه طباطبایی امیری، منصوره کرمانی، زهره رنجبر، حکیمه کریمی دردشتی، سمیه نیری، شهناز ذوقی روشن، احسان محمودی، زینب سعادت، فاطمه اسدی، سید کامران حیدر جعفری، مریم شیرازی، یوسف رستمی، معصومه الفحاح، مرتضی حیدر مطهری، سکینه شکاری، منیژه وحیدپور، الهام اسمعیلی، محمد مهدی اسمعیلی، سمیه رشیدی، سکینه میرزایی، ناهید محمدیان، زهره بیطرفان، زهرا کفاش، مهدی ناصری، فاطمه بنفشه.

خدیجه گلشن، سعید سلیمی، *** کرمان:** زهرا محمدرضایی، طاهره پورشرعلی، کبری داوری پور، مژگان تقی‌زاده، فرشته حسینی‌فرد، زینب غضنفری، شهین شیری، فاطمه عسکریان، معصومه شریفی، معصومه ترک‌زاده ماهانی، *** کهگیلویه و بویراحمد:** سید رضا منصوری، *** کرمانشاه:** فاطمه یزدانی مهر، شهرام و مهسا حمیدیان، منوچهر پیامی، حمید کریمی، فرزاد احمدی، رودابه خسروی، شهین شیری، محمدرضا شبستری، فهیمه امیری، لیلا همتیان، پروین حقمرادی، زهرا حیدریان، *** گلستان:** بهزاد سنگانی، احمد خواجه نژاد، یلدا، عادل، مهدی و عاطفه عابدین‌پور، محمود، شمیم و شیما کابلی، *** گیلان:** حمیدرضا علیپور، انسیه فرحمند، محمد علی آذر، زینب اسدی، *** لرستان:** فیروزه جوزی، *** مازندران:** سمیه و حسن امامی ملک‌شاه، نعمت‌الله شاکری، فاطمه‌صغری باباجان‌زاده، زهرا شاکری، عباس عباسیان، آسیه، نساء، محمود، کلثوم، حسن و قاسم ثانوی سورکی، محمود و امیررضا نصرالله زاده سورکی، مجتبی عباسی، لیلی امانی‌نژاد، محمد حسن صالحی، فائزه مقدم‌سمنانی، محمد شیرزاد، سیده لیلا حسینی سورکی، سید مرتضی پورعلی، خسرو محمودپور، *** مرکزی:** محمود محمدی، وحید عابدینی پور، سید محمد ابراهیم حسینی، بهاره شعبانی، سیده ملیکا و سید رضا آل‌طه، مریم سلمانی، *** هرمزگان:** حسین تقوی، *** همدان:** رقیه و فریده حبیبی، مهناز اسماعیلی.

نام‌هایتان
را خوانا و
بر روی یک
طرف برگه
A۴ بنویسید.



۱۴	۱۳	۱۲	۱۱	۱۰	۹	۸	۷	۶	۵	۴	۳	۲	۱
									۵				۱
													۲
													۳
													۴
													۵
													۶
													۷
													۸
													۹
													۱۰
													۱۱
													۱۲
													۱۳
													۱۴

برندگان جدول شماره ۲۴: حمیدرضا علیپور(رشت)، فاطمه اسدی (قم)

برندگان مسابقه تستی شماره ۲۴: زهره بیطرفان (قم)، لیلا بدری (کبودرآهنگ)

۱. اول ذیقعدة میلاد این بانوی بزرگ است. یک چهارم.
۲. بلندترین نقطه. پول دار. هدایت.
۳. بیست و چهارم ذیقعدة به این مناسبت تعلق دارد. مکان.
۴. بدن آدمی. آغازین عدد. دست راست. خاک کوزه‌گری.
۵. قطعه فلزی که حالت ارتجاعی دارد.
۶. پرچم. ماده‌ای که در باتری ماشین می‌ریزند. کودک عربی.
۷. نفخ آن علامت قیامت است. خوشحال. مایع نیست.
۸. ضد پایین. وسیله پرواز پرنده. روان آدمی.
۹. دانه خوشبو. ضمیر اشاره. ضد روز. جنگ اول مسلمانان با مشرکان.
۱۰. کشیدن. چهره درهم کشیدن. دهان عرب. مغازه دار.
۱۱. چاهی در جهنم. شهری در استان تهران. میوه‌ای که نرسیده است.
۱۲. شمارش سالهای عمر. عضوی در سر پرندگان. درد و رنج. من و تو.
۱۳. جدید. تکرار حرف چهاردهم الفبای فارسی. ضمیر اول شخص مفرد در فارسی.
۱۴. بزرگترین عید شیعیان جهان.

عمودی

۱. یازدهم ذیقعدة میلاد این امام همام است.
۲. درختی است. آئین.
۳. سر. میان ما و امام زمان علیه السلام نباید باشد. از جدائی‌ها شکایت می‌کند.
۴. واحد قدیم غیر رسمی ایران. برتر. عددی دو رقمی.
۵. اختیار ندارد. بدن ما از آن آفریده شده.
۶. خاندان. بالای خانه.
۷. گرامیداشت صدمین سال تولد یا وفات کسی. شهری در استان اصفهان. کاشف الکحل.
۸. فرماندار. دوازده ماه. سورهای در جزء سی‌ام قرآن.
۹. دواي روی زخم. نام فلزی است. بو و رایحه. پرنده خانگی.
۱۰. ضمیر جمع در فارسی. فرا گرفتن چیزی. پروردگار. قبول نشدن.
۱۱. موجود نامرئی. اتمسفر زمین. لذت و خوشی.
۱۲. آزاد. از القاب حضرت حجت‌بن‌الحسن علیه السلام.
۱۳. ضد خوب. شهری در استان کرمان. به معنای شبیه و مانند. رفیق سوزن.
۱۴. از اعیاد مسلمانان در ایام حج.

تذکر

- * سؤالات مسابقه تستی از متن مجله (همین شماره) انتخاب شده است؛ برای جدول و مسابقه تستی، قرعه‌کشی جداگانه‌ای صورت می‌گیرد.
- * جوایز برندگان: یک سکه زرین امان (پلاک طلایی مزین به آرم امان) + اشتراک دو سال نشریه امان یا کتب خواندنی در عرصه مهدویت.
- * مهلت ارسال رمز جدول و پاسخ مسابقه این شماره تا تاریخ ۸۹/۹/۱۵.

- * رمز جدول، دو کلمه جداگانه می‌باشد (کلمه اول شماره‌های ۱ تا ۵ و کلمه دوم شماره‌های ۶ تا ۹) به دو نفر از کسانی که زیباترین جمله را با استفاده از این دو کلمه ساخته و برای ما ارسال نمایند، به قید قرعه جوایزی اهدا خواهد شد.
- * اسامی برندگان هر شماره با یک شماره تأخیر، اعلام می‌شود.

مسابقه تستی

۶. کدام گزینه صحیح است؟
الف. یهودیان مانند مسیحیان، عیسی علیه السلام را مصداق موعود می‌دانند
ب. یهودیان برخلاف مسیحیان، عیسی علیه السلام را مصداق موعود می‌دانند
ج. یهودیان برخلاف مسیحیان، عیسی علیه السلام را مصداق موعود نمی‌دانند
۷. به فرموده امام معصوم علیه السلام تا روز قیامت زمین از حجت خدا خالی نخواهد بود چرا که اگر چنین نبود...
الف. خداوند پرستش و عبادت نمی‌شد
ب. خداوند فراموش می‌شد
ج. خداوند پیروی نمی‌شد
۸. ناتوان‌ترین مردم طبق حدیث امام علی علیه السلام کیست؟
الف. کسی است که در به دست آوردن برادر، عاجز باشد
ب. کسی است که برادران به دست آورده را از دست می‌دهد
ج. هیچکدام
۹. با توجه به مقاله به فرموده امام صادق علیه السلام هر کس از شما بمیرد در حالی که منتظر این امر - ظهور - باشد همانند کسی است که ... الف. در راه خداوند جهاد کرده باشد
ب. در حضور رسول خدا صلی الله علیه و آله به جهاد پرداخته باشد
ج. در پیشگاه پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله شهید شده باشد
۱۰. این سخن از کیست؟ «جوهره انتظار، عدالت است» الف. امام خمینی علیه السلام
ب. مقام معظم رهبری (مدظله العالی) ج. شهید مطهری علیه السلام

۱. عرفات را چرا عرفات می‌گویند؟ به خاطر:
الف. آشنایی آدم و حوا در این سرزمین
ب. آشنایی حضرت ابراهیم علیه السلام به وظیفه خود ج. هر دو مورد
۲. جمله «نعم العون علی طاعة الله» کلام چه کسی و خطاب به چه کسی است؟
الف. حضرت فاطمه علیه السلام؛ پدر گرامیشان
ب. حضرت علی علیه السلام؛ پیامبر گرامی صلی الله علیه و آله
ج. پیامبر گرامی صلی الله علیه و آله؛ حضرت فاطمه علیه السلام
۳. در کلام امام جواد علیه السلام چند مورد از سختی‌ها و تنگناهای عصر غیبت بیان شده است؟
الف. سه مورد ج. دو مورد ب. چهار مورد
۴. به فرموده علامه طباطبائی منظور از واجب کردن مودت اهل بیت علیهم السلام چیست؟
الف. محبت وسیله‌ای برای ارجاع مردم به اهل بیت علیهم السلام است
ب. اهل بیت علیهم السلام مرجع علمی مردم قرار گیرند ج. هر دو مورد
۵. هالیوود در فیلم‌های متعددی که ساخته است مغز متفکر و نجات بخش را چه کسی می‌داند؟
الف. رییس جمهور آمریکا
ب. آرنولد شوارتزنگر ج. هیچکدام

برگ اشتراک نشریه امان

هزینه با پست عادی		
تک شماره ۵۵۰۰	۶ شماره ۳۳۰۰۰ ریال	۱۲ شماره ۶۶۰۰۰ ریال

وجه اشتراک را به شماره حساب ۰۱۰۶۶۱۷۷۹۳۰۰۲ سیبا بانک ملی ایران به نام انتشارات بنیاد فرهنگی حضرت مهدی موعود علیه واریز نموده و اصل فیش بانکی را همراه با این فرم به وسیله پست جواب قبول صندوق پستی ۳۹۷۵ - ۳۷۱۸۵ نشریه امان ارسال یا فکس کنید.

• مشخصات

نام و نام خانوادگی	سال تولد	تحصیلات	شغل
نشانی	استان:	شهرستان:	
کد پستی	کد شهر	تلفن ثابت	تلفن همراه
		مبلغ پرداختی	

تقاضای اشتراک	یکساله: ☐	دوساله ☐	تک شماره ☐
شماره فیش	تاریخ فیش		

- یادآوری: - از ارسال وجه نقد به نشانی مرکز خودداری کنید.
- در صورت تغییر نشانی خود، مراتب را به دفتر مجله اطلاع دهید.
- تعداد و نوع سفارش خود را دقیقاً مشخص کنید.

خواننده گرامی! در این قسمت:

نشریه خودتان را ارزیابی کنید؛ مطالب زیبایتان را برای ما بنویسید:

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

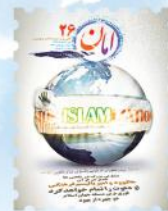
.....

.....

.....



۲۶
www.aman.ir
قم/ صندوق پستی: ۳۷۱۸۵/۳۹۷۵
تلفکس: ۰۲۵۱-۷۸۳۳۵۰۰
ویژه اماں زمان



نیاز به الصاق تمبر نمی باشد

چون قبول

هزینه پستی بر اساس قرارداد
شماره ۹۲-۳۷۱۸۴ پرداخت شده است
و نیاز به الصاق تمبر نمی باشد.



۲
۰
الف

۱ ۲ ۳ ۴ ۵ ۶ ۷ ۸ ۹ ۱۰

پستی دقیقاً سه بار در هفته

محل نوشتن جمله یا ششده از رمز جدول:

مشخصات در پشت برگه قید گردد

